

سؤالات تأليفى

باب القضاء

مكتبة المجلد

د. محمد عبد الله

شروط قاضی

۱. بنابر مشهور کدامیک از شرایطهای زیر در فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت باید وجود داشته باشد؟

- | | |
|------------------------|----------------------|
| (۱) بلوغ، عقل | (۲) نطق، غلبة الذکر |
| (۳) ایمان، عدالت، بلوغ | (۴) کتابت، حریت، بصر |

۲. مراد از «کمال» در قاضی که از طرف امام منصوب می شود، کدامیک از گزینه های زیر می باشد؟

- | | |
|-------------------------|-------------------------------|
| (۱) بلوغ و عقل | (۲) بلوغ و عقل و عدالت |
| (۳) بلوغ و عقل و ذکوریت | (۴) بلوغ و عقل و طهارة المولد |

۳. «ایمان» که یکی از شرایطهای قاضی منصوب از طرف امام است، داخل در چه موردی می باشد؟

- | | |
|-----------|------------------|
| (۱) عدالت | (۲) کمال |
| (۳) حریت | (۴) انتفاء الخرس |

رجوع به قاضی جامع الشرائط

۴. إذا تحقق المفتی بهذا الشرائط الافتاء

- (۱) وجب على الناس الترافع إليه و لا قبول قوله
 (۲) لا وجب على الناس الترافع إليه و لا قبول قوله
 (۳) وجب على الناس الترافع إليه و قبول قوله و لا التزام حكمه
 (۴) وجب على الناس الترافع إليه و قبول قوله و التزام حكمه

۵. اگر فردی به جای رجوع به فقیه به حاکم ستمگر رجوع کند، حکم او چیست؟

- (۱) عاصياً خاصّةً
 (۲) فاسقاً خاصّةً
 (۳) عاصياً فاسقاً
 (۴) لا عاصياً و فاسقاً

راه های اثبات ولایت قاضی

۶. تثبت ولاية القاضي المنصوب من الإمام

- (۱) بالشیاع و بالخطّ مع أمن التزوير
 (۲) بالشیاع والشهادة عدلين لو تكن بين يدي حاكم
 (۳) بالشیاع والشهادة عدلين
 (۴) بالشهادة عدلين خاصّةً

قاضی التحکیم

۷. در مورد قاضی تحکیم، کدام یک از گزینه های زیر غلط می باشد؟

- (۱) هوالذي تراضی به الخصمان ليحكم بينهما مع عدم وجود قاضٍ منصوبٍ من قبل الإمام (ع)
 (۲) هوالذي يتصور في حال حضور الإمام (ع)
 (۳) إنّ حكمه ماضٍ عليهما
 (۴) هذه الشرايط الإفتاء كلها معتبرة في القاضي إلّا في قاضي التحكيم.

۸. عبارت: «التحكيم الشرعي هو أن يُحكم الخصمان واحداً جامعاً لشرائط الحكم سوى نصّ

من له توليته شرعاً عليه بولاية القضاء» از چه کسی می باشد؟

- (١) شهید اول
(٢) شهید ثانی
(٣) شیخ صدوق
(٤) فخرالمحققین

٩. عین الصحيح؟

- (١) يجوز ارتزاق القاضي من بيت المال مع الحاجة إن تعین القضاء عليه خاصّةً
(٢) لا يجوز ارتزاق القاضي من بيت المال مطلقاً
(٣) لا يجوز ارتزاق القاضي من بيت المال إن تعین القضاء عليه
(٤) يجوز ارتزاق القاضي من بيت المال مع الحاجة مطلقاً

١٠. عین الصحيح؟

- (١) يجوز القاضي اخذ الجعل و الاجرة من الخصوم و غيرهم
(٢) يجوز القاضي اخذ الجعل لا الاجرة من الخصوم
(٣) لا يجوز القاضي اخذ الجعل ولا الاجرة من الخصوم و غيرهم
(٤) لا يجوز القاضي اخذ الجعل ولا الاجرة من الخصوم خاصّةً

آداب قضاوت

١١. و يجب على القاضي التسوية بين الخصمين

- (١) في الكلام والسلام إذا كانا مسلمين او كافرين
(٢) في الكلام والسلام إذا كانا مسلمين لا الكافرين
(٣) في الميل القلبي مطلقاً
(٤) في الميل القلبي إذا كانا مسلمين لا الكافرين

١٢. عین الصحيح؟

- (۱) لا تجب على القاضي التسوية بين الخصمين إذا كانا مسلمين خاصة في الميل القلبي
 (۲) لا تجب على القاضي التسوية بين الخصمين إذا كانا كافرين خاصة في الميل القلبي
 (۳) تجب على القاضي التسوية بين الخصمين مطلقاً
 (۴) لا تجب على القاضي التسوية بين الخصمين مطلقاً في الميل القلبي

۱۳. کدامیک از عبارتهای زیر، در جایی که حکم واضح است یا صاحب حق از قاضی می‌خواهد که حکم دهد، در بیان حکم کفایت نمی‌کند؟

- (۱) قضیت (۲) مضیت (۳) ثبت عندی (۴) ألزمت

احکام رشوه

۱۴. در باب «رشوه» گزینه صحیح کدامیک می‌باشد؟

- (۱) تحرم الرشوة على المرتشى لا على المعطى
 (۲) تحرم الرشوة على المرتشى و المعطى
 (۳) الرشوة أخذه مالاً من أحدهما أو منهما أو من غيرهما لباذلهما بحق خاصة
 (۴) الرشوة أخذه مالاً من أحدهما أو منهما أو من غيرهما لباذلهما باطل خاصة

۱۵. کدامیک از امور ذیل حرام نمی‌باشد؟

- (۱) الرشوة على المرتشى
 (۲) الرشوة على المعطى ان لم يتوقف عليها تحصيل حقه
 (۳) الرشوة على المعطى ان يتوقف عليها تحصيل حقه
 (۴) تلقين احد الخصمين حجة او ما فيه ضرر على خصمه

معنای تلقین و خصم

۱۶. در عبارت «تلقين احد الخصمين حجة او ما فيه ضرر على خصمه» به ترتیب مراد از «تلقين»، «الخصمين»، «خصمه» کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

- (۱) در گوش کسی حرف زدن، دشمن ها، دشمن او
 (۲) در گوش کسی حرف زدن، طرفین دعوا، طرف مقابل
 (۳) چگونه استدلال کردن، طرفین دعوا، طرف مقابل
 (۴) راه پیروز شدن را یاد دادن، دشمن ها، طرف مقابل

مکروهات بر قاضی

۱۷. حکم کردن قاضی در حالت «مع اشتغال القلب بنعاس أو هم» چه حکمی دارد؟

- (۱) حرام؛ غیرنافذ (۲) مکروه؛ غیرنافذ (۳) مکروه؛ نافذ (۴) حرام؛ نافذ

شناخت مدعی از منکر

۱۸. با توجه به تعریف مدعی «هو الذی یترک لو ترک الخصومة» و «هو من یخالف قوله الأصل أو الظاهر» در مثال: إذا أسلم زوجان قبل الدخول، فقال الزوج: «أسلمنا معاً فالنكاح باقی» و قالت: «مرتباً، فلا نكاح» به ترتیب تعاریف، مدعی چه کسی می باشد؟

- (۱) زن، مرد، زن (۲) مرد؛ زن، زن (۳) زن، زن، مرد (۴) مرد، مرد، زن

۱۹. حکم عبارت «لو ادعی الزوج الانفاق مع اجتماعهما و یساره و انکرته» کدامیک از گزینه های زیر است؟

- (۱) معه الاصل و معها الظاهر (۲) معه الظاهر و معها الاصل
 (۳) معها الظاهر و الاصل (۴) معه الظاهر و الاصل

شرایط اقامه دعوی

۲۰. تخلف از هریک از شرایط: «ملزمة، معلومة، جازمة» در مورد ادعای مدعی به ترتیب چه احکامی را دارا هستند؟

- (۱) تُسمع؛ قولان؛ لا تُسمع مطلقاً

- (۲) تُسمع؛ قولان؛ لا تُسمع لو يعسر الاطلاع عليه
 (۳) لم تُسمع؛ تُسمع؛ لا تسمع إلا يعسر الاطلاع عليه
 (۴) لم تُسمع؛ قولان؛ لا تُسمع إلا يعسر الاطلاع عليه

۲۱. در کدامیک از گزینه‌های ذیل به ترتیب شرط: «لزوم»، «لزوم»، «معلوم بودن»، «جازم بودن» رعایت نشده است؟

- (۱) هبة غیر مقبوضة؛ دعوی شیء؛ دعوی فرس؛ قتل
 (۲) وقف غیر مقبوضة؛ السرقة؛ المعاملات؛ هبة غیر مقبوضة
 (۳) هبة غیر مقبوضة؛ وقف غیر مقبوضة؛ دعوی فرس؛ المعاملات
 (۴) هبة غیر مقبوضة؛ وقف غیر مقبوضة؛ المعاملات؛ السرقة

اولین جواب مدعی علیه «اقرار»

۲۲. مراد از «کمال» در فردی که در جواب مدعی، اقرار می‌کند، چه می‌باشد؟

- (۱) بلوغ، عقل، حلال‌زاده بودن
 (۲) بلوغ و عقل خاصه
 (۳) بلوغ و عقل و رفع حجر
 (۴) بلوغ خاصه

۲۳. حاکم در چه حالتی اگر مدعی بخواهد، اقرار مدعی علیه را می‌نویسد؟

- (۱) مع معرفته أو بمجرد اقراره
 (۲) شهادة عدلين بمعرفته أو صادقه المدعی
 (۳) اقتناعه بحلیته أو بمجرد اقراره
 (۴) مع معرفته أو شهادة عدلين بمعرفته أو اقتناعه بحلیته

اعسار مدعی علیه

۲۴. فَإِنْ ادَّعى الإعسار و ثبت صدقه حَلَفَ.

- (۱) بی‌ینه مطلعة علی باطن امره أو بتصدیق خصمه أو کان أصل الدعوی مالاً

(۲) بینه مطلقه علی باطن امره أو بتصدیق خصمه أو کان أصل الدعوی بغیر مال

(۳) البینه أو تصدیق الغریم

(۴) البینه خاصه

۲۵. اگر مدعی علیه ادعای تنگدستی کند و اصل دعوی مالی باشد، ادعای او چگونه پذیرفته می شود؟

(۱) بالبینه و مع تصدیق الغریم

(۲) بالبینه خاصه

(۳) بالبینه أو تصدیق الغریم

(۴) تصدیق الغریم خاصه

۲۶. در عبارت «بان لم یقم بینه، و لا صادق الغریم مطلقاً، و لا حلف لایکون اصل الدعوی مالاً» مراد از لفظ «غریم» و «مطلقاً» کدامیک از گزینه های زیر می باشد و حکم این عبارت کدام گزینه است؟

(۱) بدهکار، خواه موضوع مالی باشد یا غیر مالی، اطلاق

(۲) بدهکار، خواه موضوع مالی باشد یا غیر مالی، حبس

(۳) طلبکار، خواه بدهکار باشد یا طلبکار، اطلاق

(۴) طلبکار، خواه موضوع مالی باشد یا غیر مالی، حبس

دومین جواب مدعی علیه «انکار»

۲۷. أما الإنکار المدعی علیه، فإن کان الحاكم عالماً بالحق

(۱) قضی بعلمه فی حقوق الناس لاحقوق الله

(۲) قضی بعلمه فی حقوق الله لاحقوق الناس

(۳) قضی بعلمه مطلقاً ولا فرق بین علمه به فی حال ولايته و غیر

(۴) قضی بعلمه مطلقاً إن کان علمه به فی حال ولايته لا غیر

۲۸. مراد از علم قاضی در بحث حق مدعی چه می باشد؟

(۱) المراد بعلمه هنا العلم العام و هو الاطلاع الجازم

- (۲) المراد بعلمه هنا العلم الخاص و هو وجود خطئه إن أمن التزوير
 (۳) المراد بعلمه هنا العلم العام و هو وجود خطئه إن أمن التزوير
 (۴) المراد بعلمه هنا العلم الخاص و هو الاطلاع الجازم لوجود خطئه و إن أمن التزوير

۲۹. در عبارت: «لا يتبرع الحاكم بإحلافه» و «لا يستقل به الغريم من دون إذن الحاكم» مراد از ضمیر (ه) در إحلافه و مراد از لفظ «غريم» به ترتیب چه کسانی می باشند؟
 (۱) مدعی، مدعی (۲) منکر، منکر (۳) مدعی، منکر (۴) منکر، مدعی

۳۰. فإن حلف المنكر عین الخطأ؟

- (۱) سقطت دعوى عنه (۲) حرّم مقاضته
 (۳) تُسمع البينة من المدعي بعده (۴) لا يحرم مقاضته إن يكذب المنكر نفسه بعد ذلك

۳۱. در کدام یک از گزینه های زیر با عدم قسم خوردن منکر، قسم متوجه مدعی می شود؟
 (۱) المدعی ولیاً (۲) المدعی وصیاً للمیت (۳) الدعوى قطعیة (۴) المدعی ولیاً و وصیاً

۳۲. حکم عبارت «فان امتنع المدعی من الحلف حيث يتوجه عليه» کدامیک از گزینه های زیر می باشد؟

- (۱) سقطت دعواه فی هذا المجلس خاصة لا فی غیره
 (۲) لو استهمل امهل بخلاف المدعی
 (۳) سقطت دعواه فی هذا المجلس و فی غیره
 (۴) لا يسقط دعواه مطلقاً

اقامه بينه توسط مدعی

۳۳. در باب بینه از طرف مدعی کدامیک از گزینه های زیر صحیح نمی باشد؟

- (۱) لا يتخير بين احلافه و اقامة البينة ان كانت حاضرة
 (۲) ليس له طلب احلافه ثم اقامة البينة

(۳) ان قال المدعى مع انكار غريمه: «لى بينة» عرفه الحاكم ان له احضارها

(۴) فان ذكر غيبتها خيره بين احلاف الغريم و الصبر

حكم الزام مدعى عليه به اقامه كفيل

۳۴. در عبارت: «ليس له إلامه بكفيل للغريم ولا ملازمته» مراد از ضمائر (ه) در «له و إلام» به ترتیب چه می باشد و هم چنین مراد از «غريم» چه می باشد؟

(۲) مدعى؛ مدعى؛ مدعى

(۱) مدعى؛ مدعى عليه؛ مدعى

(۴) مدعى عليه؛ مدعى؛ مدعى

(۳) مدعى عليه؛ مدعى؛ مدعى عليه

احكام اقامه بينه توسط مدعى

۳۵. إن أحضر المدعى البينة عَيْن الخطأ؟

(۱) عرف الحاكم العدالة حكم بشهادتها

(۲) عرف الفسق ترك و يطلب التزكية

(۳) جهل حالها استزكى

(۴) ارتاب الحاكم فرقهم و سألهم عن القضية

محرمات بر قاضى

۳۶. در عبارت های زیر، به ترتیب مراد از «يتعتع، يعتت، يتعقبه» چه می باشد؟

«يحرم على القاضي أن يتعتع الشاهد؛ يكره على القاضي أن يعتت الشهود؛ يتعقبه بكلام»

(۱) بی میل کردن؛ سختی انداختن؛ کلامی را افزودن

(۲) مردد کردن؛ سختی انداختن؛ کلامی را افزودن

(۳) سختی انداختن؛ مردد کردن؛ بی میل کردن

(۴) بی میل کردن؛ سختی انداختن؛ تشویق کردن

حکم جلوگیری از اقرار شخص بدهکار

۳۷. لا یقف عزم الغریم عن الإقرار إلا أولاً مراد از «غریم» چه می باشد و ثانیاً جای خالی با کدام عبارت کامل می شود؟

- | | |
|---------------------------|--------------------------|
| (۱) بدهکار؛ فی حقوق الناس | (۲) بدهکار؛ فی حقه تعالی |
| (۳) طلبکار؛ فی حقوق الناس | (۴) طلبکار؛ فی حقه تعالی |

سومین جواب مدعی علیه «سکوت»

۳۸. اما السکوت..... (عین الصحیح)؟

- (۱) فان كان لآفة او عنادا حبس حتى يجيب
- (۲) فان كان لآفة توصل الحاكم الى معرفة الجواب و لو بمترجم عادل
- (۳) فان كان عنادا حبس حتى يجيب او يحكم عليه بالنكول بعد عرض الجواب عليه
- (۴) فان كان لآفة حبس لا عنادا

طریق منعقد شدن قسم

۳۹. لا تنعقد اليمين الموجبة للحق من المدعى أو المسقطه للدعوى

- (۱) إلا بالله تعالی ولو بالكتب المنزلة والأنبياء مسلماً كان الحالف أو كافراً
- (۲) إلا بالله تعالی و أسمائه الخاصة مطلقاً
- (۳) إلا بالله تعالی ولو بالكتب المنزلة والأنبياء إن كان الحالف مسلماً خاصة
- (۳) إلا بالله تعالی ولو بالكتب المنزلة والأنبياء إن كان الحالف كافراً خاصة

جایگاه های تغلیظ قسم

۴۰. کدام یک از گزینه های زیر، استحبابی در این که قسم را غلیظ کند، وجود ندارد؟

نهایت کفایت قسم

۴۱. کدامیک از گزینه‌های زیر مصداق عبارت: «یکفی الحلف علی نفی الاستحقاق و اجاب فی انکاره بالاخص» می‌باشد؟

(۱) مدعی لفظ خاص به کاربرده است؛ منکر لفظ خاص به کار برده است و به صورت خاص هم قسم خورده است

(۲) مدعی لفظ عام به کاربرده است؛ منکر لفظ خاص به کار برده است و به صورت خاص هم قسم خورده است

(۳) مدعی لفظ خاص به کار برده است؛ منکر لفظ خاص به کاربرده است و به صورت عام هم قسم خورده است

(۴) مدعی و منکر هر دو لفظ عام به کاربرده اند و منکر به صورت عام قسم خورده است.

جایگاه های قطعی قسم خوردن

۴۲. قسم خورنده در چه موردی بر نفی علم باید قسم بخورد؟

(۱) فعل نفسه (۲) ترک فعله (۳) فعل غیره (۴) نفی فعل غیره

۴۳. در مورد «لو ادعی علی مورثه مالا» سوگندخورنده به چه شکلی باید قسم بخورد؟

(۱) ترک فعله (۲) فعل غیره (۳) نفی فعل غیره (۴) فعل نفسه

تعداد شهود

۴۴. کدامیک از موارد زیر با یک شاهد و قسم اثبات نمی‌شود؟

(۱) دین (۲) غصب

(۳) کسر العظام و إن کان عمداً (۴) خلع

۴۵. لایثبت بالشاهد و الیمین.....«عین الخطا»؟

- (۱) الخلع (۲) النسب (۳) الوصیة الیه (۴) المامومة

۴۶. قول مشهور در مورد «نکاح» کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) یثبت بالشاهد و الیمین مطلقا
(۲) لایثبت بالشاهد و الیمین مطلقا
(۳) یثبت بالشاهد و الیمین من المرأة دون الرجل
(۴) یثبت بالشاهد و الیمین من الرجل دون المرأة

حکم شاهد و قسم

۴۷. در مورد بحث «الشاهد و الیمین» کدامیک از گزینه‌های زیر غلط است؟

- (۱) لو كان المدعون جماعة و اقاموا شاهدا واحدا فعلى كل واحد یمین
(۲) یشرط شهادة الشاهد اولا و تعديله و الحلف بعدهما
(۳) لو رجع الشاهد غرم الجميع
(۴) لایثبت عیوب النساء و عیوب الرجال

حکم رجوع شهود و مدعی

۴۸. اگر شاهد و مدعی هر کدام از شهادت و ادعای خود رجوع کنند؛ ضامن چه مقدار می‌باشند؟

- (۱) غرم النصف؛ غرم الجميع
(۲) غرم الجميع؛ غرم النصف
(۳) غرم النصف؛ غرم النصف
(۴) غرم الجميع؛ غرم النصف

حکم قضاوت بر شخص غائب

۴۹. عین الصحیح؟

- (۱) يقضى على الغائب عن مجلس قضاء سواء بعد أم قرب و محله حقوق الله تعالى
- (۲) يقضى على الغائب عن مجلس القضاء سواء بعد أم قرب و محله حقوق الناس
- (۳) لا يقضى على الغائب عن مجلس القضاء سواء بعد أم قرب
- (۴) يقضى على الغائب عن مجلس القضاء لو بعد لا قرب و محله حقوق الناس

موارد لزوم قسم همراه بينه

۵۰. ولا تجب اليمين مع البينة على بقاء الحق

- (۱) إن كانت الدعوى لنفسه (۲) على الميت (۳) على الموكل (۴) على الطفل

حكم قسم همراه با بينه

۵۱. در مورد «ضم اليمين الى البينة» کدامیک از گزینه‌های زیر غلط است؟

- (۱) لو كانت الدعوى لموكله لا تجب اليمين مع البينة
- (۲) تجب اليمين مع البينة فى الشهادة على الميت و الطفل او المجنون
- (۳) تجب اليمين مع البينة ان كان الدعوى العين لا الدين
- (۴) تجب اليمين مع البينة على بقاء الحق ان كانت الدعوى لنفسه

حالات تعارض در اموال

۵۲. «لو تداعيا ما فى ايديهما فادعى كل منهما المجموع.....» «عين الخطأ»؟

- (۱) لا بينة حلفا كل منهما على نفى استحقاق الآخر واقتسماه بالسوية
- (۲) لو حلف احدهما و نكل الآخر فهو للحالف
- (۳) ان كانت يمينه بعد نكول صاحبه حلف يميناً واحدة تجمع النفى و الاثبات
- (۴) ان اقاما بينة يقضى لكل منهما نصف المال

۵۳. «لو تشبّثا و ادعى أحدهما الجميع والآخر النصف ولا بينة.....» «عين الخطأ»؟

- (۱) مشاعاً و لا بینة اقتسماها نصفین بعد یمین مدعی النصف
- (۲) لو كان النصف المتنازع معینا اقتسماه بالسوية بعد یمین مدعی النصف
- (۳) لو اقاما بینة فهي للخارج علی القول بترجیح بینته و هو مدعی الكل
- (۴) لو كان النصف المتنازع معینا فیثبت لمدعية النصف، الربع

۵۴. لو تشبثا و ادعی أحدهما الجميع والآخر النصف مشاعاً ولا بینة

- (۱) اقتسماها نصفین بعد التحالف
- (۲) اقتسماها نصفین بعد یمین مدعی النصف
- (۳) اقتسماه بالسوية بعد التحالف فیثبت لمدعی النصف الربع والباقي للمدعی الكل
- (۴) القرعه

۵۵. در کدام یک از تعارض های زیر بحث «اعدل و اکثر و قرعه» رخ می دهد؟

- (۱) لو تثبت أحدهما
- (۲) لو تداعيا ما فی أيديهما ولا بیته
- (۳) لو خر جا و إن أقاما بیته
- (۴) لو تشبثا و ادعی أحدهما الجميع و الآخر النصف

مجموعه تست های تألیفی طبقه بندی شده متون فقه مرکز وکلا

احکام تقسیم

۵۶. در باب تقسیم، کدام یک از گزینه های زیر غلط می باشد؟

- (۱) لیست بیعاً و إن كان فیها ردّ
- (۲) لا تفتقر إلى صیغة
- (۳) ولا یدخلها الإجماع ولا یلزمها
- (۴) یتقدّر أحد النصیبین بقدر الآخر

۵۷. فایده بیع نبودن تقسیم، کدام یک از گزینه های زیر نمی باشد؟

- (۱) عدم ثبوت الشفعة للشریک بها
- (۲) عدم خيار المجلس
- (۳) تفتقر إلى صیغة
- (۴) عدم بطلانها بالتفرق قبل القبض

شرائط الزام شريك بر تقسيم

٥٨. با کدامیک از شرایط ذیل می توان شریک را مجبور به تقسیم مال مشترک کرد؟

- (١) لو التمس شريكه القسمة و لو ضرر و لو رد
- (٢) لو التمس شريكه القسمة و لارد و لو ضرر
- (٣) لو التمس شريكه القسمة و لارد و لا ضرر
- (٤) لو التمس الحاكم القسمة و لارد و لا ضرر

٥٩. لو ظهر في المقسوم استحقاق بعض المعين

- (١) بالسوية أو لم بالسوية فلانقض
- (٢) بالسوية أو لم بالسوية نُقضت
- (٣) بالسوية فلانقض و لم بالسوية نُقضت
- (٤) لم بالسوية فلانقض و بالسوية نُقضت

تعريف مهياة

٦٠. المهياة و هي

- (١) قسمة المنفعة بالأجزاء أو بالزمان جاز و يجب إجابته سواء كان مما يصح قسمته إجباراً أم لا.
- (٢) قسمة المنفعة بالأجزاء أو بالزمان جاز و لم يجب إجابته سواء كان مما يصح قسمته إجباراً أم لا.
- (٣) قسمته المنفعة بالأجزاء أو بالمكان لايجوز ولم يجب إجابته سواء كان مما يصح قسمته إجباراً أم لا
- (٤) قسمة المنفعة بالأجزاء أو بالمكان لايجوز و يجب إجابته لو كان مما يصح قسمته إجباراً.

الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دلالة على قدرته وقوته
وأنه لا اله الا هو
العليم الخبير

والله اعلم بالصواب
فمن اراد ان يعرف الله
فليعلم ان الله لا يشبه
شيء من خلقه ولا يشبه
شيء من افعاله

والله اعلم بالصواب
فمن اراد ان يعرف الله
فليعلم ان الله لا يشبه
شيء من خلقه ولا يشبه
شيء من افعاله

والله اعلم بالصواب
فمن اراد ان يعرف الله
فليعلم ان الله لا يشبه
شيء من خلقه ولا يشبه
شيء من افعاله

والله اعلم بالصواب
فمن اراد ان يعرف الله
فليعلم ان الله لا يشبه
شيء من خلقه ولا يشبه
شيء من افعاله

سؤالات تأليفي

باب المتاجر



اقسام موضوع تجارت

۶۱. ینقسم موضوع التجارة

(۱) إلى محرم و مکروه و مستحب

(۲) إلى محرم و مکروه و مباح

(۳) إلى محرم و مکروه و واجب

(۴) إلى محرم و مکروه و واجب و مستحب و مباح

اقسام خود تجارت

۶۲. کدامیک از گزینه‌های زیر فقط از عوارض خود تجارت است؟

(۱) مکروه، مباح (۲) مستحب، مباح (۳) مستحب، واجب (۴) محرم، واجب

شرح اقسام موضوع تجارت

۶۳. عبارت ذیل را کدامیک از گزینه‌های زیر تکمیل می کند؟

«ان المكتسب به اما ان يتعلق به نهی او لا، والثانی..... و الاول اما ان يكون النهی عنه مانعا من النقیض او لا، و الاول.....، و الثانی.....»

(۲) مکروه، واجب، حرام

(۱) مستحب، مکروه، مباح

(۴) مباح، حرام، مکروه

(۳) مکروه، مباح، حرام

حکم اعیان نجسه و فقاع

۶۴. ضابطه در اعیان نجسه و فقاع به ترتیب چه می باشد؟

- (۱) المسکر؛ المسکر خاصّة
- (۲) المسکر و إن لم یکن مائعاً؛ إن لم یکن مسکراً
- (۳) إن لم یکن مسکراً، المسکر
- (۴) إن لم یکن مسکراً؛ إن لم یکن مسکراً

حکم مایع نجس غیر قابل طهارت

۶۵. المائع النجس غیر القابل للطهارة إلا الدهن، مراد از «دهن» مطابق نظر شهید اول و ثانی چه می باشد؟

- (۱) الدهن النجس بالعرض و تحت السماء؛ الدهن النجس بالعرض و تحت السماء و تحت الظلال.
- (۲) الدهن النجس بالذات و تحت السماء؛ الدهن النجس بالذات و تحت السماء و تحت الظلال
- (۳) الدهن النجس بالعرض و تحت الظلال؛ الدهن النجس بالعرض و تحت السماء
- (۴) الدهن النجس بالذات و تحت الظلال؛ الدهن النجس بالذات و تحت السماء

شناخت محرمات

۶۶. کدام یک از گزینه های زیر از محرمات نمی باشند؟

- (۱) الدم و إن فرض له نفع
- (۲) أرواث و أبوال غیر المأكول و إن فرض لهما نفع
- (۳) الخنزیر والکلب البریان
- (۴) بیع السلاح لأعداء الدین مطلقاً.

حکم فروش سلاح به دشمنان

۶۷. در باب فروش سلاح به دشمنان دین گزینه صحیح کدام است؟

- (۱) بیع السلاح لأعداء الدین یُحرّم لو کان کفّاراً خاصّة
- (۲) بیع السلاح لأعداء الدین یُحرّم لو کانوا مسلمین أو کفّاراً مطلقاً

- (۳) بيع السلاح لأعداء الدين يُحرم لو كانوا مسلمين أو كفاراً في حال الحرب أو التهيؤ له.
(۴) بيع السلاح لأعداء الدين يُحرم لو كان مسلماً خاصّة

فعل حرام

۶۸. کدامیک از گزیننه‌های زیر فعل حرام محسوب نمی‌شود؟

- (۱) اجارة المساكن و الحمولة للمحرم
(۲) بيع العنب و الخشب لمن يعمله من غير ان يبيعه لذلك و ان يعلم انه يعمله
(۳) بيع العنب و الخشب لمن يعمله ان لم يعلم انه يعمله
(۴) عمل الصور المجسمة ذوات الارواح

ساخت مجسمه

۶۹. حکم «عمل الصور المجسمة ذوات الارواح» بنا بر اقوی چه می‌باشد؟

- (۱) مکروه مطلقاً
(۲) یحرم مطلقاً
(۳) ان الصور المنقوشة على نحو الوسادة يحرم والمجسمة يكره
(۴) برعکس گزیننه «۳»

حکم غناء

۷۰. در باب «غنا» کدامیک از گزیننه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) سمی فی العرف غناء ان يطرب
(۲) سمی فی العرف غناء ان كان فی شعر لا غیر
(۳) سمی فی العرف غناء ان كان فی قرآن لا غیر
(۴) سمی فی العرف غناء سواء كان فی شعر ام قرآن ام غیرهما

استثناء بر غناء

۷۱. آوازخوانی زن در عروسی در چه صورتی حرام نمی‌باشد؟

- (۱) مطلقاً آواز خوانی زن در عروسی حرام می‌باشد.
 (۲) سخنان باطل نگوید؛ مرد اجنبی صدای او را نشنود؛ آلات لهو هر چند دایره‌ای که حلقه ندارد به کار نبرد
 (۳) سخنان باطل نگوید؛ مرد اجنبی صدای او را نشنود؛ دایره‌ای که حلقه ندارد به کار نبرد.
 (۴) مطلقاً آواز خوانی زن در عروسی حرام نمی‌باشد.

تعریف اصطلاح

۷۲. عبارت «بان تصف المیت بما ليس فيه» بیانگر کدامیک از اصطلاحات ذیل است؟

- (۱) النوح بالباطل (۲) هجاء المومنین (۳) الكهانة (۴) القيافة

۷۳. «هو ذكر معايبهم بالشعر» تعریف کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

- (۱) النوح بالباطل (۲) هجاء المومنین (۳) الكهانة (۴) القيافة

استثنائات بر غیبت

۷۴. کدامیک از گزینه‌های زیر غیبت محسوب می‌شود؟

- (۱) جرح الشاهد (۲) التظلم و سماعه
 (۳) الشهادة على فاعل المحرم حسبة (۴) مشية الاعرج

حکم حفظ کتب گمراه کننده

۷۵. حکم «حفظ کتب الضلال و نسخها و درسها» کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

- (۱) یحرم و يجب اتلافها مطلقا
 (۲) يجب اتلافها ان لم يمكن افراد مواضع الضلال
 (۳) يجب اتلافها الا التقية خاصة
 (۴) لا یحرم و مکروه

حکم یادگیری سحر

۷۶. حکم «تعلم السحر» کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

(۱) یحرم مطلقا

(۲) یکره مطلقا

(۳) یحرم الا بتعلمه لیتوقی به او یدفع سحر المتنبی به

(۴) یحرم و کان مجرد التخیل لا امر وجدانی

بیان اصطلاح

۷۷. عبارت «هی عمل یوجب طاعة بعض الجان له فیما یامر به» در بیان کدامیک از اصطلاحات زیر است؟

(۱) الغیبة

(۲) هجاء المومنین

(۳) الشعبة

(۴) الکهانة

۷۸. «هو قریب من السحر أو أخص منه» اشاره به کدامیک از گزینه‌های زیر دارد؟

(۱) القیافة

(۲) الشعبة

(۳) الکهانة

(۴) الغیبة

۷۹. کدامیک از گزینه‌های زیر در بیان «القیافة» می‌باشد؟

(۱) هی عمل یوجب طاعة بعض الجان له فیما یامر به

(۲) الافعال العجیبة المترتبة على سرعة اليد بالحركة

(۳) هو كلام او كتابة يحدث بسببه ضرر على من عمل له فی بدنه او عقله

(۴) هی الاستناد الى علامات و امارات یترتب علیها الحاق نسب و نحوه

احکام قمار

۸۰. کدامیک از گزینه‌های زیر حکم مال به دست آمده توسط قمار نمی‌باشد؟

(۱) لا یملک ما یترتب علیه من الکسب

(۲) لو قبضه غیر مکلف فیجب رده علی مالک

(۳) ان جهل مالک تصدق به عنه

(۴) لو انحصر فی غیر محصورین وجب التخلص منهم و لو بالصلح

تکسب غیر حرام

۸۱. کدامیک از گزینه‌های زیر «لم یحرم التکسب به» است؟

(۱) تزین کل من الرجل و المرأة بما یحرم علیه

(۲) الغش الخفی

(۳) تدلیس الماشطة

(۴) تغسیلهم زیادة علی الواجب و تنظیفهم و وضوئهم

حکم اجرت گرفتن قاضی

۸۲. الاجرة علی القضاء بین الناس.....

(۲) یحرم سواء تعین علیه القضاء ام لا

(۱) یحرم ان لم یحتاج الیه

(۴) یحرم ان یتعین علیه القضاء

(۳) یکره مطلقا

حکم احتکار طعام

۸۳. حکم احتکار طعام بنا بر اقوی کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

(۲) تحریمه مع استغنائه عنه و حاجة الناس الیه

(۱) تحریمه بتوقع زیادة السعر

(۴) تحریمه مطلقا

(۳) مکروه مع استغنائه عنه و حاجة الناس الیه

تجارت‌های مکروه

۸۴. کدامیک از گزینه‌های زیر از تجارت‌های مکروه نمی‌باشد؟

- (۱) بیع الأكفان والصرف
(۲) احتکار الطعام و الذباجة
(۳) النساجة و کسب الصبیان المجهول أصله
(۴) الحجامه مع عدم شرط الأجرة

اقسام خود تجارت

۸۵. عبارت: «مُطْلَق التَّجَارَةِ الَّتِي يَتِمُّ بِهَا نِظَامُ النَّوعِ الْإِنْسَانِي» در بیان کدام یک از اقسام تجارت می باشد؟

- (۱) محرمات (۲) مستحبات (۳) مکروهات (۴) واجبات

تعریف بیع

۸۶. با توجه به تعریف بیع: «الایجاب والقبول الدالان على نقل الملك بعوض معلوم» با قید «نقل الملك» کدام یک از گزینه های زیر با این عبارت از تعریف خارج نمی شود؟

- (۱) ودیعه (۲) مضاربه (۳) وکالت (۴) الوصیه بالمال

احکام معاطات

۸۷. در باب معاطات، کدام یک از گزینه های زیر، غلط می باشد؟

- (۱) لا یکفی المعاطات عن البیع نعم یرباح التصرف
(۲) لا یجوز الرجوع فیها مع بقاء العین
(۳) النماء هو للقبض لو المعاطاة العقد المتزلزل
(۴) النماء هو للقبض و عدمه لو المعاطاة الإباحة

ایجاب و قبول در بیع

۸۸. در مورد عقد بیع کدام یک از گزینه های زیر صحیح می باشد؟

- (۱) یشرط وقوع الإیجاب والقبول بلفظ الماضي ولا یشرط تقدیم الإیجاب على القبول

- (۲) لا يشترط وقوع الإيجاب والقبول بلفظ الماضي ولا يشترط تقديم الإيجاب على القبول
 (۳) يشترط وقوع الإيجاب والقبول بلفظ الماضي و يشترط تقديم الإيجاب على القبول
 (۴) لا يشترط وقوع الإيجاب والقبول بلفظ الماضي و يشترط تقديم الإيجاب على القبول

شرایط طرفین عقد

۸۹. مراد از کمال در طرفین عقد چه می باشد؟

- (۱) بلوغ و عقل و عدالت
 (۲) بلوغ و عقل
 (۳) بلوغ و عقل و رشد
 (۴) بلوغ و رشد

حکم عقد شخص مکروه

۹۰. عقد شخص مکروه چه حکمی دارد؟

- (۱) باطل است.
 (۲) غیر نافذ است و منوط به اجازه بعدی اوست.
 (۳) چون مدلول که قصد باشد، وجود ندارد لذا معامله باطل است.
 (۴) رضایت بعدی او همچون صبی هیچ تاثیری در صحت عقد ندارد و عقد باطل است

شرط قصد

۹۱. معامله «غافل و نائم» به دلیل عدم کدامیک از شروط زیر، باطل است؟

- (۱) بلوغ
 (۲) عقل
 (۳) اختیار
 (۴) قصد

۹۲. عبارت «ان لحقته الاجازة» در کدامیک از افراد زیر می تواند سبب صحت عقد شود؟

- (۱) شخص غافل
 (۲) شخص نائم
 (۳) شخص هازل
 (۴) شخص مکروه

فعل مکره

۹۳. در عبارت: «فان الظاهر من معناه حمل المکره للمکره على الفعل خوفاً.....» اعراب حرف «را» در «المکره» و «للمکره» به ترتیب کدامیک از گزینه‌های زیر است؟
 (۱) فتحه، کسره (۲) کسره، فتحه (۳) فتحه، فتحه (۴) کسره، کسره

اکراه به حق

۹۴. حکم کدامیک از بیع‌های زیر به اشتباه بیان شده است؟

- (۱) «جبره الحاكم على بيع ماله لوفاء دينه»؛ یصح
- (۲) «بيع الحيوان اذا امتنع مالكة من القيام بحق نفقته»؛ یصح
- (۳) «الطعام عند المخمصة يشترى خائف التلف»؛ غیر نافذ
- (۴) «المحتكر مع عدم وجود غيره و احتياج الناس اليه»؛ یصح

بیع فضولی

۹۵. در عبارت شهید آمده است که «يشترط في اللزوم الملك لكل من البائع و المشتري لما ينقله من العوض او اجازة المالك؛ فبدونه يقع العقد.....» اولاً مراد از لفظ «اجازه» چه می‌باشد؟ و ثانیاً عبارت را کدام گزینه تکمیل می‌کند؟

- (۱) اجازه بعدی مالک؛ باطلا من اصل
- (۲) اجازه بعدی مالک؛ موقوفاً علی اجازه مالک
- (۳) اجازه قبلی مالک؛ باطلا من اصل
- (۴) اجازه قبلی مالک؛ موقوفاً علی اجازه مالک

کاشفه و ناقله بودن اجازه بعدی مالک

۹۶. الاجازة اللاحقة من المالك فَالنَّماء المنفصل من المبيع و من الثمن

بنابر نظر شهید اول، کدام یک از گزینه‌ها جای خالی را پر می‌کند؟

- (۱) کاشفه؛ مشتری؛ بایع
(۲) کاشفه؛ بایع؛ مشتری
(۳) کاشفه؛ مشتری؛ مشتری
(۴) ناقله؛ مشتری؛ بایع

حالات ترتب عقود در فضولی

۹۷. إِنْ تَرْتَبَتِ الْعُقُودُ عَلَى الثَّمَنِ أَوْ الْمُثْمَنِ وَإِنْ أُجَازَ أَحَدُهُمَا، إِنْ كَانَ الْمُثْمَنُ وَ الثَّمَنُ..... وَ إِنْ كَانَ الثَّمَنُ الْأَوَّلَ مَرَارًا.....

- (۱) صَحَّ و ما بعده من العقود؛ صح و ما بعده؛ صَحَّ و ما قبله من العقود
(۲) صَحَّ و ما قبله من العقود؛ صح و ما قبله؛ صَحَّ و ما بعده من العقود
(۳) صَحَّ و ما بعده من العقود؛ صح و ما قبله؛ صَحَّ و ما بعده من العقود
(۴) صَحَّ و ما قبله من العقود؛ صح و ما قبله؛ صَحَّ و ما قبله من العقود

۹۸. حکم دو مثال: ۱- «لو باع الثوب بكتاب، ثم باع الكتاب بسيف، ثم باع السيف بفرس، فاجازة بيع السيف بالفرس»؛ ۲- «لو باع مال المالك بثوب، ثم باع الثوب بمائة، ثم باعه المشتري بمائتين، ثم باعه مشتریه بثلاثمائة فاجاز المالك العقد الاخير» به ترتیب کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) صح و مابعد، صح و ما قبله
(۲) صح و ما قبله، صح و مابعد
(۳) صح و ما قبله، صح و ما قبله
(۴) صح و مابعد، صح و مابعد

حکم سکوت مالک در عقد فضولی

۹۹. حکم «سکوت» مالک نسبت به عقد فضولی کدام گزینه می‌باشد؟

- (۱) یکفیی فی الاجازة السکوت عند العقد مع علمه به
(۲) لا یکفیی فی الاجازة السکوت عند العقد مع جهله به خاصة
(۳) لا یکفیی فی الاجازة السکوت عند العقد مع علمه به
(۴) یکفیی فی الاجازة السکوت عند العقد مطلقا

احکام بیع فضولی

۱۰۰. در باب عدم اجازه مالک در بیع فضولی، کدام گزینه غلط است؟

- (۱) لَوْ تَصَرَّفَ الْمُشْتَرَى فِيهِ بِمَا لَهُ أَجْرَةٌ رَجَعَ بِهَا عَلَيْهِ
- (۲) لَوْ نَمَاءَ كَانَ النَّمَاءُ لِمَالِكِهِ مُتَّصِلًا لَمْ مُنْفَصِلًا
- (۳) لَوْ تَلَفَ الْمُبِيعُ وَالْمُعْتَبَرُ قِيَمَتَهُ يَوْمَ التَّلَفِ فِي الْقِيَمِيِّ إِنْ كَانَ التَّفَاوُتُ بِسَبَبِ السُّوقِ
- (۴) لَوْ تَلَفَ الْمُبِيعُ وَالْمُعْتَبَرُ قِيَمَتَهُ يَوْمَ الْأَعْلَى فِي الْقِيَمِيِّ إِنْ كَانَ التَّفَاوُتُ بِسَبَبِ زِيَادَةِ عَيْنِيَّةٍ

۱۰۱. در باب رجوع مشتری به بایع فضولی، قول شهید اول، کدام گزینه است؟

- (۱) لا يرجع المشتري على البائع بالثمن إن كان باقياً أو تلفاً
- (۲) لا يرجع المشتري على البائع بالثمن إن كان باقياً، لَوْ عَالِماً
- (۳) يرجع المشتري على البائع بالثمن إن كان باقياً، عالماً كان أو جاهلاً
- (۴) يرجع المشتري على البائع بالثمن إن كان باقياً أو تلفاً، عالماً كان أو جاهلاً

۱۰۲. قول اکثر فقها و ظاهر کلام فقها در باب حق رجوع مشتری به بایع فضولی به ترتیب کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

- (۱) يرجع المشتري على البائع بالثمن ان كان باقيا، عالما كان او جاهلا؛ عدم الرجوع به مطلقا
- (۲) لا رجوع به مع العلم بكونه غير مالك و لا وكيل؛ عدم الرجوع به مطلقا
- (۳) لا رجوع به مع العلم بكونه غير مالك و لا وكيل؛ لا رجوع به مع العلم بكونه غير مالك و لا وكيل
- (۴) عدم الرجوع به مطلقا؛ لا رجوع به مع العلم بكونه غير مالك و لا وكيل

۱۰۳. يرجع المشتري على البائع بالثمن ان كان باقيا، عالما كان او جاهلا بل ظاهر کلامهم عدم الرجوع مطلقا، با توجه به عبارت بالا مراد از لفظ «مطلقا» کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

- (۱) مالک اجازه بدهد یا اجازه ندهد
- (۲) ثمن باقی باشد یا تلف شده باشد
- (۳) مشتری عالم باشد یا جاهل باشد
- (۴) بایع عالم باشد یا جاهل باشد

احکام غرامات و نفقه هایی که مشتری نسبت به مبیع داده است

۱۰۴. در باب غراماتی که مشتری متحمل شده است، کدامیک از گزینه های زیر مطابق نظر شهیدین نمی باشد؟

- (۱) يرجع المشتري على البائع بما اغترم للمالك ان كان جاهلا
- (۲) يرجع المشتري على البائع بما انفق عليه ان كان جاهلا
- (۳) لا يرجع بالقيمة مطلقا
- (۴) ما قابل الثمن من القيمة فلا يرجع به لرجوع عوضه اليه

لا يجمع بين العوض والمعوض

۱۰۵. با توجه به عبارت شهید ثانی که بیان می دارند: «لا يجمع بين العوض و المعوض» اگر مشتری مبیع را از بایع فضولی به قیمت ۱۰۰ هزار تومان خریده باشد و بعد در دست او تلف شده باشد و مالک قیمت واقعی مبیع که ۱۵۰ هزار تومان است را از مشتری بگیرد، در این فرض مراد از «عوض و معوض» به ترتیب کدام گزینه می باشد؟

- (۱) عوض: ۱۰۰ هزار تومان؛ معوض: ۵۰ هزار تومان
- (۲) عوض: ۵۰ هزار تومان؛ معوض: ۱۰۰ هزار تومان
- (۳) عوض: ۱۵۰ هزار تومان؛ معوض: ۵۰ هزار تومان
- (۴) عوض: مبیع؛ معوض: ۱۰۰ هزار تومان

۱۰۶. فرض کنید که مشتری مبیع را از بایع فضولی به قیمت ۱۰۰ هزار تومان خریده است و در مقابل مبیع در دست او تلف شده است و مالک قیمت واقعی مبیع که ۱۵۰ هزار تومان است را از مشتری گرفته است؛ حال شهید ثانی بیان میکنند که: «ما قابل الثمن من القيمة فلا يرجع به» و قیلی بیان میدارد که «لا يرجع بالقيمة مطلقا» با توجه به مثال بیان شده نظر شهید ثانی و قیل به ترتیب کدامیک از گزینه های زیر است؟

- (۱) ۱۰۰ هزار تومان؛ ۵۰ هزار تومان
- (۲) ۱۵۰ هزار تومان؛ ۱۰۰ هزار تومان
- (۳) ۱۰۰ هزار تومان؛ ۱۵۰ هزار تومان
- (۴) ۱۰۰ هزار تومان؛ ۵۰ هزار تومان

ترجمه صحیح عبارت

۱۰۷. عبارت: «و هو بعید مع توقع الاجازة لانه حينئذ لم یبحه له مطلقا» به چه معناست؟

- (۱) بعید است که اجازه محقق شود چون اباحه ای برای او به هیچ وجه نمی باشد.
- (۲) بعید است که اجازه محقق شود چون خواه او عالم باشد یا جاهل به معنای اباحه نمی باشد.
- (۳) اگر مشتری با توقع اجازه مالک، مبیع را خریده باشد، یعنی نمی خواسته است مطلقا ثمن را برای بایع فضولی مباح کند
- (۴) این خیلی بعید است اگر اجازه ای باشد، چون این به معنای مطلقا مباح بودن نمی باشد.

بیع مال خود با مال دیگری

۱۰۸. با توجه به عبارت: «لوباع غیر المملوک مع ملکه ولم یجز المالك صحَّ البيع فی ملکه و

إن ردَّ تخیر المشتري مع جهله» مراد کدام یک از خيارات می باشد؟

- (۱) تبعض الصفقة أو الشركة
- (۲) تبعض الصفقة خاصّة
- (۳) تعذر التسليم
- (۴) التدليس

طریق محاسبه مال خود و دیگری بر فرض اجازه مشتری

۱۰۹. در بیع مال خود با مال دیگری، بر فرض که قیمت فروش بائع به مشتری ۱۶ هزار تومان باشد، و قیمت مجموع دو مال ۲۰ هزار تومان باشد و قیمت یکی از دو مال ۱۰ هزار تومان باشد، مشتری چه مقدار ثمن باید در ازای مال بایع به او بدهد؟

- (۱) ۱۶ هزار تومان (۲) ۲۰ هزار تومان (۳) ۸ هزار تومان (۴) ۴ هزار تومان

حکم بیع ما یملک و ما لا یملک

۱۱۰. لو باع ما یملک و ما لا یملک..... (عین الصحیح)؟

- (۱) صح فی المجموع

(۲) بطل فی المجموع

(۳) یصح فی المملوک سواء مع علم المشتري بالحال او جهل

(۴) یصح فی المملوک هذا مع جهل المشتري بالحال و مع علمه بفساد البیع فیشکل صحته

اولیاء عقد

۱۱۱. قائمین عقد چه کسانی می باشند؟

- (۱) اب، جد (۲) اب، جد، وصی، وکیل، حاکم شرعی، امین حاکم
(۳) وصی، وکیل (۴) اب، جد، وصی

احکام تقاض

۱۱۲. در باب احکام تقاض گزینه غلط کدام است؟

- (۱) بحکم الحاكم المقاض
(۲) فله الاستقلال بأخذه من ماله قهراً من جنس حقه إن وجده
(۳) يشترط إذن الحاكم
(۴) لو تعذر الأخذ إلا بزيادة جاز

۱۱۳. در باب احکام تقاض کدامیک از گزینه های زیر صحیح است؟

- (۱) لا يعتبر فی الماخوذ كونه زائدا علی المستثنی فی قضاء الدين
(۲) لا يكفي فی التملك النية، سواء كان بالقيمة ام بالمثل
(۳) فی جواز مقاصة الغائب من غير مطالبته، اجودهما العدم الا مع طولها بحيث يودی الى الضرر
(۴) لا يتوقف التقاض فی الغائب الى الرجوع بالحاکم و لو امکن

متولی طرفین عقد

۱۱۴. بنابر نظر شهید اول و شهید ثانی چه کسانی نمی توانند «تولی طرفی العقد» شوند؟

(۱) الوکیل؛ المقاص

(۲) الوکیل والمقاص؛ همه می توانند.

(۳) همه می توانند؛ همه می توانند.

(۴) همه می توانند؛ الوکیل والمقاص

شرط مبيع

۱۱۵. بيع کدام یک از موارد زیر صحيح است؟

(۱) بيع الحشرات

(۲) بيع الحرّ

(۳) بيع المباحات قبل الحيازة و بعد الحيازة قبل نية التملك

(۴) بيع الأرض المفتوحة عنوة تبعاً لآثار المتصرف

۱۱۶. «فلو باع الحمام الطائر» به کدامیک از علت های زیر صحيح نمی باشد؟

(۱) كون المبيع مما يملك

(۲) ان يكون مقدورا على تسليمه

(۳) ان يكون طلقاً

(۴) بيع بحكم احد المتعاقدين

حكم بيع مال موقوفه

۱۱۷. حكم بيع وقف چه می باشد؟

(۱) لا يصح بيع الوقف مطلقاً

(۲) لا يصح بيع الوقف إلا أن يتلاشى بحيث لا يمكن الانتفاع به في الجهة المقصودة

(۳) يصح بيع الوقف العام

(۴) يصح بيع الوقف الخاص

۱۱۸. قول مشهور در باب وقف خاص کدام یک از گزینه های زیر می باشد؟

(۱) لا يصح بيع الوقف الخاص إلا أن يتلاشى بحيث لا يمكن الانتفاع به في جهة المقصودة

(۲) لا يصح بيع الوقف الخاص إلا وقع بين أربابه خلف شديد

(۳) لا يصح بيع الوقف الخاص إلا لو أدى بقاؤه إلى خرابه لخلف بين أربابه

(۴) يصح بيع الوقف الخاص

شرط ثمن در بیع

۱۱۹. در عبارت داریم که: «علم الثمن قدرا و جنسا و وصفا» با توجه به این متن کدامیک از گزینه‌های زیر صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) لا بثمان مجهول القدر و ان شوهد
(۲) لا بثمان مجهول الصفة
(۳) لا بثمان مجهول الجنس الا ان علم قدره
(۴) لا يصح البيع بحکم احد المتعاقدين او اجنبی

معنی عبارت

۱۲۰. عبارت: «لا يصح البيع بحکم احد المتعاقدين او اجنبی» به چه معناست؟

- (۱) بیعی که توسط طرفین یا شخص ثالث باشد، صحیح نمی‌باشد.
(۲) بیع و تعیین ثمن آن به حکم یکی از طرفین در حین عقد صحیح نمی‌باشد.
(۳) بیع و تعیین ثمن آن بعد از عقد به حکم یکی از طرفین یا شخص ثالث صحیح نمی‌باشد.
(۴) بیعی که شخص ثالث آن را اجازه بدهد، صحیح نمی‌باشد.

قبض مبیع در بیع فاسد

۱۲۱. علت عبارت: «ان قبض المشتري المبيع و الحال هذه كان مضمونا عليه» کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

- (۱) لاضرر و لاضرارا
(۲) كل عقد یضمن بصحیحه یضمن بفاسده و بالعكس
(۳) تلف مبیع قبل از قبض
(۴) التحجیر یفید الاولیة

مواردی که مشتری در بیع فاسد ضامن است

۱۲۲. بر فرضی که بیع به علت مجهول بودن ثمن باطل باشد، مشتری ضامن کدامیک از موارد زیر است؟

- (۱) منافع متصله و منفصله
(۲) منافع مستوفات
(۳) منافع متصله و مستوفات
(۴) منافع متصله و منفصله و مستوفات و غیر مستوفات

روز ضمان مشتری با فرض ثمن مجهول

۱۲۳. بنابر اقوی اگر مشتری مبیع را در حالی قبض کند که ثمن مجهول است و مبیع تلف شود، و اگر اختلاف قیمت به سبب بازار باشد، ضامن قیمت چه روزی می باشد؟

- (۱) يوم القبض
(۲) يوم التلف
(۳) اعلى القيم من يوم القبض إلى اليوم التلف
(۴) يوم العقد

واحد های اندازه گیری

۱۲۴. کدام یک از گزینه های زیر را می توان به عنوان کیل یا وزن و یا عدد قرار داد؟

- (۱) كقصة حاضرة و إن تراضیابه.
(۲) اعتماد على صخرة معينة و إن عرفا قدرها تخمیناً.
(۳) أن عولا على ملء اليد
(۴) هیچ کدام

مشاهده مبیع به جای ذکر وصف

۱۲۵. آیا مشاهده مبیع از ذکر اوصاف آن کفایت می کند؟

- (۱) لا يكفي المشاهدة عن الوصف ان غاب وقت الابتیاع
(۲) يكفي المشاهدة عن الوصف مطلقا
(۳) يكفي المشاهدة عن الوصف بشرط ان يكون مما لا يتغير عادة و لا تمضي مدة يتغير فيها عادة
(۴) لا يكفي المشاهدة عن الوصف مطلقا

چند اختلاف میان مشتری و بایع در تغییر و تقدم تغییر مبیع

۱۲۶. لو اختلفا في التغير المبيع..... (نظر شهید اول کدامیک از گزینه های زیر است؟)

- (۱) قدم قول البائع لتحقق الاطلاع المجوز للبيع
(۲) قدم قول البائع لاصالة عدم التغير

(۳) قدم قول المشتري مع يمينه ان كان هو المدعى للتغير و البائع ينكره

(۴) قدم قول المشتري لاصالة عدم التغير

۱۲۷. لو اتفقا على تغييره لكن اختلفا في تقدمه على البيع و تاخره.....

(۱) قدم قول البائع

(۲) قدم قول المشتري

(۳) بطل البيع

(۴) فان شهدت القرائن باحدهما حكم به و الا فالوجهان

آداب تجارت

۱۲۸. یکی از آداب تجارت: «التسوية بين المعاملين في الانصاف» است، لذا کدامیک از

گزینه‌های زیر در تکمیل این عبارت درست است؟

(۱) يفرق بين المماكس و غيره

(۲) يفرق بين الشريف و الحقير

(۳) يفرق بينهم بسبب فضيلة و دين لا باس

(۴) لا يفرق بين المماكس و غيره و يفرق بين الشريف و الحقير

۱۲۹. عبارت: «هل تشرع الاقالة في زمن الخيار؟ الاقرب نعم، و لا يكاد يتحقق الفائدة في

الاقالة الا اذا قلنا هي.....» با کدامیک از گزینه‌های زیر تکمیل می‌شود؟

(۱) خيار (۲) فسخ (۳) بيع (۴) ايقاع

۱۳۰. کدامیک از گزینه‌های زیر نسبت به آداب تجارت غلط است؟

(۱) ان يقبض ناقصا و يدفع راجحا نقصانا و رجحانا

(۲) ان لا يمدح احدهما سلعته و لا يذم سلعة صاحبه

(۳) ترك الربح على المومنين الا مع الحاجة

(۴) لو ذم سلعة نفسه بما لا يشتمل على الكذب يحرم

۱۳۱. در حدیث امام صادق (ع) آمده است که: «إذا قال الرجل للرجل هلم احسن بيعك يحرم عليه الربح» مراد از یحرم کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) حرمت (۲) کراهت تأکیدی (۳) مباح نبودن (۴) مشروعیت نداشتن

۱۳۲. عبارت «هم الذين يحاسبون على الشيء الا دون يا من لا يسره الاحسان و لا تسووه الاساءة» بیانگر کدام از افراد زیر می‌باشد؟

- (۱) محارفین (۲) مؤوفین (۳) آذنین (۴) اکراد

۱۳۳. عبارت «هم الذين لا يبارك لهم في كسبهم» بیانگر کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) محارفین (۲) مؤوفین (۳) آذنین (۴) اکراد

۱۳۴. عبارت: «ترك التعرض للكيل او الوزن اذا لم يحسن» به چه معناست؟

- (۱) به کیل و وزن اگر احسان بلد نمی‌باشد دست نزنند.
(۲) به کیل یا وزن اگر آگاهی از جهت کار ندارد، دست نزنند.
(۳) اگر نیکوکار نمی‌باشد، کیل یا وزن نکند.
(۴) به کیل و وزن دیگری دست نزنند وقتی که احسان بلد نیست.

۱۳۵. در عبارت: «ترك السوم ما بين طلوع الفجر الى طلوع الشمس» مراد از لفظ «سوم» کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) تجارت کردن (۲) صبحانه خوردن (۳) دلالتی کردن (۴) به بازار رفتن

۱۳۶. در باب وارد شدن در معامله یک فرد دیگر با دیگری، کدامیک از گزینه‌های زیر غلط است؟

- (۱) ترک دخول المومن فی سوم اخیه المومن بیعا و شراء بعد التراضی او قربه
(۲) لا کراهیه فی ترک الملتمس منه
(۳) لا کراهیه فیما یكون فی الدلالة لانها موضوعة عرفا لطلب الزیادة مادام الدلال یطلبها
(۴) لو ظهر له ما یدل علی عدمه کراهیه و لا تحریم

۱۳۷. در عبارت: «فاذا حصل الاتفاق بين الدلال والغريم تعلقت الكراهة» مراد از لفظ: «غريم» کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) بدهکار (۲) طلبکار (۳) مشتری (۴) دشمن

۱۳۸. عبارت: «ترك توكل حاضر لباد» به کدامیک از معانی زیر است؟

- (۱) شخص حاضر به شخص غائب توکل نکند.
(۲) شخص شهرنشین وکیل بادیه نشین نشود.
(۳) شخص شهرنشین وکیل بادیه نشین و یا روستانشین نشود.
(۴) شخص بادیه نشین دوری کند از وکیل شدن نسبت به شهرنشین

۱۳۹. حکم خرید و فروش «تلقى للركبان و هو الخروج الى الركب القاصد الى بلد للبيع عليهم او الشراء منهم» کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) لا يصح البيع و لا خيار للبائع و المشتري
(۲) لا يصح البيع و خيار للبائع و المشتري الا مع الغبن
(۳) يصح البيع و لا خيار للبائع و المشتري الا مع الغبن
(۴) يصح البيع و خيار للبائع و المشتري

۱۴۰. در عبارت: «مع جهل البائع او المشتري القادم بالسعر في البلد» مراد از لفظ «السعر» کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) معامله (۲) قیمت (۳) مبيع (۴) کالا

موارد احتکار

۱۴۱. تثبت الحكرة في

- (۱) ستة أشياء: الحنطة والشعير والتمر والزبيب والسمن والملح
(۲) خمسة أشياء: الحنطة والتمر والزبيب والسمن والزيت
(۳) سبعة أشياء: الحنطة والشعير والتمر والزبيب والسمن والزيت والملح
(۴) ستة أشياء: الحنطة والشعير، والتمر والزبيب والسمن والزيت

احکام احتکار

۱۴۲. در باب «حُکْرَة» کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) تثبت الحکرة في ستة أشياء.
- (۲) الأقوى تحريمه مع حاجة الناس
- (۳) يتقيد بثلاثة أيام في الغلاء و أربعين في الرخص
- (۴) إذا لم يوجد البازل غيره لاوجب البيع مع الحاجة

حکم بیع آنچه که قبض نشده است

۱۴۳. بنا بر اقوی حکم «بیع ما لا یقبض مما یقال او یوزن» کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) حملت على الكراهة جمعا بينها وبين ما دل على الجواز
- (۲) التحريم
- (۳) یجوز
- (۴) یباح

حکم بیع الثمار

۱۴۴. عَيِّنَ الصَّحِيحُ؟

- (۱) یجوز بیع الثمرة قبل ظهورها أزيد من عام لا عاماً واحداً
- (۲) یجوز بیع الثمرة قبل ظهورها عاماً واحداً أو أزيد من عام
- (۳) یجوز بیع الثمرة بعد بدو صلاحها
- (۴) لا یجوز بیع الثمرة بعد بدو صلاحها

حکم بیع سبزیجات و میوه به وجود آمده به معدوم

۱۴۵. حکم دو عبارت: «بیع الخضر بعد انعقادها و ان لم یتناه عظمها لقطة و لقطات معينة»

و «شراء الثمرة الظاهرة و ما يتجدد في تلك السنة مع ضبط السنين» به ترتیب کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- | | |
|-------------------|----------------------|
| (۱) يجوز؛ يجوز | (۲) لا يجوز؛ يجوز |
| (۳) يجوز؛ لا يجوز | (۴) لا يجوز؛ لا يجوز |

حكم بيع ثمرة به جنس خود

۱۴۶. در مورد بيع میوه، کدامیک از گزینه‌های زیر، صحیح است؟

- (۱) لا يجوز بيع الثمرة بجنسها على أصولها نخلاً كان أو غيره
- (۲) يجوز بيع الثمرة بجنسها على أصولها نخلاً كان أو غيره
- (۳) لا يجوز بيع الثمرة بجنسها على أصولها نخلاً كان لا غير
- (۴) يجوز بيع الثمرة بجنسها على أصولها نخلاً كان لا غير

حكم حق المارة

۱۴۷. در باب «أكل مما يمر من ثمرة»، کدامیک از گزینه‌های زیر، غلط است؟

- (۱) يجوز الأكل مما يمر به من ثمرة النخل والفواكه، بشرط عدم القصد و عدم الإفساد
- (۲) لا يجوز أن يحمل معه شيئاً منها إلا إن قلَّ
- (۳) تركه بالكلية أولى
- (۴) المراد كون الطريق قريبة منها بحيث يصدق «المرور عليها» عرفاً.

بيع الاثمان

۱۴۸. عبارت: «هو بيع الاثمان» بیانگر کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

- | | |
|---------------|----------------|
| (۱) بيع السلف | (۲) بيع السلم |
| (۳) بيع الصرف | (۴) بيع الثمرة |

حکم بیع صرف

۱۴۹. و يشترط فيه التقابض في المجلس أو اصطحابهما إلى القبض، مراد از ضمیر (ه) در (فیه) کدام یک از گزینه های زیر می باشد؟

- (۱) بیع السلف (۲) بیع الثمار (۳) بیع المساومة (۴) بیع الصرف

حکم قبض در بیع صرف

۱۵۰. در باب قبض در بیع صرف کدام یک از گزینه های زیر غلط می باشد؟

- (۱) لو قبض البعض خاصة قبل التفرق بطل فی الجميع
(۲) تأخيراً معاً في إجازة ما صحّ فيه و فسخه؛ لتبعض الصفقة إذا لم يكن من أحدهما تفريط
(۳) لو كان تأخيره بتفريطهما فلا خيار لهما.
(۴) لو كان تأخيره بتفريط أحدهما به سقط خياره.

احکام وکالت در بیع صرف

۱۵۱. در باب وکالت در بیع صرف، کدام یک از گزینه های زیر، صحیح است؟

- (۱) من قبض الوكيل في القبض في مجلس العقد قبل تفرق الوكيلين.
(۲) إذا كان وكيلًا في الصرف فالمعتبر مفارقة الوكيلين إذا كان مع ذلك وكيلًا في القبض
(۳) إذا كان وكيلًا في الصرف فالمعتبر مفارقة المالكين سواء كان مع ذلك وكيلًا في القبض أم لا.
(۴) إذا كان وكيلًا في الصرف فالمعتبر مفارقة الوكيلين.

احکام بیع صرف

۱۵۲. در باب احکام بیع صرف، کدام یک از گزینه های زیر، غلط می باشد؟

- (۱) لا يجوز التفاضل في الجنس الواحد لأنه يجمع حكم الربا والصرف

- (۲) لو قبض البعض خاصة قبل التفرق بطل في الجميع
 (۳) لا يجوز التفاضل في الجنس الواحد سواء اتفقا في الجودة و الرداءة او اختلفا
 (۴) لو كان وكيلا في الصرف فالمعتبر مفارقتة دون المالك

بيع سلف

۱۵۳. عبارت: «هو بيع مضمون في الذمة مضبوط بمال معلوم...» تعریف کدام یک از بیع‌های زیر می‌باشد؟

- (۱) بیع الصرف (۲) بیع الثمار (۳) بیع السلم (۴) بیع التولية

ارکان بیع سلف

۱۵۴. در باب بیع سلف، مراد از «مُسَلِّم؛ مُسَلِّم فیه؛ مُسَلِّم به؛ مُسَلِّم الیه» به ترتیب چه مواردی می‌باشد؟

- (۱) فروشنده؛ کالای پیش فروش شده؛ مشتری؛ ثمن
 (۲) مشتری؛ کالای پیش فروش شده؛ ثمن؛ فروشنده
 (۳) کالای پیش فروش شده؛ ثمن؛ مشتری؛ فروشنده
 (۴) مشتری؛ ثمن، کالای پیش فروش شده؛ فروشنده

احکام بیع السلف

۱۵۵. در باب احکام بیع سلف، کدام یک از گزینه‌های زیر، غلط می‌باشد؟

- (۱) اشتراط الجید والرديء جائز
 (۲) اشتراط الأجود و الأرءا ممتنع
 (۳) کلّ ما لا يضبط و صفه یمتنع السلم فیه کلّالئ الصغار
 (۴) يجوز السلم في الحبوب والفواكه والخضر

۱۵۶. عبارت «ولابد من قبض الثمن قبل التفرق أو المحاسبة به من دين عليه إذا لم يشترط ذلك في العقد» بیانگر شرط کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

- (۱) بیع صرف (۲) بیع سلف (۳) بیع صرف و سلف (۴) بیع الثمار

۱۵۷. در عبارت: «يفتقر الى المحاسبة مع تخالفهما جنسا او وصفا، اما لو اتفق ما في الذمة و الثمن فيهما وقع التهاتر قهريا و لزم العقد» به ترتیب مراد از ضمائر «هما» در «تخالفهما»؛ «فيهما» کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) جنس و وصف؛ ثمن و دين (۲) ثمن و دين؛ جنس و وصف
(۳) ثمن و دين؛ ثمن و دين (۴) جنس و وصف؛ ثمن و مبيع

۱۵۸. شهید ثانی در جایی که ثمن امر کلی است، اشاره دارند که «و مثل هذا التقاص و التحاسب استيفاء لا معاوضة» مراد از تقاص و تحاسب و معاوضه به ترتیب کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

- (۱) جایی است که دين و ثمن هم جنس نباشند؛ جایی است که دين و ثمن هم جنس باشند؛ دين در برابر دين
(۲) جایی است که دين و ثمن هم جنس باشند؛ جایی است که دين و ثمن هم جنس نباشند؛ دين در برابر دين
(۳) دين در برابر دين؛ جایی است که دين و ثمن هم جنس باشند؛ جایی است که دين و ثمن هم جنس نباشند
(۴) دين در برابر دين؛ دين در برابر دين؛ جایی است که دين و ثمن هم جنس باشند

شرط مبيع در بيع سلف

۱۵۹. در باب احکام مبيع در سلف کدامیک از گزینه‌های زیر غلط است؟

- (۱) تقدير المسلم فيه بالكيل او الوزن المعلومين او العدد في المعدود مع كثرته
(۲) لابد من كونه عام الوجود عند راس الاجل اذا شرط الاجل
(۳) تعيين الاجل المحروس من التفاوت بحيث لا يحتمل الزيادة و النقصان
(۴) لا يشترط وجود المبيع حال العقد و لا فيما بينهما

شرط ثمن در بیع سلف

۱۶۰. لو شرط تأجيل بعض الثمن به ترتیب در بیع صرف و سلم، حکم چه می باشد؟

- (۱) بطل في الجميع؛ بطل في الجميع
(۲) بطل في الجميع؛ صح في البعض
(۳) صح في البعض؛ بطل في الجميع
(۴) صح في البعض؛ صح في البعض

علت بطلان بیع سلف در مقدار ثمنی که نقد است

۱۶۱. از متن: «اما البطلان في الحال على تقدير بطلان الموجل فلجهالة قسطه من الثمن و ان جعل كلا منهما قدرا معلوما، لان المعجل يقابل من المبيع قسطا اكثر مما يقابله الموجل» کدامیک از گزینه های زیر فهمیده می شود؟

- (۱) مقدار ثمنی که حال است و مبیع در مقابل آن قرار می گیرد بیشتر از ثمنی است که مبیع در مدت دار بودن در مقابل ثمن قرار می گیرد
(۲) مقدار مبیعی که در مقابل ثمن نقدی قرار می گیرد بیشتر از مقدار مبیعی است که در برابر ثمن مدت دار قرار گرفته است
(۳) مقدار مبیعی که در مقابل ثمن مدت دار قرار می گیرد بیشتر از مقدار مبیعی است که در برابر ثمن حال قرار می گیرد
(۴) مشخص بودن ثمن حال و مدت دار سبب می شود که بیع در کل باطل نشود.

مکان تحویل مبیع در بیع سلف

۱۶۲. نظر شهید اول و شهید ثانی من باب تعیین محل تحویل مبیع کدامیک از گزینه های زیر به ترتیب می باشد؟

- (۱) لایشرط مطلقا؛ لاریب ان التعین مطلقا
(۲) اشتراطه ان كان في حمله مونة؛ لاریب ان التعین مطلقا
(۳) لاریب ان التعین مطلقا؛ اشتراطه ان كان في حمله مونة
(۴) لایشرط مطلقا؛ لایشرط مطلقا

۱۶۳. لو شرط موضع التسليم لزم و الا اقتضى الاطلاق التسليم في

(۱) موضع العقد

(۲) موضع التحويل المبيع

(۳) موضع البائع

(۴) موضع المشتري

حكم بيع مبيع قبل از قبض

۱۶۴. در باب بيع سلف، گزینه صحیح کدام است؟

(۱) يجوز بيع المسلم فيه بعد حلولة و قبل قبضه على الغريم و غيره

(۲) لا يجوز بيع المسلم فيه بعد حلولة و قبل قبضه مطلقاً

(۳) لا يجوز بيع المسلم فيه بعد حلولة و قبل قبضه على الغريم لا غيره

(۴) يجوز بيع المسلم فيه بعد حلولة و قبل قبضه على الغريم لا غيره

۱۶۵. نظر مصنف و اقوی پیرامون: «بيع المسلم فيه بعد حلولة و قبل قبضه على الغريم و

غيره» به ترتیب کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

(۱) حرام است مطلقاً؛ حرام است مطلقاً

(۲) مکروه است مطلقاً؛ حرام است مطلقاً

(۳) مکروه است مطلقاً؛ در طعام فقط حرام است

(۴) مطلقاً حرام است؛ در طعام مکروه است

نحوه های دادن مسلم اليه

۱۶۶. عبارت: «اذا دفع المسلم اليه فوق الصفة و دونها و لو رضی المسلم

بالادون صفة» به ترتیب با کدامیک از گزینه‌های زیر تکمیل می‌شود و اعراب

لفظ «مسلم» کدام گزینه است؟

(۱) لا يجب القبول؛ يجب القبول؛ لزم؛ مسلم

(۲) يجب القبول؛ لا يجب القبول؛ لزم؛ مسلم

(۳) يجب القبول؛ لا يجب القبول؛ لزم؛ مسلم

(۴) لا يجب القبول؛ لا يجب القبول؛ لا لزم؛ مسلم

تحويل مبيع به صفت بالاتر یا پایین تر

۱۶۷. عبارت: «اذا دفع المسلم اليه فوق الصفة وجب القبول و دونها لا يجب قبوله و لو رضى

المسلم بالادون صفة لزم» در بیان کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) اگر ثمن بیشتر داده شود، قبول آن واجب است و اگر کمتر داده شود، قبول آن واجب نمی‌باشد و اگر خود بایع راضی شود بحثی نخواهد بود
- (۲) اگر بایع مبيع بهتری بدهد، قبول آن واجب است و اگر مبيع بدتری بدهد، قبول آن واجب نیست، مگر آنکه خود مشتری به مبيع بدتر راضی شود
- (۳) اگر بایع مبيع بهتری بدهد، قبول آن واجب است و اگر مبيع بدتری بدهد، قبول آن واجب نیست، حتی اگر مشتری به مبيع بدتر راضی شود
- (۴) اگر بایع مبيع بهتری بدهد، قبول آن واجب نیست و اگر مبيع بدتری بدهد، قبول آن واجب نیست، حتی اگر مشتری به مبيع بدتر راضی شود

نایاب شدن مبيع در هنگام تحويل آن

۱۶۸. لو انقطع المسلم فيه عند الحلول

- (۱) تخیر المسلم بين الفسخ و الصبر.
- (۲) بطل البيع فی رأسه.
- (۳) لا يتخير المسلم بين الفسخ و الصبر و له يأخذ قيمته حينئذ
- (۴) تخیر المسلم بين الفسخ و الصبر و له يأخذ قيمته حينئذ

۱۶۹. لو انقطع المسلم فيه عند الحلول نظر اقوی کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) تخیر المسلم بين الفسخ و الصبر
- (۲) تخیر المسلم بين الفسخ و الصبر و يأخذ قيمته حينئذ
- (۳) بطل البيع
- (۴) لا يتخير المسلم بين الفسخ و الصبر بل يأخذ قيمته حينئذ

اقسام بیع به اعتبار اخبار از ثمن و عدم اخبار

۱۷۰. از میان اقسام بیع‌های زیر افضل آن‌ها کدام است؟

- (۱) بیع التولية
- (۲) بیع المواضعة
- (۳) بیع المراجعة
- (۴) بیع المساومة

۱۷۱. عبارت: «البيع بما يتفقان عليه من غير تعرض للإخبار بالثمن» بیانگر کدام یک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

- (۱) بیع مساومة
- (۲) بیع المراجعة
- (۳) بیع المواضعة
- (۴) بیع التولية

احکام بیع مراجعة

۱۷۲. در باب بیع مراجعة کدامیک از گزینه‌های زیر غلط است؟

- (۱) يشترط علم كل من البائع والمشتري بقدر الثمن والربح والمون ان ضمها
- (۲) يجب على البائع الصدق في الثمن و.....
- (۳) ان زاد باستجاره عليه ضمه فيقول: «اشترت به»
- (۴) لا يقوم ابعاض الجملة و ان اخذ ارشا اسقطه

حکم دروغ بایع در اخبار از ثمن و.....

۱۷۳. «لو ظهر كذبه في الخبر بقدر الثمن و..... تخير المشتري لغروره و هل يشترط في ثبوت خيار المشتري بقاؤه على ملكه؟» با فرض این عبارت جواب سوال کدام گزینه است؟

- (۱) العدم، لاصالة بقاءه مع وجود المقتضى و عدم صلاحية ذلك للمانع
- (۲) العدم الا مع التلف او انتقاله عن ملكه
- (۳) يشترط فمع التلف او انتقاله عن ملكه بطل الخيار
- (۴) يشترط مطلقا

حکم اخبار به ثمن با خریدن از غلام یا فرزند خود

۱۷۴. در بیع مرابحه داریم که: «لا يجوز الإخبار بما اشتراه من غلامه الحرّ أو ولده لأنّه خديعة و تدليس، فلو فعل ذلك» جای خالی با کدام یک از گزینه‌های زیر کامل می‌شود؟

(۱) تخیر المشتري بين ردّه و أخذه مع الأرض

(۲) المشتري ردّه خاصّة

(۳) أثم و صحّ البيع

(۴) يبطل البيع من رأسه

بیع مواضعة

۱۷۵. عبارت: «هي كالمراحة في الاحكام الا انها بنقيصة معلومة» در بیان کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

(۱) مرابحة (۲) مساومة (۳) تولية (۴) مواضعة

بیع تولية

۱۷۶. عبارت: «هي الإعطاء برأس المال» بیانگر کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

(۱) مواضعة (۲) تولية (۳) مرابحة (۴) مساومة

بیان تشریک

۱۷۷. عبارت: «في الحقيقة بيع الجزء المشاع برأس المال» بیانگر کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

(۱) التشریک (۲) التولية (۳) المرابحة (۴) المساومة

احکام کلی اقسام بیع

۱۷۸. در میان گزینه‌های زیر، کدام مورد هیچ ارتباطی با بقیه ندارد؟

- (۱) تولیه (۲) مساومه (۳) التشریک (۴) مرابحه

۱۷۹. در میان گزینه‌های زیر، کدام مورد ارتباط کم‌تری با بقیه گزینه‌ها دارد؟

- (۱) تولیه (۲) مساومه (۳) مرابحه (۴) مواضعة

جایگاه ربا

۱۸۰. جایگاه ربا در کدامیک از گزینه‌های زیر به درستی بیان شده است؟

(۱) اذا قدر بالکیل او معدود و زاد احدهما

(۲) اذا قدر بالکیل او الوزن و زاد احدهما عن الآخر و لو بکونه موجلا

(۳) اذا قدر بالمعدود و زاد احدهما عن الآخر

(۴) اذا قدر بالوزن و لم یزاد احدهما عن الآخر

موارد ربا

۱۸۱. در کدامیک از گزینه‌های زیر، ربا وجود دارد؟

(۱) فی المعدود

(۲) بین الوالد و ولده

(۳) بین الزوج و الزوجه دواماً و متعة

(۴) بین المسلم و الکافر الذمی

حیل الربا

۱۸۲. کدامیک از گزینه‌های زیر از جمله راه‌های فرار از ربا نمی‌باشد؟

(۱) بالضمیمة الی الناقص منهما او الضمیمة الیهما مع اشتباه الحال

(۲) یقرض کل منهما صاحبه و یتبارء بعد التقابض

(۳) وهب کل منهما الآخر عوضه

(۴) یبیعه بالممائل و یهبه الزائد فی عقد واحد او بعد البیع و شرط للهبة فی عقد البیع

نمونه هایی از ربا

۱۸۳. بیع در کدام یک از گزینه های زیر، جایز است؟

(۱) بیع اللحم بالحيوان مع التماثل

(۲) بیع الرطب بالتمر

(۳) بیع العنب بالزبيب

(۴) بیع مَدَّ عَجَوَةٍ و درهم بمَدَّین

خیار مجلس

۱۸۴. کدام یک از خيارات زیر: «هو مختص للبیع» است؟

(۱) حیوان، مجلس

(۲) مجلس؛ تأخیر عن الثمن

(۳) حیوان؛ تأخیر عن الثمن

(۴) شرط؛ حیوان

موارد سقوط خیار مجلس

۱۸۵. کدام مورد از موارد زیر سبب سقوط خیار مجلس نمی شود؟

(۱) اشتراط سقوطه في العقد

(۲) اشتراط سقوطه بعد العقد

(۳) بمفارقة أحدهما صاحبه ولو بخطوة

(۴) بالحائل بينهما غليظاً

احکام خیار مجلس

۱۸۶. در باب خیار مجلس، کدام یک از گزینه های زیر غلط می باشد؟

(۱) لو التزم به أحدهما سقط خياره خاصّة

- (۲) لو فسخ أحدهما و أجاز الآخر قُدِّم الفاسخ و إن تأخر عن الإجازة
 (۳) هو مختص بالبيع و إن مقام مقامه
 (۴) لا يزول بالحائل و إن غليظاً

خيار حيوان

۱۸۷. کدام یک از خيارهای زیر «مختص به مشتری» است؟

- (۱) مجلس (۲) حيوان (۳) التأخير (۴) شرط

زمان اعمال خيار حيوان

۱۸۸. هذا الخيار الحيوان أيام مبدؤها من، جای خالی با کدام یک از گزینه‌های زیر کامل می‌شود؟

- (۱) ثلاثة؛ حين العقد (۲) الرابعة؛ حين القبض
 (۳) ثلاثة؛ حين القبض (۴) الرابعة؛ حين العقد

مسقطات خيار حيوان

۱۸۹. کدام یک از مصادیق زیر سبب سقوط خيار حيوان نمی‌باشد؟

- (۱) ركوب الدابة (۲) نعل الدابة
 (۳) حلب ما يحلب (۴) مجرد سوق الدابة إلى منزله، فإن كان قريباً

خيار شرط

۱۹۰. قرار دادن حق خيار شرط برای ثالث و مشخص کردن داور در بحث شقاق به ترتیب به منزله چه چیزی می‌باشد؟

(۱) تحکیم؛ توکیل (۲) توکیل؛ تحکیم (۳) تحکیم؛ تحکیم (۴) توکیل؛ توکیل

شرط موامرة

۱۹۱. در باب شرط «موامرة» کدام یک از گزینه‌های زیر غلط می‌باشد؟

- (۱) فإن امر بالفسخ، وجب للمشروط له استثماره الفسخ
- (۲) فإن امره بالالتزام لم یکن له الفسخ قطعاً وإن کان الفسخ أصلح
- (۳) یجب اشتراط مدّة المؤامرة
- (۴) أن الفسخ یتوقف علی أمره واما الالتزام بالعقد فلا یتوقف

خيار تاخير

۱۹۲. کدام یک از خيارات زیر، مختص به بايع است؟

- (۱) حیوان (۲) مجلس (۳) رؤیت (۴) تأخیر عن الثمن

احكام خيار تاخير

۱۹۳. در باب خيار تأخیر عن الثمن کدام یک از گزینه‌های زیر، غلط است؟

- (۱) خيار التأخیر للبائع بعد الثلاثة
- (۲) خيار التأخیر عن ثلاثة أيام فيمن باع ولا قبض ولا أقبض المبيع ولا شرط التأخیر
- (۳) قبض البعض الثمن كلا قبض
- (۴) تلف المبيع من البائع في الثلاثة لابعدها

خيار ما يفسد ليومه

۱۹۴. «هو ثابت بعد دخول الليل» و «هو ثابت لمن لم ير» به ترتیب اشاره به کدام یک از

خیارهای ذیل دارد؟

(۱) رؤیت؛ غبن

(۳) ما یفسد لیومه؛ رؤیت

(۲) ما یفسد للیلہ؛ رؤیت

(۴) رؤیت؛ ما یفسد للیلہ

خیار رویت

۱۹۵. یثبت الخیار الرؤیت

(۱) فیما لم یر إذا زاد أو نقص للمشتري

(۲) فیما لم یر إذا زاد أو نقص للبائع

(۳) فیما لم یر إذا زاد فی طرف البائع، أو نقص فی طرف المشتري

(۴) فیما لم یر إذا زاد فی طرف المشتري، أو نقص فی طرف البائع

خیار غبن

۱۹۶. الخیار الغبن هو ثابت فی المشهور

(۱) للمشتري

(۲) للبائع

(۳) للمشتري و البائع

(۴) للأجنبي

احکام خیار غبن

۱۹۷. در مورد حکم تصرف در خیار حیوان و غبن، کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

(۱) در خیار حیوان و غبن، تصرف در حیوان و مبیع، هیچ عاملی در سقوط خیار نمی‌باشد.

(۲) در خیار حیوان، تصرف در حیوان مسقط خیار می‌باشد، برعکس خیار غبن.

(۳) در خیار غبن، تصرف در مبیع مسقط خیار می‌باشد، برعکس خیار حیوان.

(۴) در خیار حیوان و غبن، تصرف در حیوان و مبیع، باعث سقوط خیار می‌شود.

۱۹۸. بنابر مشهور، کدام یک از گزینه‌های زیر، در باب خیار غبن صحیح است؟

(۱) لا یسقط بالتصرف سواء كان المتصرف الغابن ام المغبون و سواء خرج به عن الملك أم منع مانع.

(۲) یسقط بالتصرف إذا كان المغبون المشتري وَقَدْ أخرجَه عَنْ ملكه.

(۳) یسقط بالتصرف إذا كان المغبون البایع.

(۴) لا یسقط بالتصرف إذا كان المتصرف المشتري لا البایع

۱۹۹. در باب خیار غبن، کدام یک از گزینه‌های زیر غلط می‌باشد؟

(۱) تُعتبر القيمة وقت العقد

(۲) یسقط الخیار ببذل الغابن التفاوت

(۳) لا یسقط الخیار ببذل الغابن التفاوت وَإن انتفی موجبہ، الا بالصلح

(۴) هو ثابت فی المشهور لِكُلِّ مِنَ البائع والمشتري.

طریق محاسبه ارش

۲۰۰. بر فرض آن که قیمت صحیح کالا ۱۲ تومان باشد و قیمت معیوب ۱۰ تومان باشد و قیمت

خرید هم ۱۸ تومان باشد، مقدار ارش کدام یک از گزینه‌های زیر است؟

(۱) ۵ تومان (۲) ۷ تومان (۳) ۳ تومان (۴) ۲ تومان

۲۰۱. بر فرض آن که نظرات در مورد قیمت کالای صحیح به این شکل باشد: ۹۰ تومان،

۶۰ تومان، ۳۰ تومان و نظرات در مورد قیمت کالای معیوب به این شکل باشد: ۵۰ تومان، ۲۰

تومان، ۲۰ تومان و قیمت کل خرید ۱۰۰ تومان باشد، ارش آن چه مقدار خواهد بود؟

(۱) ۱۰۰ تومان (۲) ۸۰ تومان (۳) ۶۰ تومان (۴) ۵۰ تومان

مسقطات رد

۲۰۲. در کدام یک از گزینه‌های زیر شخص فقط حق گرفتن ارش دارد؟

(۱) بالتصرف فی المبیع، سوا کان قبل علمه بالعیب أم بعده

(۲) بالعلم بالعیب قبل العقد

(۳) الرضا بالعیب بعد العلم

(۴) البراءة البائع من العیوب

مسقطات رد و ارش

۲۰۳. در کدامیک از گزینه‌های زیر هم حق رد و هم ارش از شخص ساقط می‌شود؟

(۱) اسقاط الخيار

(۲) لو اشتری صفقة متعددا و ظهر فيه عیب و تلف احدهما

(۳) لو اشتری شیئین فصاعدا فظهر فی احدهما عیب

(۴) حدوث عیب بعد القبض مضمون علی المشتري سواء كان حدوثه من جهة ام لا

احکام خيار عیب

۲۰۴. یکی از مسقطات حق رد: «حدوث عیب بعد القبض مضمون علی المشتري» است،

کدامیک از گزینه‌های زیر در بیان عبارت ذکر شده نمی‌باشد؟

(۱) لو كان حیوانا و حدث فيه العیب فی الثلاثة من غیر جهة المشتري

(۲) لو كان حیوانا و حدث فيه العیب فی الثلاثة و بعدها من غیر جهة المشتري

(۳) لو كان حیوانا و حدث فيه العیب فی الثلاثة من جهة المشتري

(۴) لو كان ثوبا و حدث فيه العیب من جهة المشتري

خيار تدلیس

۲۰۵. «و منه اشتراط صفة فتفوت» از اقسام کدامیک از خيارهای زیر می‌باشد؟

(۱) اشتراط (۲) شرط (۳) تدلیس (۴) غبن

۲۰۶. در خيار تدلیس اگر خلاف آن ظاهر شود، شخص بایع یا مشتری چه حقی دارند؟

(۱) تخیر بین الفسخ و الارش

- (۲) تخیر بین الفسخ و الإمضاء بالثمن لا أرش
 (۳) تخیر بین الفسخ و الإمضاء بالثمن مع الأرض
 (۴) الأرض خاصّة

خيار اشتراط

۲۰۷. کدام یک از شرطهای زیر از مصادیق «إذا يؤدّ إلى جهالة في أحد العوضين» می باشد؟

- (۱) اشتراط حمل الدابة فيما بعد
 (۲) أن الزرع يبلغ السنبل
 (۳) شرط تأخير المبيع في يد البائع أو الثمن في يد المشتري ماشاء
 (۴) شرط تبقيّة الزرع في الأرض إلى أوان السنبل

شرط مقدور

۲۰۸. کدام یک از شرطهای زیر در خيار اشتراط جایز است؟

- (۱) عدم وطء الأمة
 (۲) أن الزرع يبلغ السنبل
 (۳) وطء البائع الكنيز بعد البيع
 (۴) شرط تبقيّة الزرع في الأرض إلى أوان السنبل

حكم شرط غير جائز

۲۰۹. حكم شرط غير جائز در خيار اشتراط و عقد نکاح به ترتیب چه می باشد؟

- (۱) بطل الشرط و أ بطل العقد فيهما
 (۲) بطل الشرط و أ بطل العقد؛ بطل الشرط و صحّ العقد و المهر
 (۳) صحّ الشرط و العقد فيهما
 (۴) صحّ الشرط و العقد؛ بطل الشرط و العقد و المهر

وجوب یا عدم وجوب عمل به شرط توسط مشروط علیه

۲۱۰. نظر مصنف و اقوی پیرامون وجوب و عدم وجوب عمل به شرط به ترتیب کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) يجب الوفاء بالشرط ان كان العقد كافيا في تحققه؛ لا يجب على المشتري عليه فعله
- (۲) لا يجب على المشتري عليه فعله؛ يجب الوفاء بالشرط ان كان العقد كافيا في تحققه
- (۳) اللزوم مطلقا؛ لا يجب على المشتري عليه فعله
- (۴) لا يجب على المشتري عليه فعله؛ اللزوم مطلقا

احکام تخلف از شرط

۲۱۱. کدامیک از گزینه‌های زیر من باب تخلف از شرط صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) لا يجب على المشتري عليه فعله و انما فائدته جعل البيع عرضة للزوال بالفسخ عند عدم سلامة الشرط
- (۲) ان اشتراط ما العقد كاف في تحققه كجزء من الايجاب و القبول
- (۳) ان الشرط الواقع في العقد اللازم ان كان العقد كافيا في تحققه و يحتاج بعده الى امر آخر
- (۴) الاقوى اللزوم مطلقا

خيار شرکت

۲۱۲. خيار الشركة سواء

- (۱) قارنت العقد أو تأخرت بعده مع القبض
- (۲) قارنت العقد أو تأخرت بعده إلى قبل القبض
- (۳) قبل العقد أو تأخرت بعده
- (۴) قبل العقد أو مقارنة العقد لا تأخر عن العقد

۲۱۳. کدامیک از خیارهای زیر را مجازاً عیب گویند؟

- (۱) تدليس
- (۲) غبن
- (۳) شركة
- (۴) تبعض الصفقة

خيار تعذر تسليم

۲۱۴. عبارت: «لو اشتری شیئا ظنا امکان تسليمه ثم عجز بعده تخیر المشتري» در بیان کدامیک از خيارهای ذیل است؟

- (۱) خيار شرکت (۲) خيار تبعض الصفقة (۳) خيار تفليس (۴) خيار تعذر تسليم

خيار تبعض الصفقة

۲۱۵. عبارت: «لو اشتری سلعتين فتستحق إحداهما» بیانگر کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

- (۱) تدليس (۲) تعذرالتسليم (۳) تفليس (۴) تبعض الصفقة

۲۱۶. کدامیک از گزینه‌های زیر در مورد خيار رؤیت و تبعض الصفقة به ترتیب صحیح می‌باشد؟

- (۱) در خيار رؤیت، مشتری یا باید به‌طور کلی معامله را فسخ کند و یا امضاء کند؛ اما در خيار تبعض الصفقة حق فسخ و یا امضاء بعض صحیح را دارد.
 (۲) در خيار رؤیت و تبعض الصفقة، شخص حق فسخ و یا امضاء کلی را دارد و حق تبعیض ندارد.
 (۳) در خيار رؤیت و تبعض الصفقة، شخص حق فسخ و یا امضاء بخش از صحیح را دارد.
 (۴) در خيار تبعض الصفقة، مشتری حق خيار اصلاً ندارد ولی در رؤیت، حق فسخ دارد.

خيار تفليس

۲۱۷. عبارت: «إذا وجد غريم المفلس متاعه فانه يتخير بين اخذه مقدما على الغرماء و بين الضرب بالثمن معهم» به چه معناست؟

- (۱) اگر بايع متاع خود را بیاید مخیر است که مقدم بر سایر طلبکاران آن را بردارد و یا به مقدار ثمن با بقیه شریک شود
 (۲) اگر مشتری متاع خود را بیاید مخیر است که مقدم بر سایر طلبکاران آن را بردارد و یا به مقدار ثمن

با بقیه شریک شود

(۳) اگر طلبکار ورشکسته متاع خود را بیابد می تواند مقدم بر سایر طلبکاران حق خود را بردارد و یا به مقدار ثمن با بقیه شریک شود

(۴) اگر طلبکار، ورشکسته شود می تواند متاع خود را بردارد ولی با بقیه شریک نمی شود.

خيار طلبكار ميت

۲۱۸. ضمير (ه) در عبارت: «و مثله غريم الميت مع وفاء التركة» به کدامیک از گزینه‌های زیر برمیگردد؟

- (۱) بايع (۲) مشتري (۳) طلبكار ورشكسته (۴) حاكم

اقسام بيع به اعتبار فوري بودن ثمن و مضمن

۲۱۹. کدامیک از بیع‌های زیر صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) نقد (۲) نسيئة (۳) سلف (۴) كالي بالكالي

اقتضای اطلاق بيع

۲۲۰. إطلاق البيع يقتضي كون الثمن وإن شرط تعجيله في متن العقد

- (۱) مؤجل؛ بطل العقد
(۲) مؤجل؛ صحَّ العقد
(۳) حالاً؛ بطل العقد
(۴) حالاً؛ أَكَّده

۲۲۱. عبارت: «فان وقت التعجيل تخير البائع لو لم يحصل الثمن في الوقت المعين و لو لم

يعين له زمانا لم يفد سوى التاكيد» در بیان کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) اگر دادن ثمن را مدت دار کند، و در مدت مشخص شده نپردازد، بايع حق خيار دارد.
(۲) اگر برای فوری بودن هم وقت مشخص کند، اگر ثمن در آن وقت داده نشود، شخص بايع مخیر است.
اگر وقتی را مشخص نکند، ذکر فوری بودن فایده حتی در جهت تاکید ندارد

- (۳) اگر برای پرداخت حال ثمن هم وقت مشخص کند، اگر ثمن در آن وقت داده نشود، شخص بایع مخیر است. اگر وقتی را مشخص نکند، ذکر فوری بودن فایده ای جز تاکید ندارد
- (۴) در زمان فوری بودن پرداخت ثمن، مشخص کردن وقت هیچ فایده ای ندارد.

شرط صحت مدت دار بودن پرداخت ثمن

۲۲۲. ان شرط التاجیل..... «عین الصحیح»؟

- (۱) و مشترک بین امرین یصح و یحمل علی الاول
- (۲) و مشترک بین امرین یصح و یحمل علی الاول و لا یعتبر علمهما بذلك قبل العقد
- (۳) اعتبر ضبط الاجل و لا بالمشتک کشهر ربیع
- (۴) اعتبر ضبط الاجل و بالمشتک یحمل علی الاول

حکم فروش مبیع به دو ثمن در دو حالت نقد و نسیه

۲۲۳. لو جعل لحال ثمناً و لمؤجل أزيد منه و فاوت بین الأجلین فی الثمن و لو باعه سلعتین فی عقدٍ ثمن إحداهما نقد و الأخرى نسیة جاهای خالی را کدام یک از گزینه های زیر پر می کند؟

- (۱) بطل؛ بطل؛ صح
- (۲) صح؛ صح؛ بطل
- (۳) بطل؛ صح؛ بطل
- (۴) صح؛ بطل؛ صح

حکم خرید مبیع خود پس از فروش آن

۲۲۴. لو اشتراه البائع فی حالة کون بیعه الاول نسیئة..... «عین الصحیح»؟

- (۱) بطل البیع الثانی ان کان قبل الاجل لا بعده
- (۲) بطل البیع الثانی ان کان بجنس الثمن لا غیره
- (۳) صح البیع الثانی مطلقاً
- (۴) صح البیع الثانی مطلقاً و لو یشرط فی بیعه الاول بیعه من البائع

۲۲۵. «لو اشتراه البائع في حالة كون بيعه الاول نسيئة..... و لو يشترط في بيعه الاول بيعه من البائع.....» کدام گزینه عبارت در سوال را تکمیل میکند؟

- (۱) صح بيع الثاني مطلقا؛ بطل بيع الاول مطلقا
- (۲) بطل بيع الثاني مطلقا؛ بطل بيع الاول مطلقا
- (۳) صح بيع الثاني ان كان قبل الاجل لا بعده؛ بطل البيع الاول ان كان حالا لا موجلا
- (۴) صح بيع الثاني ان كان بعد الاجل لا قبله؛ بطل البيع الاول ان كان موجلا لا حالا

احکام قبض ثمن توسط بايع

۲۲۶. با فرضی که مشتری ثمن را به بايع بخواهد تحويل بدهد، کدامیک از گزینه‌های زیر غلط است؟

- (۱) يجب قبض الثمن لو دفعه الى البائع و في الاجل لا قبله
- (۲) لو امتنع البائع من قبضه حيث لا يجب قبضه الحاكم ان وجد
- (۳) ان تعذر قبض الحاكم فهو امانة في يد المشتري
- (۴) لا يجوز له التصرف فيه و ان يكون نماءه للبائع

حكم خريد و فروش مبيع به قيمت کمتر و بیشتر

۲۲۷. عين الصحيح؟

- (۱) لا حرج في زيادة الثمن و نقصانه على البائع و المشتري مطلقا
- (۲) لا حرج في زيادة الثمن و نقصانه على البائع و المشتري ان عرف المشتري القيمة
- (۳) لا حرج في زيادة الثمن و نقصانه على البائع و المشتري و لو يودي الى السفة
- (۴) حرج في زيادة الثمن و لا حرج في نقصانه على البائع و المشتري

احکام ثمن و مئمن

۲۲۸. در باب احکام ثمن و مئمن، کدامیک از گزینه‌های زیر، صحیح است؟

- (۱) يجوز تأجيل الحال بزيادة لابدونها
- (۲) لا يجوز تأجيل الحال بزيادة ولا بدونها
- (۳) لا يجوز تعجيله بنقصان منه بإبراء لاصح
- (۴) لا يجوز تعجيله بنقصان منه بإبراء أو صلح

حکم فروش مبیعی که به صورت نسیه خریداری شده است

۲۲۹. و يجب على المشتري إذا باع ما اشتراه موجلاً ذكر الأجل في غير المساومة فيتخير المشتري بدونه در این جا مشتری چه خیاری دارد؟

- (۱) شرط (۲) اشتراط (۳) تدلیس (۴) رؤیت

حکم قبض ثمن و مبيع در حالت اطلاق عقد

۲۳۰. اطلاق العقد يقتضي «عين الخطأ»؟

- (۱) قبض العوضين
- (۲) يتقبضان معا لو تمانعا من التقدم ان كان الثمن عينا لا دينا
- (۳) ان امتنعا اجبرهما الحاكم معا مع امكانه
- (۴) ان تعذر فكالدين اذا بذله المديون فامتنع من قبوله

شرط تاخير اقباض مبيع و ثمن

۲۳۱. کدامیک از گزینه‌های زیر من باب شرط تاخير اقباض مبيع و ثمن صحيح است؟

- (۱) يجوز اشتراط تاخير اقباض المبيع مدة معينة لا يجوز اشتراط تاخير الثمن
- (۲) لا يجوز اشتراط تاخير اقباض المبيع مدة معينة و يجوز اشتراط تاخير الثمن
- (۳) يجوز اشتراط تاخير اقباض المبيع مدة معينة كما يجوز اشتراط تاخير الثمن
- (۴) لا يجوز اشتراط تاخير اقباض المبيع مدة معينة كما لا يجوز اشتراط تاخير الثمن

حکم قبض در اموال منقول و غیر منقول

۲۳۲. والقبض في المنقول و في غير المنقول جای خالی با کدام یک از گزینه‌های زیر، کامل می‌شود؟

- (۱) نقله؛ نقله (۲) التخلية؛ نقله (۳) نقله؛ التخلية (۴) التخلية؛ التخلية

شرط ضامن بودن مشتری بعد از قبض

۲۳۳. و بالقبض

- (۱) ينتقل الضمان إلى المشتري مطلقاً
(۲) ينتقل الضمان إلى المشتري إذا لم يكن له خيار مختص به أو مشترك بينه وبين البائع
(۳) ينتقل الضمان إلى المشتري إلا إذا يكن له خيار مختص به.
(۴) لا ينتقل الضمان إلى المشتري مطلقاً

حکم تلف مبيع قبل از قبض مشتری

۲۳۴. لو تلف المبيع قبل القبض

- (۱) فمن البائع مطلقاً و للمشتري أخذ الثمن إذا كان تلفه من الله تعالى.
(۲) فمن المشتري مطلقاً ولا شيء عليه.
(۳) فمن البائع مطلقاً و للمشتري أخذ المثل إذا كان تلفه من الله تعالى.
(۴) فمن البائع لو كان للمشتري خيار.

۲۳۵. لو تلف بعض المبيع أو تعيب «عين الخطأ»؟

- (۱) من قبل الله تخير المشتري في الامساك مع الارش و الفسخ
(۲) من قبل البائع تخير المشتري في الامساك مع الارش و الفسخ
(۳) من قبل اجنبي فالارش عليه للبائع ان التزم
(۴) من قبل اجنبي فالارش عليه للبائع ان فسخ

غصب مبيع قبل از قبض

۲۳۶. لو غصب من يد البائع قبل إقباضه

- (۱) لا يمكن تحصيله بسرعة تخير المشتري بين الفسخ و الرجوع على البائع.
- (۲) لا يمكن تحصيله بسرعة بطل البيع
- (۳) يمكن تحصيله بسرعة تخير المشتري بين الفسخ و الرجوع على البائع.
- (۴) فلا خيار للمشتري مطلقاً.

تلف مبيع دست غاصب

۲۳۷. إن تلف المبيع في يد الغاصب

- (۱) يضمن الغاصب ولا يبطل البيع
- (۲) يضمن البائع فيبطل البيع و إن كان قد رضي بالصبر
- (۳) يضمن البائع ولا يبطل البيع.
- (۴) يضمن الغاصب و يبطل البيع.

حكم اجرت مبيعی که در دست غاصب است

۲۳۸. بنا بر اقوی اجرت مبيع هنگامی که در دست بايع است با چه کسی است؟

- (۱) اختصاص على البائع الا ان يكون المنع بحق
- (۲) اختصاص الغاصب بها الا ان يكون المنع منه و لو بحق
- (۳) اختصاص الغاصب بها الا ان يكون المنع منه و منع بغير حق
- (۴) اختصاص على البائع مطلقاً

حكم نفقه مبيع در زمان منع بايع

۲۳۹. نفقه مبيع اگر بايع نگذارد که مشتری بر مبيع دسترسى داشته باشد، با چه کسی است؟

(۱) المنع سائفا فالنفقة على المشتري

(۲) المنع بغير حق فالنفقة على المشتري

(۳) فالنفقة على المشتري مطلقا

(۴) فالنفقة على البائع مطلقا

اختلاف بايع و مشتری در وزن و پیمانه مبيع

۲۴۰. لو ادعى المشتري نقصان المبيع بعد قبضه

(۱) حلف البائع مطلقاً

(۲) حلف المشتري إن لم يكن حضر الاعتبار

(۳) حلف المشتري مطلقاً

(۴) حلف المشتري إن يكن حضر الاعتبار

۲۴۱. لو ادعى المشتري الى عدم اقباض الجميع

(۱) حلف البائع مطلقا

(۲) حلف المشتري مطلقا

(۳) حلف المشتري ما لم يكن سبق بالدعوى نقصان المبيع

(۴) حلف المشتري و لو سبق بالدعوى نقصان المبيع

توابع مبيع

۲۴۲. کدام یک از گزینه های زیر، جزء توابع فروش خانه نمی باشد؟

(۱) البناء أعلاه و أسفله

(۲) الاغلاق المنصوبة

(۳) الأخشاب المثبتة

(۴) الشجر

اختلاف بايع و مشتری در مقدار ثمن

۲۴۳. بنابر «اصل عدم مقدار زايد» در صورت اختلاف در ثمن قول چه کسی مقدم می شود؟

(۱) يحلف البائع مع تلفها

(۲) يحلف البائع مع قيام العين

(۳) يحلف المشتري مع قيام العين

(۴) يحلف المشتري مطلقاً

۲۴۴. در صورت اختلاف در ثمن، در حالت «قیام العین» و «تلف العین» به ترتیب قول چه کسانی مقدم می‌شود؟

- (۱) یحلف البائع؛ یحلف المشتري
(۲) یحلف البائع مطلقاً
(۳) یحلف المشتري مطلقاً
(۴) یحلف المشتري؛ یحلف البائع

اختلاف بایع و مشتری در تعیین مبیع

۲۴۵. لو اختلفا فی تعیین المبیع

- (۱) یحلف المشتري
(۲) یحلف البائع
(۳) یتحالفان و یبطل العقد من حین العقد
(۴) یتحالفان و یبطل العقد من حین التحالف

اختلاف بایع و مشتری در تعجیل ثمن و مقدار مبیع

۲۴۶. لو اختلفا فی تعجیل الثمن و شرط رهن و فی قدر المبیع، قول چه کسانی به ترتیب قبول می‌شود؟

- (۱) بایع؛ مشتری؛ مشتری
(۲) بایع؛ بایع؛ بایع
(۳) مشتری؛ بایع؛ بایع
(۴) مشتری؛ مشتری؛ بایع

احکام وزن و پیمانه و پول

۲۴۷. اطلاق الکیل و الوزن و النقد ینصرف الی..... ان اتحد، فان تعدد.....، فان تساوت فی الاستعمال..... و لو لم یعین.....؛ به ترتیب عبارت را کدامیک از گزینه‌های زیر کامل می‌کند؟

- (۱) الی المعتاد فی بلد العقد؛ فالأغلب؛ لاوجب التعین؛ صح البیع
(۲) الی المعتاد فی بلد العقد؛ فالأغلب؛ وجب التعین؛ بطل البیع
(۳) الی المعتاد فی بلد البائع؛ فالأغلب؛ وجب التعین؛ صح البیع
(۴) الی المعتاد فی بلد المشتري؛ فالأغلب؛ لاوجب التعین؛ بطل البیع

مخارج و هزینه سنجیدن مبيع و ثمن

۲۴۸. أجره اعتبار المبيع و اعتبار الثمن و أجره الدلال جاهای خالی با کدام یک از گزینه‌های زیر کامل می‌شود؟

- (۱) مشتری؛ بایع؛ بایع
(۲) مشتری؛ بایع؛ مشتری
(۳) بایع؛ مشتری؛ آمر
(۴) بایع؛ بایع؛ آمر

احکام پیرامون دلال

۲۴۹. در مورد دلال کدامیک از گزینه‌های زیر غلط است؟

- (۱) أجره الدلال على الأمر
(۲) لا یضمن الدلال الا بتفريط
(۳) فان ثبت التفريط و ضمن قيمة حلف البائع على مقدار القيمة لو خالفه البائع
(۴) يحلف على عدمه لو ادعى عليه التفريط

احکام اقاله

۲۵۰. در باب «اقاله» کدامیک از گزینه‌های زیر غلط می‌باشد؟

- (۱) الإقالة فسخ لبيع في حق المتعاقدين والشفيع
(۲) لا تسقط أجره الدلال بإقالة
(۳) تصح بزيادة في الثمن ولا بنقصه
(۴) فإن كان العوضين تالفاً فقيمة يوم التلف إن كان قيمياً

۲۴۴. در صورت اختلاف در ثمن، در حالت «قیام العین» و «تلف العین» به ترتیب قول چه کسانی مقدم می‌شود؟

- (۱) یحلف البائع؛ یحلف المشتري
(۲) یحلف البائع مطلقاً
(۳) یحلف المشتري مطلقاً
(۴) یحلف المشتري؛ یحلف البائع

اختلاف بایع و مشتری در تعیین مبیع

۲۴۵. لو اختلفا فی تعیین المبیع

- (۱) یحلف المشتري
(۲) یحلف البائع
(۳) یتحالفان و یبطل العقد من حین العقد
(۴) یتحالفان و یبطل العقد من حین التحالف

اختلاف بایع و مشتری در تعجیل ثمن و مقدار مبیع

۲۴۶. لو اختلفا فی تعجیل الثمن و شرط رهن و فی قدر المبیع، قول چه کسانی به ترتیب قبول می‌شود؟

- (۱) بایع؛ مشتری؛ مشتری
(۲) بایع؛ بایع؛ بایع
(۳) مشتری؛ بایع؛ بایع
(۴) مشتری؛ مشتری؛ بایع

احکام وزن و پیمانه و پول

۲۴۷. اطلاق الكیل و الوزن و النقد ینصرف الی..... ان اتحد، فان تعدد.....، فان تساوت فی الاستعمال..... و لو لم یعین.....؛ به ترتیب عبارت را کدامیک از گزینه‌های زیر کامل می‌کند؟

- (۱) الی المعتاد فی بلد العقد؛ فالأغلب؛ لاوجب التعین؛ صح البیع
(۲) الی المعتاد فی بلد العقد؛ فالأغلب؛ و جب التعین؛ بطل البیع
(۳) الی المعتاد فی بلد البائع؛ فالأغلب؛ و جب التعین؛ صح البیع
(۴) الی المعتاد فی بلد المشتري؛ فالأغلب؛ لاوجب التعین؛ بطل البیع

سؤالات تأليفي

باب النكاح



مستحبات انتخاب همسر

۲۵۱. در عبارت: «ولیتخیر البکر، العقیفة والولود» با قید «الولود» چه کسانی خارج می‌شوند؟

- (۱) یائسه خاصّة (۲) صغیره خاصّة (۳) عقیماً خاصّة (۴) یائسه؛ صغیره؛ عقیماً

۲۵۲. یکی از شرایط زنی که انسان می‌خواهد اختیار کند: «الکریمه الاصل» است، مراد از این لفظ چه می‌باشد؟

(۱) یعنی زن در اصل و ریشه، کرامت داشته باشد.

(۲) یعنی زن باید باوقار و مهربان باشد.

(۳) یعنی پدر و مادر زن باید صالح و مؤمن باشد.

(۴) یعنی زن باید مسلمان باشد.

۲۵۳. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «یاکم وخضرأ الدمن» مراد از «خضرأ الدمن» چه می‌باشد؟

(۱) زن سبزه چهره

(۲) زن زیبارویی که در محیط ناسالم پرورش یافته است.

(۳) زنی که خانواده‌اش ثروتمند هستند.

(۴) زنی که با ایمان و باتقوا است.

جواز نگاه کردن به زن قبل از خواستگاری

۲۵۴. کدام یک از گزینه‌های زیر از شرایط عبارت: «يجوز نظراً الى وجه امرأة يريد نکاحها» نمی‌باشد؟

(۱) العلم بصلاحياتها للتزويج بخلوها من البعل

(۲) تجويز اجابتها

(۳) مباشرة المرید بنفسه إلا إن كان اعمى

(۴) إن لا يكون بريئة ولا تلذذ

صيغه ايجاب عقد نکاح

۲۵۵. بنابر نظر شهید اول و شهید ثانی کدام یک از الفاظ زیر دال بر نکاح دائم می تواند باشد؟

(۱) زوجتک؛ انکحتک؛ متعتک

(۲) زوجتک؛ متعتک

(۳) زوجتک؛ انکحتک

(۴) متعتک

۲۵۶. اختلاف نظر شهید اول و اکثر فقها در مورد کدام یک از الفاظ زیر در باب نکاح است؟

(۱) زوجتک

(۲) انکحتک

(۳) متعتک

(۴) زوجتک و انکحتک

احکام ايجاب و قبول

۲۵۷. در باب ايجاب و قبول عقد نکاح کدام یک از گزینه های زیر غلط است؟

(۱) الإيجاب و القبول بلفظ الماضي

(۲) يشترط تقديم الايجاب على القبول إن كان بلفظ القبلت

(۳) أن الايجاب من الرجل لا المرأة

(۴) لا يشترط القبول بلفظ الإيجاب

شرط عربی بودن صیغه نکاح

۲۵۸. در مورد (عربی بودن صیغه عقد نکاح) قول شهید اول چه می باشد؟

(۱) يجوز العقد ايجاباً و قبولاً بغير العربية

(۲) لا يجوز العقد ايجاباً و قبولاً بغير العربية

- (٣) لا يجوز العقد ايجاباً و قبولاً بغير العربية و يجب على العاجز التوكيل إن قدر عليه للاصل
 (٤) يجوز العقد ايجاباً و قبولاً بغير العربية و يجب على العاجز التوكيل إن قدر عليه للاصل

شرايط عاقد

٢٥٩. عَيِّن الصحيح؟

- (١) يعتبر في العاقد الكمال، فالسكران باطل عقده ولو اجاز بعده
 (٢) يعتبر في العاقد الكمال؛ فالسكران باطل عقده إلا اجاز بعده
 (٣) لا يعتبر في العاقد الكمال؛ فالسكران صح عقده.
 (٤) يعتبر في العاقد الكمال؛ فالسكران صح عقده.

حكم تولي المرأة

٢٦٠. در باب: «تولي العقد» گزینه صحیح کدام است؟

- (١) لا يجوز تولي المرأة العقد عنها و عن غيرها
 (٢) لا يجوز تولي المرأة العقد عنها لاعن غيرها
 (٣) يجوز تولي المرأة العقد مطلقاً
 (٤) يجوز تولي المرأة العقد عنها لاعن غيرها

حضور شاهد در وقت عقد

٢٦١. در باب: «الشاهدان» گزینه صحیح کدام است؟

- (١) يشترط الشاهدان في النكاح الدائم مطلقاً
 (٢) يشترط الشاهدان في النكاح الدائم للصغيرة خاصة
 (٣) لا يشترط الشاهدان في النكاح الدائم مطلقاً
 (٤) يشترط الشاهدان في النكاح الدائم للرشيده خاصة

شرط تعیین زوج و زوجه

۲۶۲. لو كان له بنات و زوجه واحدة ولم يُسمَّها فإن ابهم ولم يعين شيئاً في نفسه وإن عين في نفسه من غير أن يُسميها لفظاً فاختلفا في المعقود عليها حلف (به ترتیب جاهای خالی با کدام عبارت تکمیل می شود؟)

- (۱) صَحَّ؛ الزوج مطلقاً
(۲) بطل؛ الاب مطلقاً
(۳) بطل؛ الاب اذا كان الزوج رآهن
(۴) صَحَّ؛ الاب مطلقاً

ولایت پدر و جد پدری

۲۶۳. پدر و جد پدری بر کدامیک از موارد زیر ولایت ندارند؟

- (۱) علی الصغیرة (۲) علی المجنون (۳) علی البکر البالغة الرشیدة (۴) البالغة سفیهة

موارد ولایت داشتن حاکم

۲۶۴. حاکم بر کدامیک از گزینه های زیر، ولایت ندارد؟

- (۱) مَنْ بلغ فاسد العقل
(۲) مَنْ بلغ سفیهة
(۳) مَنْ بلغ و رشد ثم تجدد له الجنون
(۴) الصغیر

جمع میان دو نظر من باب ولایت پدر و جد پدری

۲۶۵. دو عبارت: «لا ولاية القربة على البكر البالغة الرشيدة» و «ما ورد من الاخبار الدالة على أنها لا تتزوج إلا بإذن الولي» چگونه قابل جمع هستند؟

- (۱) هر دو عبارت تعارض کرده و تساقط رخ می دهد.
(۲) روایت دوم را حمل بر کراهت می کنیم و جمع بین دو عبارت می کنیم.
(۳) روایت دوم را ضعیف دانسته و به عبارت اول عمل می کنیم.
(۴) عبارت اول را حمل بر نکاح دائم و عبارت دوم را حمل بر نکاح موقت می کنیم.

عدم اجازه ولی بر ازدواج

۲۶۶. حکم «عضل دختر توسط ولی» چه می باشد؟

- (۱) به طور کلی جایز است که ولی دختر را از ازدواج عضل کند.
- (۲) فقط در نکاح متعه جایز است که ولی، دختر را عضل کند.
- (۳) ولی اگر پسر هم‌شأن و دین دختر نباشد، حق دارد دختر را عضل کند.
- (۴) به طور کلی جایز نیست که ولی دختر را از ازدواج عضل کند.

محدوده ولایت حاکم و وصی

۲۶۷. در عبارت: «والحاکم والوصی لا ولاية لهما علی الصغير مطلقاً و فی ثبوت ولاية الوصي علی الصغيرین مع المصلحة مطلقاً» مراد از ضمیر (هما) و الفاظ «مطلقاً» چه می باشد؟

- (۱) پدر و جد پدری؛ تصریح در عقد شده باشد یا نشده باشد؛ به مصلحت باشد یا نباشد.
- (۲) پدر و جد پدری؛ به مصلحت باشد یا نباشد؛ تصریح در عقد شده باشد یا نشده باشد.
- (۳) حاکم و وصی؛ به مصلحت باشد یا نباشد؛ تصریح در عقد شده باشد یا نشده باشد.
- (۴) حاکم و وصی؛ تصریح در عقد شده باشد یا نشده باشد؛ به مصلحت باشد یا نباشد.

۲۶۸. «وصی» بر کدام یک از گزینه های زیر ولایت ندارد؟

- (۱) بلغ فاسد العقل
- (۲) بلغ سفيهاً
- (۳) علی الصغير خاصةً
- (۴) علی الصغير و علی من بلغ و رشد ثم تجدد له الجنون

شرط خیار در مهر و عقد

۲۶۹. حکم شرط خیار در «صداق و عقد» به ترتیب چه می باشد؟

- (۱) لایجوز؛ لایجوز
- (۲) یصح؛ لایجوز
- (۳) لایجوز؛ یصح
- (۴) یصح؛ یصح

۲۷۰. اشتراط الخيار في العقد

- | | |
|---------------------------|---------------------------|
| (۱) بطل الشرط و يصح العقد | (۲) يصح الشرط و العقد |
| (۳) بطل الشرط و العقد | (۴) يصح الشرط و بطل العقد |

حكم فسخ مهرالمسمى

۲۷۱. إن فسخَ المهر ذوالخيار

- | | |
|------------------------------|--------------------------------|
| (۱) ثبت مهرالمثل مع الدخول | (۲) ثبت مهرالمثل مع عدم الدخول |
| (۳) ثبت مهر المتعه مع الدخول | (۴) لاشي له |

حكم توكيل اجراي صيغه نكاح

۲۷۲. عين الصحيح؟

- (۱) لا يصح توكيل كل من الزوجين في النكاح
- (۲) يصح توكيل من الزوج في النكاح لا الزوجة
- (۳) يصح توكيل كل من الزوجين في النكاح
- (۴) يصح توكيل من الزوجة في النكاح لا الزوج

حكم تزويج وكيل، زن را برای خود

۲۷۳. عَيِّن الصحيح؟

- (۱) لا يزوجه الوكيل من نفسه إلا اذا اذنت فيه عموماً و اطلاقاً
- (۲) لا يزوجه الوكيل من نفسه إلا اذا اذنت فيه عموماً أو خصوصاً
- (۳) يصح يزوجه الوكيل من نفسه مطلقاً
- (۴) لا يزوجه الوكيل من نفسه إلا اذا اذنت فيه اطلاقاً لا خصوصاً

۲۷۴. علت عبارت: «لا يزوجه الوكيل من نفسه الا اذا اذنت فيه عموماً او خصوصاً» به ترتيب

کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- ۱) فلان العام ناص علی جزئیاته؛ فلانتفاء المانع مع النص؛ فلان المفهوم من اطلاق الاذن تزويجها من غيره
- ۲) فلانتفاء المانع مع النص؛ فلان المفهوم من اطلاق الاذن تزويجها من غيره؛ فلان العام ناص علی جزئیاته
- ۳) فلان المفهوم من اطلاق الاذن تزويجها من غيره؛ فلانتفاء المانع مع النص؛ فلان العام ناص علی جزئیاته
- ۴) فلان المفهوم من اطلاق الاذن تزويجها من غيره؛ فلان العام ناص علی جزئیاته؛ فلانتفاء المانع مع النص

حکم ازدواج در آوردن دختر صغیره به کمتر از مهرالمثل و زوج معیب

۲۷۵. در باب به ازدواج در آوردن دختر یا پسر توسط ولی و وکیل، کدامیک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- ۱) لَا يُزَوِّجُ الْوَلِيُّ وَلَا الْوَكِيلُ بَدُونِ مَهْرِ الْمَثَلِ أَمَّا تَزْوِيجُهَا بِغَيْرِ الْكَفْوِ، أَوِ الْمَعِيبِ فَلَا إِشْكَالَ
- ۲) لَا يُزَوِّجُ الْوَلِيُّ وَلَا الْوَكِيلُ بَدُونِ مَهْرِ الْمَثَلِ
- ۳) يُزَوِّجُ الْوَلِيُّ وَالْوَكِيلُ بَدُونِ مَهْرِ الْمَثَلِ أَمَّا تَزْوِيجُهَا بِغَيْرِ الْكَفْوِ، أَوِ الْمَعِيبِ فَلَا إِشْكَالَ
- ۴) يُزَوِّجُ الْوَلِيُّ وَلَا الْوَكِيلُ بَدُونِ مَهْرِ الْمَثَلِ

حق فسخ اصل عقد برای زوجة یا زوج

۲۷۶. حکم هر یک از عبارات ذیل به ترتیب کدام گزینه می‌باشد؟

«یزوج الولی و الوکیل بدون مهرالمثل»؛ «تزويجها بغير الكفو او المعيب»

- ۱) فلا شبهة فی ثبوت خيارها فی اصل العقد؛ لو عقد عليها علی وجه المصلحة والمتجه هنا عدم الخيار
- ۲) لو عقد عليها علی وجه المصلحة والمتجه هنا عدم الخيار؛ فلا شبهة فی ثبوت خيارها فی اصل العقد
- ۳) لو عقد عليها خلاف المصلحة تخیرت فی المهر لا اصل العقد؛ لو عقد عليها علی وجه المصلحة والمتجه هنا عدم الخيار
- ۴) فلا شبهة فی ثبوت خيارها فی اصل العقد؛ لو عقد عليها علی وجه المصلحة والمتجه هنا عدم الخيار

نکاح فضولی

۲۷۷. عقد النکاح لو وقع فضولاً من احد الجانبين، أو منهما

- (۱) يبطل من اصله.
- (۲) يقف على الإجازة من المعقود عليه إن لم يكن كاملاً
- (۳) يقف على الإجازة الولي إن لم يكن كاملاً
- (۴) يقف على الإجازة من المعقود عليه إن كان كاملاً ولكن يبطل من اصله

۲۷۸. کدامیک از گزینه‌های زیر دلیل قائلین به بطلان عقد فضولی نمی‌باشد؟

- (۱) ان العقد سبب للاباحة
- (۲) ان رضا المعقود عنه ، او وليه شرط و الشرط متقدم
- (۳) روی محمد بن مسلم انه سال الباقر (ع) عن رجل زوجته امه و هو غائب
- (۴) ان العقود الشرعية تحتاج الى الادلة

ولایت پدر و جدپدری در عرض یکدیگر

۲۷۹. لو زَوَّجَهَا الابوان برجلین

- (۱) واقتربنا في العقد قُدِّم عقد الاب
- (۲) و إن سبق عَقْدُ أَحدهما قُدِّم عقد الجد
- (۳) واقتربنا في العقد قُدِّم عقد الجد
- (۴) و إن سبق عَقْدُ أَحدهما قُدِّم عقد الأب

تزویج دو برادر، خواهر را به دو مرد

۲۸۰. لو زوجها الأخوان برجلین

- (۱) و إن لم يقتربنا فالعقد للسابق إن كانا وکیلین
- (۲) فإن اقتربنا في العقد صَحَّ إن كان كل منهما وکیلاً
- (۳) ولو كانا فضولیین واقتربنا بطلا
- (۴) فإن اقتربنا و إلا یكونا وکیلین بطلا

ولایت نداشتن مادر بر فرزند

۲۸۱. لا ولاية لأُمّ على الولد مطلقاً فلو ادعت الوكالة عن الابن الكامل و انكر (نظر

شهید اول و شهید ثانی به ترتیب چه می باشد؟)

(۱) یلزمها جميع المهر؛ لاشیء على الوكيل مطلقاً

(۲) لاشیء على الوكيل مطلقاً؛ یلزمها جميع المهر

(۳) نصف المهر للزوجة؛ یلزمها جميع المهر

(۴) نصف المهر للزوجة؛ لاشیء على الوكيل مطلقاً

حکم حرمت عمه و خاله

۲۸۲. یَحْرَمُ بالنسب العمة و الخالة فصاعداً، مراد از «فصاعداً» کدام یک از گزینه های زیر

نمی باشد؟

(۱) عمة الاب (۲) عمة الجد (۳) خالة الاب (۴) خالة خالة

حکم رضاع

۲۸۳. عَيِّنَ الصحيح؟

(۱) یحرم بالنسب ما یحرم بالرضاع

(۲) یحرم بالنسب لا یحرم بالرضاع

(۳) لا یحرم بالنسب یحرم بالرضاع

(۴) یحرم بالرضاع ما یحرم بالنسب

شرایط تحریم رضاع

۲۸۴. إنما یحرم الرضاع بشرط

(۱) كونه عن نكاح دواماً لا متعة

(۲) كونه عن نكاح متعة لا دواماً

(۳) كونه عن نكاح دواماً و متعة لاملک یمین

(۴) كونه عن نكاح دواماً و متعة و ملك یمین و شبهة

۲۸۵. کدام یک از گزینه‌های زیر از شرایط حرمت رضاع نمی‌باشد؟

(۱) صدور اللبن عن ذات حمل أو ولد

(۲) اعتبار حياة المرضعة

(۳) يَتِمُّ يوماً و ليلة أو خَمْسَ عَشْرَةَ رَضْعَةً

(۴) أن يكون ولد المرضعة في الحولين

۲۸۶. نظر شهید اول و شهید ثانی در باب «يُنْبِتُ اللَّحْمُ، يَشْتَدُّ الْعَظْمُ» در باب ایجاد حرمت رضاعی چه می‌باشد؟

(۱) شهید اول قائل است که هر دو باید با هم باشند اما شهید ثانی یک مورد را هم کافی می‌داند.

(۲) هر دو معتقد هستند که هر دو مورد باید با هم جمع باشند.

(۳) شهید اول قائل است که یک مورد کفایت می‌کند اما شهید ثانی قائل است که هر دو باید با هم جمع باشند

(۴) هر دو معتقد هستند که یک مورد کفایت می‌کند.

مجموعه تست‌های تألیفی طبقه بندی شده متون فقه مرکز وکلا

حرمت ازدواج پدر مرتضع با دختر صاحب اللبن

۲۸۷. بر «ابوالمرتضع» کدام یک از موارد زیر حرام نمی‌باشد؟

(۱) اولاد صاحب اللبن ولادة و رضاعاً

(۲) اولاد المرضعة رضاعاً

(۳) أبي المَرْتَضِعِ عَلَيْهِ لَوْ أَرْضَعَتْهُ جَدَّتُهُ لِأُمِّهِ

(۴) لَوْ أَرْضَعَتْ الْوَلَدَ بَعْضُ نِسَاءِ جَدِّهِ لِأُمِّهِ بِلَنْبِهِ

چند حکم کلی در رضاع

۲۸۸. کدامیک از گزینه‌های زیر غلط می‌باشد؟

(۱) لا ینکح اخوة المرتضع نسبا فی اخوته رضاعا

(۲) لو لحق الرضاع العقد حرم كالسابق

(۳) اذا كملت الشرائط المعتبرة في التحريم صارت المرضعة أمًا و الفحل ابا

(۴) لو ارضعت المرأة جماعة بلبن فحلين لم يحرم بعضهم على بعض

تعريف مصاهرة

۲۸۹. عبارت: «هي علاقة تَحَدُّثُ بَيْنَ الزَّوْجَيْنِ، وَ أَقْرَبَاءِ كُلِّ مِنْهُمَا بِسَبَبِ النِّكَاحِ تُوجِبُ الْحَرَمَةَ» بیانگر کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

(۲) مصاهرة

(۱) نِكَاحُ الشَّغَارِ

(۴) الكفاءة

(۳) مَلَاعَنَةُ

زنانی که ازدواج آنان عینا حرام است

۲۹۰. کدامیک از موارد زیر مطلقاً بر مرد حرام نمی‌باشد؟

(۲) أُمُّ المَوْطُوءَةِ و أُمُّ المَعْقُودِ عَلَيْهَا

(۱) زَوْجَةُ كُلِّ مِنَ الْأَبِ فَصَاعِدًا

(۴) ابْنَةُ المَعْقُودِ عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ دُخُولِ

(۳) زَوْجَةُ الْإِبْنِ عَلَى الْإِبْنِ

۲۹۱. کدامیک از موارد زیر به دلیل «عیناً» بر فرد حرام است نه «جمعاً»؟

(۲) الْعَمَّةُ وَ الْخَالَهُ وَ ابْنَةُ أَخِيهَا أَوْ أُخْتِهَا

(۱) الْأَخْتُ لِلزَّوْجَةِ

(۴) زَوْجَةُ الْإِبْنِ

(۳) الْأُمُّ وَ ابْنَتُهَا

حکم وطی شبهه و زنا

۲۹۲. کدامیک از موارد زیر در «حکم و احکام صحیح مصاهرة» نمی‌باشد؟

(۲) الزَّنا اللاحق على العقد

(۱) وطیء الشبهة

(۴) لو تاخر الوطء فيهما عن العقد لم تحرم المَعْقُودِ عَلَيْهَا

(۳) الزنا السابق على العقد

احکام کلی مصاهرة

۲۹۳. کدام یک از موارد زیر در صورت: «إِنْ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا» موجب حرمت نمی باشد؟

- (۱) أُمُّ الْمَعْقُودِ عَلَيْهَا
(۲) ابْنَةُ الْمَعْقُودِ عَلَيْهَا
(۳) زَوْجَةُ الْإِبْنِ
(۴) زَوْجَةُ كُلِّ مَنْ الْأَبِ

زنانی که نکاح آنها جمعا حرام است

۲۹۴. کدام یک از گزینه های زیر جایز می باشد؟

- (۱) لو تزوج الأم و ابنتها في عقد واحد
(۲) لو جمع بين الأختين
(۳) لو جمع بين خمس في عقد
(۴) لو جمع بين الأختين في الملك

ازدواج با زنی که در عده دیگری است

۲۹۵. مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً فِي عِدَّتِهَا

- (۱) بَائِنَةٌ كَانَتْ بَطَلَ الْعَقْدُ وَ حَرُمَتْ عَلَيْهِ أَبَدًا مُطْلَقًا
(۲) رَجْعِيَّةٌ كَانَتْ بَطَلَ الْعَقْدُ وَ حَرُمَتْ عَلَيْهِ أَبَدًا مُطْلَقًا
(۳) بَائِنَةٌ كَانَتْ أَوْ رَجْعِيَّةٌ بَطَلَ الْعَقْدُ وَ حَرُمَتْ عَلَيْهِ أَبَدًا مُطْلَقًا
(۴) بَائِنَةٌ كَانَتْ أَوْ رَجْعِيَّةٌ بَطَلَ الْعَقْدُ وَ حَرُمَتْ عَلَيْهِ أَبَدًا إِذَا عَالِمًا بِالْعِدَّةِ وَ التَّحْرِيمِ

۲۹۶. در کدام یک از گزینه های زیر: «حَرُمَتْ عَلَيْهِ أَبَدًا» صدق نمی کند؟

- (۱) من تزوج امرأة في عدتها بائنة عالماً بالعدة و التحريم
(۲) من تزوج امرأة في عدتها رجعية عالماً بالعدة و التحريم
(۳) من تزوج امرأة في عدتها و إن جهل احدهما مع الدخول
(۴) من تزوج امرأة في عدتها و إن جهلها مطلقاً

زنا با زن شوهردار یا زن معتدة

۲۹۷. کدام یک از گزینه‌های زیر در باب: «زنا» صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) لَا تَحْرُمُ الْمَزْنِي بِهَا عَلَى الزَّانِي إِلَّا أَنْ تَكُونَ ذَاتَ بَعْلٍ دَوَاماً وَ مُتَعَةً
- (۲) لَا تَحْرُمُ الزَّانِيَةَ عَلَى الزَّانِي وَلَا عَلَى غَيْرِهِ
- (۳) وَلَوْ زَنَّتْ امْرَأَتُهُ لَمْ تَحْرُمْ عَلَيْهِ إِلَّا إِنْ أَصْرَتْ عَلَى الزَّانِي
- (۴) لَا تَحْرُمُ الْمَزْنِي بِهَا عَلَى الزَّانِي إِلَّا الْمُعْتَدَّةُ رَجْعِيَّةً

حرمت ازدواج در اثر لواط

۲۹۸. مَنْ أَوْقَبَ غُلَامًا، أَوْ رَجُلًا حَرُمَتْ عَلَى الْمَوْقَبِ (عَيْنُ الْخَطَأِ)؟

- (۱) أم الموطوء
- (۲) اخت الموطوء
- (۳) بنت الموطوء
- (۴) بنات الأخت

احکام لواط

۲۹۹. در باب: «أَوْقَبَ» کدام یک از گزینه‌های زیر غلط می‌باشد؟

- (۱) مَنْ أَوْقَبَ غُلَامًا أَوْ رَجُلًا إِنْ يَجِبُ الْغَسْلُ حَرُمَتْ عَلَى الْمَوْقَبِ أُمُّ الْمَوْطُوءِ
- (۲) لَا فَرْقَ فِي الْمَفْعُولِ بَيْنَ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ
- (۳) لَوْ سَبَقَ الْعَقْدُ عَلَى الْفِعْلِ لَمْ يَحْرَمْ لِلْأَصْلِ
- (۴) لَا يَحْرَمْ عَلَى الْمَفْعُولِ بِسَبَبِهِ شَيْءٌ عِنْدَنَا لِلْأَصْلِ

عقد در حالت احرام

۳۰۰. لَوْ عَقَدَ الْمُحْرِمُ

- (۱) بِفَرْضٍ أَوْ نَفْلٍ عَالِماً بِالتَّحْرِيمِ حَرُمَتْ أَيْدًا بِالْعَقْدِ إِنْ دَخَلَ بِهَا
- (۲) بِفَرْضٍ أَوْ نَفْلٍ جَاهِلًا بِالتَّحْرِيمِ حَرُمَتْ أَيْدًا بِالْعَقْدِ إِنْ دَخَلَ بِهَا

(۳) بفرض لانفل عالماً بالتحريم حرمت ابداً بالعقد و إن لم يدخل بها

(۴) بفرض أو نفل جاهلاً بالتحريم لم تحرم و إن دخل بها

۳۰۱. در باب «تعدد زوجات» گزینه غلط کدام است؟

(۱) لایجوز للحر أن یجمع زیادة علی أربع حرائر فی الدوام

(۲) اذا طلق ذوالنصاب بائناً لم یجز له التزویج دائماً حتی تخرج المطلقة من العدة

(۳) اذا طلق رجعیاً لایجوز له تزویج الاخت دائماً و متعة

(۴) لاتحل الحرة علی المطلق ثلاثاً إلا بالمحلل

حکم سه طلاقه و نه طلاقه کردن زن

۳۰۲. در مورد «زن سه طلاقه و نه طلاقه» مراد از طلاق چه می باشد؟

(۱) طلاق عدی؛ طلاق عدی (۲) طلاق بائن؛ طلاق عدی

(۳) طلاق سنی؛ طلاق عدی (۴) همه موارد

۳۰۳. زنی که نه بار طلاق داده می شود بر اثر کدام نوع طلاق بر مرد حرام ابدی می شود؟

(۱) طلاق بائن (۲) طلاق رجعی (۳) طلاق سنی (۴) طلاق عدی

شرایط حرام ابدی شدن زن کر و لال

۳۰۴. «تحريم الصماء و الخرساء» با چه شرایطی زن کر و لال بر مرد حرام ابدی می شود؟

(۱) دعوی المشاهدة و اقام بینة و لعان (۲) لم یدع المشاهدة و اقام بینة و لعان

(۳) دعوی المشاهدة و عدم البينة (۴) لم یدع المشاهدة و عدم البينة

حکم ازدواج مرد مسلمان با زن کافر

۳۰۵. عین الخطأ؟

- (۱) تحرم الكافرة غير الكتابية على المسلم
- (۲) تحرم الكتابية عليه دوماً لامتنعه
- (۳) يمنع من نكاح الكتابية استدامة لا ابتداء
- (۴) لو أسلم زوج الكتابية فالنكاح بحاله

احكام ارتداد زوجين مسلمان

۳۰۶. در باب: «ارتد احد الزوجين» گزينه صحيح کدام است؟

- (۱) لو ارتد أحد الزوجين عن الإسلام قبل الدخول إن كان الارتداد من الزوج وقف النفساخ النكاح على انقضاء العدة
- (۲) لو ارتد أحد الزوجين عن الإسلام بعد الدخول إن كان الارتداد من الزوج بطل النكاح و يجب على الزوج نصف المهر
- (۳) لو ارتد أحد الزوجين عن الإسلام قبل الدخول إن كان الارتداد من الزوجة بطل النكاح و يجب على الزوج نصف المهر
- (۴) لو ارتد أحد الزوجين عن الإسلام بعد الدخول إن كان الارتداد من الزوج و فطريا بانث الزوجة في الحال

سوالات تألیفی باب النکاح

۳۰۷. در کدام یک از حالات زیر مرد بلافاصله از زن جدا می شود و در حکم مرده است؟

- (۱) لو ارتد أحد الزوجين عن الإسلام بعد الدخول إن كان الارتداد من الزوج غير فطرة
- (۲) لو ارتد أحد الزوجين عن الإسلام بعد الدخول إن كان الارتداد من الزوج فطرة
- (۳) لو ارتد أحد الزوجين عن الإسلام قبل الدخول إن كان الارتداد من الزوج بطل النكاح و يجب على الزوج نصف المهر
- (۴) لو ارتد أحد الزوجين عن الإسلام قبل الدخول إن كان الارتداد من الزوج بطل النكاح فلا مهر لها

اسلام آوردن زن و شوهر کافر

۳۰۸. عین الخطأ؟

- (۱) لو أسلم زوج الكتابية فالنكاح بحاله قبل الدخول لابعده

- (۲) لَوْ أَسْلَمَتْ بَعْدَ الدَّخُولِ وَقَفَ الْفَسْخُ عَلَى انْقِضَاءِ الْعِدَّةِ
 (۳) لَوْ أَسْلَمَتْ قَبْلَ الدَّخُولِ بَطُلَ الْعَقْدُ وَلَا مَهْرَ لَهَا
 (۴) لَوْ أَسْلَمَ أَحَدُ الزَّوْجَيْنِ الْوُثْنَيْنِ قَبْلَ الدَّخُولِ بَطُلَ النِّكَاحُ مُطْلَقاً

همتا بودن زن و شوهر

۳۰۹. الكفاءة وهي

- (۱) تساوی الزوجین فی الإسلام
 (۲) تساوی الزوجین فی الإسلام و الإيمان إلا أن يكون المؤمن هو الزوج
 (۳) تساوی الزوجین فی الإسلام و الإيمان و يسار الزوج بالنفقة
 (۴) تساوی الزوجین فی الإيمان

شرط نبودن قدرت بر نفقه در صحت نکاح

۳۱۰. آیا قدرت بر پرداخت نفقه، شرط صحت عقد نکاح است؟

- (۱) ليس التمكن من النفقة قوة شرطاً في صحة العقد خاصةً
 (۲) ليس التمكن من النفقة بالفعل شرطاً في صحة العقد خاصةً
 (۳) التمكن من النفقة شرط في صحة النكاح
 (۴) التمكن من النفقة هو شرط في وجوب الاجابة

خواستگاری کردن از زن شوهردار و یا زن در حال عده رجعی

۳۱۱. کدام یک از گزینه‌های زیر در باب: «تعريض» صحیح نیست؟

- (۱) لا يجوز التعريض بالعقد لذات البعل و لاللمعتدة رجعية
 (۲) يحرم التعريض للمطلقة تسعاً للعدة من الزوج و من غيره
 (۳) يحرم التصريح في العدة من غيره
 (۴) يجوز في الْمُعْتَدَةِ بئناً التعريض من الزوج و غيره

خواستگاری کردن از زنی که به دیگری جواب مثبت داده است

۳۱۲. کدامیک از گزینه‌های زیر مطابق نظر شهید اول و شهید ثانی در مورد خواستگاری از زنی که به دیگری جواب مثبت داده است، غلط می‌باشد؟

- (۱) تحرم الخطبة بعد اجابة الغير منها او من وكيلها
- (۲) لو خالف و خطب و عقد بطل و فعل محرما
- (۳) تكره الخطبة بعد اجابة الغير من غير تحریم و هو الاقوى
- (۴) تكره الخطبة لا تحرم لاصالة الاباحة

نکاح شغار

۳۱۳. عبارت: «هُوَ أَنْ يَزَوِّجَ مِنَ الْوَلِيِّينَ الْآخَرَ عَلَى أَنْ يَكُونَ بَضْعُ كُلِّ مَهْرًا لِلْآخَرِ» بیانگر کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) مصاهرة
- (۲) نکاح الشغار
- (۳) عَنَت
- (۴) تفویض البضع

احکام نکاح متعه

۳۱۴. کدامیک از احکام ذیل در باب «نکاح متعه» غلط است؟

- (۱) ذکر الاجل المضبوط المحروس عن الزيادة و النقصان
- (۲) ذکر المهر المضبوط
- (۳) لا تنحصر في عدد و نصاب و مِنْ أَنَّهَا تصح بالكتابية استدلالاً لا ابتداءً
- (۴) لا تقدير في المهر قلة و كثرة

حکم مهر در صورت بخشش مدت

۳۱۵. ولو وهبها المدة قبل الدخول ولو هبة بعض المدة بعد الدخول ولو

كانت الهبة بعد الدخول للجميع «به ترتیب جاهای خالی با کدام یک از احکام ذیل کامل می شود؟»

- (۱) فعليه نصف المهر المثل؛ فعليه نصف المسمى؛ لاشي عليه
- (۲) لاشي عليه؛ فعليه نصف المسمى؛ فعليه نصف المهر المثل
- (۳) فعليه نصف المسمى؛ فعليه جميع المسمى؛ لم يسقط منه شيء
- (۴) فعليه جميع المسمى؛ لم يسقط منه شيء؛ فعليه نصف المسمى

اخلال به مدت متعه از جانب زن

۳۱۶. لو اخلت بشيء من المدة

- (۱) اختياراً أو عذراً لم يسقط بإعتباره شيء
- (۲) اختياراً قبل الدخول لابعده قاضها من المهر بنسبة ما اخلت به من المدة
- (۳) عذراً قبل الدخول لابعده لم يسقط بإعتباره شيء
- (۴) اختياراً قبل الدخول، و بعده قاضها من المهر بنسبة ما اخلت به من المدة

عدم ذکر مدت در عقد متعه

۳۱۷. لو اخل بالاجل في متن العقد نظر شهید اول و قول اقوی به ترتیب چه می باشد؟

- (۱) إن العقد وقع بلفظ التزويج والنكاح انقلب دائماً أو بلفظ التمتع بطل؛ إن ترك الاجل إن كان جهلاً منهما، أو من أحدها بطل وإن كان عمداً انقلب دائماً
- (۲) إن ترك الاجل إن كان جهلاً منهما، أو من أحد هما بطل وإن كان عمداً انقلب دائماً؛ إن العقد وقع بلفظ التزويج والنكاح انقلب دائماً
- (۳) انقلب دائماً؛ البطلان مطلقاً
- (۴) انقلب دائماً؛ انقلب دائماً

کشف بطلان عقد بعد از نزدیکی

۳۱۸. لَوْ تَبَيَّنَ فُسَادُ الْعَقْدِ «عَيْنُ الْخَطَا»؟

(۱) فمهر المثل مع الدخول و جهلها حالة الوطء

(۲) لو دخل و هي عالمة بالفساد لامهر لها

(۳) و قبل الدخول لاشيء لها

(۴) و إن تلف في يدها لا يضمن مطلقاً

حكم طلاق و ايلاء و لعان و ظهار و ارث بری در نکاح متعه

۳۱۹. کدام یک از احکام ذیل در نکاح متعه جاری می شود؟

(۱) لعان (۲) ايلاء (۳) طلاق (۴) ظهار

۳۲۰. در باب «نکاح متعه» کدام یک از گزینه های زیر غلط است؟

(۱) لا يجوز العزل عنها (۲) لا توارث بينهما إلا مع شرطه

(۳) لا لعان إلا في القذف بالزنى (۴) لا ايلاء

عده در نکاح متعه

۳۲۱. عِدَّةُ «لَوِاسْتَرَابَتْ بِأَنْ لَمْ تَحِضْ وَ هِيَ فِي سِنٍّ مِنْ تَحِيضٍ» در نکاح متعه چه مقدار است؟

(۱) حیضتان (۲) أَبَعْدِ الْأَجَلَيْنِ (۳) خمسة و أربعون يوماً (۴) ثلاثة أشهر

احکام مهر در نکاح متعه

۳۲۲. در باب: «مهر» کدام یک از گزینه های زیر غلط است؟

(۱) كُلُّ مَا يَصْلَحُ أَنْ يُمْلَكَ وَ إِنْ قَلَّ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ مَتَمُولاً عَيْناً كَانْ أَوْ مَنْفَعَةً

(۲) لو عقد الذميان على ما لا يملك في شرعنا صح

(۳) يكره أن يتجاوز مهر السنة و هو خمسمائة درهم

(۴) لا يكفي في المهر المشاهدة عن اعتباره بالكيل، أو الوزن، أو العدد

نكاح مفوض البضع و احكام آن

۳۲۳. «يصح العقد الدائم من غير ذكر المهر» و هو المعبر عنه

(۱) بتفويض المهر (۲) بتفويض البضع (۳) بالمتعة (۴) بالمسمى

۳۲۴. «يصح العقد الدائم من غير ذكر المهر فإن دخل بها».

(۱) فمهر المسمى (۲) فمهر المتعة
(۳) فمهر المثل (۴) لاشي عليه

موارد مهر المتعة

۳۲۵. در کدام یک از گزینه های زیر «مهر المتعه» ثابت نمی باشد؟

(۱) إن طلق قبل الدخول و قبل اتفاقهما على فرض مهر

(۲) من فرض لها مهر فاسد و قبل الدخول

(۳) من فسخت في المهر قبل الدخول

(۴) لو مات أحد الزوجين قبل الدخول

مفوض المهر و احكام آن

۳۲۶. در باب: «مفوض المهر» کدام یک از گزینه های زیر غلط است؟

(۱) لو فوضافي العقد تقدير المهر إلى أحدهما صح

(۲) لو طلقها قبل الدخول فنصف ما يحكم به الحاكم

- (۳) لو طَلَّقَهَا بعد الدخول لَزِمَ الحاكم الفَرَضُ
(۴) لَوُتَاتِ الحاكم قبل الدخول وَالْحَكْمُ أَنَّ لَهَا المَتعة و الميراث و المهر

استقرار مهر

۳۲۷. الصداق يَمْلِكُ بِأَجْمَعِهِ لِلزَّوْجَةِ و يَسْتَقِر

- (۱) بالعقد؛ بموتها
(۲) بالقبض؛ بموتها
(۳) بالعقد والقبض؛ بالدخول
(۴) بالقبض؛ برَدَّة الزوج عن فطرة

۳۲۸. کدام یک از گزینه‌های زیر سبب استقرار «مهر» برای زن نمی‌شود؟

- (۱) الدخول (۲) رَدَّة الزوج عن مِلْيَا (۳) موته (۴) موتها

حكم فناء مهر بعد از عقد

۳۲۹. لو نَمَاءَ بعد العقد، كان النماء

- (۱) لَهُ خَاصَّةً
(۲) لَهَا خَاصَّةً
(۳) إِنْ كَانَ مُنْفَصِلًا لَهُ وَ إِنْ كَانَ مُتَصِلًا لَهَا
(۴) إِنْ كَانَ مُنْفَصِلًا لَهَا وَ إِنْ كَانَ مُتَصِلًا لَهُ

موارد رجوع به نصف مهر

۳۳۰. در کدام یک از گزینه‌های زیر مرد مستحق چیزی نمی‌باشد؟

- (۱) لو أُبْرَأَتْهُ مِنَ الصداق ثُمَّ طَلَّقَهَا قبل الدخول
(۲) لو كَانَ عَيْنًا وَ هَبَهَا إِيَّاهَا ثُمَّ طَلَّقَهَا قبل الدخول
(۳) لو خَلَعَهَا بِهِ أَجْمَعَ قبل الدخول
(۴) لو أَصْدَقَهَا تَعْلِيمَ صِنَاعَةٍ ثُمَّ طَلَّقَهَا قبل الدخول

شرط مخالف شرع در ضمن عقد نکاح

۳۳۱. لو شرط ما یخالفه

- (۱) لغی الشرط و العقد و المهر
(۲) لغی الشرط و العقد و صَحَّ المهر
(۳) لغی المهر خاصّةً
(۴) لغی الشرط و صَحَّ العقد و المهر

مثال برای شرط جایز و غیر جایز

۳۳۲. حکم هر یک از شرط های: «اشترای ان لا یتزوج علیها»؛ «لو شرط ابقاءها فی بلدها»؛
«لو شرط ابقاءها فی منزلها» به ترتیب چه می باشد؟

- (۱) لغی الشرط؛ لغی الشرط؛ لغی الشرط
(۲) صح الشرط؛ صح الشرط؛ صح الشرط
(۳) لغی الشرط؛ صح الشرط؛ صح الشرط
(۴) صح الشرط؛ لغی الشرط؛ لغی الشرط

حق امتناع زوجه از نزدیکی کردن

۳۳۳. آیا زن حق امتناع از تمکین نسبت به شوهر را دارد؟

- (۱) للزوجة الامتناع قبل الدخول أو بعد الدخول حتی تقبض مهرها
(۲) للزوجة الامتناع قبل الدخول حتی تقبض مهرها إن کان المهر حالاً أو موجلاً
(۳) إذا کان معسراً لیس لها الامتناع
(۴) للزوجة الامتناع قبل الدخول حتی تقبض مهرها إن کان المهر حالاً موسراً أم معسراً عیناً کان المهر أم منفعة

۳۳۴. در کدام یک از حالات زیر، زن حق امتناع از نزدیکی به مرد را ندارد؟

- (۱) إن کان الزوج معسراً
(۲) إن کان المهر موجلاً
(۳) إن کان قبل الدخول
(۴) إن کان المهر عیناً

۳۳۵. عین الخطاء؟

- (۱) للزوجة الامتناع قبل الدخول حتى تقبض مهرها ان كان المهر حالا، موسرا كان الزوج ام معسرا
- (۲) للزوجة الامتناع قبل الدخول حتى تقبض مهرها ان كان المهر حالا، عينا كان المهر ام منفعة
- (۳) للزوجة الامتناع بعد الدخول حتى تقبض مهرها ان كان المهر حالا
- (۴) للزوجة الامتناع بعد الدخول لو دخل بها كرها

احكام عيوب الرجل والمرأة

۳۳۶. کدام یک از عیب‌های زیر هم قبل و هم بعد از عقد به زن حق فسخ را می‌دهد؟

- (۱) جَبَّ (۲) عَنَنْ (۳) جنون (۴) جذام

۳۳۷. عبارت: «هو مرض يَعْجِزُ معه عن الإيلاج» بیانگر کدام یک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) جذام (۲) عَنَنْ (۳) جَبَّ (۴) جنون

۳۳۸. عبارت: «بَعْدَ رَفْعِ أَمْرِهَا إِلَى الْحَاكِمِ وَإِنْظَارِهِ سَنَةً» در احکام کدام یک از عیوب ذیل است؟

- (۱) عَنَنْ (۲) جَبَّ (۳) جذام (۴) جنون

۳۳۹. کدام یک از احکام زیر در باب: «عیوب» غلط است؟

- (۱) خيار العيب مع علمه على الفور (۲) لا يشترط فيه الحاكم
(۳) ليس الفسخ بطلاق (۴) لا خيار للزوج لو تجددت هذه العيوب قبل العقد

۳۴۰. وحيث يثبت العيب و يحصل الفسخ

- (۱) إن كان الفسخ قبل الدخول أو بعد الدخول لامهر للزوجة
- (۲) إن كان الفسخ بعد الدخول لامهر للزوجة وإن كان الفسخ قبل الدخول فالمسمى
- (۳) لامهر للزوجة إن كان الفسخ قبل الدخول في جميع العيوب وإن كان الفسخ بعد الدخول فالمسمى
- (۴) لامهر للزوجة إن كان الفسخ قبل الدخول إلا في العنة فنصفه وإن كان الفسخ بعد الدخول فالمسمى

تدلیس

۳۴۱. عبارت: «دعوی صفة کمال مع عدمها» بیانگر کدام یک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) قَسَم (۲) نشوز (۳) شقاق (۴) تدلیس

نمونه ای از تدلیس

۳۴۲. لو شرطها بکرا فظهرت ثیبا..... «عین الصحیح»؟

(۱) فله الفسخ مطلقا

(۲) فله الفسخ اذا ثبت سبقه علی العقد و ان فسخ قبل الدخول فیجب لها المسمى

(۳) فله الفسخ اذا ثبت سبقه علی العقد و ان فسخ قبل الدخول فلا مهر

(۴) یصح العقد و ان فسخ قبل الدخول فلا مهر

تعریف نشوز

۳۴۳. عبارت: «و هو ارتفاع احد الزوجین عن طاعة الآخر» بیانگر کدام یک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) شقاق (۲) قَسَم (با فتحه) (۳) نشوز (۴) قَسَم (با کسره)

تعریف شقاق

۳۴۴. عبارت: «و هو خروج کل منهما عن طاعته» بیانگر کدام یک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) قَسَم (با فتحه) (۲) نشوز (۳) شقاق (۴) تدلیس

احکام قسم

۳۴۵. کدام یک از احکام قَسَم صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) يجب للزوجة الواحدة ليلة من أربع
- (۲) لا فرق بين الخصى والعنين وغيرهم
- (۳) يختص الوجوب بالليل الا في نحو الحارس فتنعكس
- (۴) الواجب في المبيت الواقعة لا المضاجعة

۳۴۶. «قسم» برای کدام یک از گزینه‌های زیر نمی‌باشد؟

- (۱) مریضة؛ صغيرة التي لم تبلغ التسع
- (۲) مریضة؛ للمجنونة المطبقة اذا خاف اذاها
- (۳) للصغيرة التي لم تبلغ التسع؛ للمجنونة المطبقة اذا خاف اذاها
- (۴) حائض و نفساء؛ مریضة

احكام نشوز زن

۳۴۷. فاذا ظهرت امارته للزوج بتقطيعها في وجهه والتبرم بحوائجه و..... «به ترتيب مرد بايد چه کاری نسبت به زن انجام بدهد؟

- (۱) حول ظهره اليها في المضجع، اعتزلها، عظمها، له ضربها مقتصرًا على ما يؤمل به رجوعها
- (۲) اعتزلها، حول ظهره اليها في المضجع، عظمها، له ضربها مقتصرًا على ما يؤمل به رجوعها
- (۳) له ضربها مقتصرًا على ما يؤمل به رجوعها، حول ظهره اليها في المضجع
- (۴) عظمها، حول ظهره اليها في المضجع، اعتزلها، له ضربها مقتصرًا على ما يؤمل به رجوعها

احكام شقاق

۳۴۸. در باب «شقاق» کدام یک از گزینه‌های زیر غلط است؟

- (۱) فيبيعت الحاكم الحكمين من أهل الزوجين لا غيرهما
- (۲) بَعَثَهُمَا يَكُونُ تَحْكِيمًا لَا تَوْكِيلًا
- (۳) إِنِ اتَّفَقَا عَلَى التَّفْرِيقِ لَمْ يَصِحْ
- (۴) فَإِنْ اتَّفَقَا عَلَى الإِصْلَاحِ بَيْنَهُمَا فَعَلَاهُ

شرایط دو داور در شقاق

۳۴۹. کدام یک از شرایط زیر در دو داور در بحث شقاق لازم نمی باشد؟

- (۱) بلوغ (۲) العدالة (۳) الحرية (۴) الاجتهاد

احکام فرزند زن دائم

۳۵۰. و يلحق الولد بالزوج الدائم

- (۱) بالدخول بالزوجة و مضي ستة أشهر من حين الوطء خاصّة
(۲) بالدخول بالزوجة خاصّة
(۳) بالدخول بالزوجة و مضي ستة أشهر من حين الوطء و عدم تجاوز أقصى الحمل
(۴) مضي ستة أشهر من حين الوطء و عدم تجاوز أقصى الحمل خاصّة

۳۵۱. و يلحق الولد بالزوج الدائم بالدخول و مضي ستة أشهر من حين الوطء، مراد از «وطء» چه می باشد؟

- (۱) غيبوبة الحشفة قبلاً لا دبراً و إن لم يُنزل
(۲) غيبوبة الحشفة دبراً لا قبلاً و إن لم يُنزل
(۳) غيبوبة الحشفة قبلاً أو دبراً و إن لم يُنزل
(۴) غيبوبة الحشفة قبلاً أو دبراً إن يُنزل

نزدیکی مرد اجنبی با زنی که با شوهرش نزدیکی کرده است

۳۵۲. لو فجر بالزوجة الدائمة

- (۱) الولد للعاهر و للزوج الحجر
(۲) الولد للزوج و للعاهر الحجر
(۳) الولد للزوجة و للعاهر الحجر
(۴) الولد للزوجة و للزوج الحجر

نزاع در وقوع نزدیکی و ولادت طفل

۳۵۳. لو اختلفا في الدخول أو في ولادته ولو اتفقا عليهما و اختلفا في المدة

- (۱) حلف الزوج؛ حلف الزوجة؛ حلف الزوج
(۲) حلف الزوج؛ حلف الزوج؛ حلف الزوج
(۳) حلف الزوج؛ حلف الزوج؛ حلف الزوجة
(۴) حلف الزوجة؛ حلف الزوجة؛ حلف الزوجة

حكم فرزند شبهه

۳۵۴. و ولد الشبهة يلحق

- (۱) بالواطئ بالشروط بالدخول، و مضي ستة أشهر من حين الوطء و عدم تجاوز أقصى الحمل و عدم الزوج الحاضر
(۲) بالمرأة بالشروط بالدخول و مضي ستة أشهر من حين الوطء و عدم تجاوز أقصى الحمل و عدم الزوج الحاضر
(۳) بالواطئ بالشروط بالدخول خاصة
(۴) بالواطئ بالشروط بالدخول و الزوج الحاضر

احكام حضانت

۳۵۵. فَإِنْ فَصَلَ عَنِ الرِّضَاعِ فَلَا مَاحِقَ بِالْأُنْثَى إِلَى

- (۱) تسع سنين (۲) مالم تتزوج الام (۳) سبع فيهما (۴) سبع سنين

۳۵۶. در باب احكام «حضانت» کدام یک از گزینه های زیر غلط است؟

- (۱) فَلَا مَاحِقَ بِلَوْلِدٍ مَدَّةَ الرِّضَاعِ وَإِنْ كَانَ الْوَلَدُ ذَكَرًا
(۲) الْأُمُّ أَحَقُّ مِنَ الْوَصِيِّ؛ فَإِنْ فَقِدَ الْأَبَوَانِ فَالْحِضَانَةُ لِأَبِ الْأَبِ
(۳) فَإِنْ فَقِدَ أَبُو الْأَبِ فَلِلْأَقْرَابِ
(۴) لَوْ تَزَوَّجَتِ الْأُمُّ بغير الاب مع وجوده لم يسقط حضانتها

اسباب ثبوت نفقه

۳۵۷. کدام یک از گزینه‌های زیر از اسباب ثبوت نفقه نمی‌باشد؟

- (۱) الزوجية (۲) الملك (۳) القرابة البعضية (۴) الزوجية المنقطع

موارد عدم وجوب نفقه

۳۵۸. فلا نفقة (عین الخطأ)؟

- (۱) للصغيرة (۲) للناشئة (۳) للأولاد (۴) للساکتة بعد العقد

احکام نفقه

۳۵۹. در باب «نفقه» کدام یک از گزینه‌های زیر غلط است؟

(۱) يجب الإنفاق على الفقير العاجز عن التكسب

(۲) لا يشترط عدالته ولا اسلامه

(۳) لا تقضى نفقة الزوجة والاقارب

(۴) يشترط في المنفق أن يفضل ماله عن قوته وقوت زوجته

۳۶۰. ترتیب انفاق کننده‌ها بر فرزندان به ترتیب چه می‌باشد؟

(۱) الأب؛ أب الأب؛ الأم؛ أبویها (۲) أب الأب؛ الأب؛ الأم؛ أبویها

(۳) الأم؛ الأب؛ الأب الأب؛ أبویها (۴) الأم؛ أبویها؛ الأب؛ الأب الأب

۳۶۱. يَجْبَرُ عَلَى الْإِنْفَاقِ عَلَى الْبَهِيمَةِ الْمَمْلُوكَةِ فَإِنْ أَمْتَنَعَ أُجْبِرَ

(۱) على الإنفاق عليها خاصة

(۲) على الإنفاق عليها أو البيع أو الذبح إن كانت البهيمة مقصودة بالذبح

(۳) البیع خاصّة

(۴) البیع أو الذبح مطلقاً

۳۶۲. در عبارت: «ولا یجب اعفاف واجب النفقة ولا النفقة علی زوجته للأصل» مراد از «أصل»

چه می باشد؟

(۱) اصل اباحه

(۳) اصل احتیاط

(۲) اصل عدم وجوب

(۴) اصل تخییر



سؤالات تاليفي

باب الطلاق



صیغه طلاق

۳۶۳. کدام یک از الفاظ زیر دال بر صیغه «طلاق» است؟

- (۱) انت طالق
(۲) انت من المطلقات
(۳) انت خلیة
(۴) همه موارد

طلاق شخص اُخرس

۳۶۴. بنا بر قول قوی تر طلاق اُخرس به چه صورت واقع می شود؟

- (۱) القاء القناع علی راسها خاصة
(۲) بالاشارة المفهومة له خاصة
(۳) بالاشارة المفهومة له و القاء القناع علی راسها
(۴) بالاشارة المفهومة له او القاء القناع علی راسها

حکم طلاق به وسیله نوشتن

۳۶۵. نظر مشهور و شیخ طوسی درباره واقع ساختن طلاق با «کتب» چه می باشد؟

- (۱) هردو قائلند چه شخص غائب باشد چه حاضر بدون اشکال است.
(۲) مشهور قائل به جواز هستند مطلقاً اما شیخ قائل به عدم جواز است مطلقاً.
(۳) مشهور فقط در صورت عجز را جایز می داند ولی شیخ قائل به جواز است مطلقاً.
(۴) مشهور فقط در صورت عجز را جایز می داند ولی شیخ در مورد غائب را صحیح می داند.

اختیار طلاق دادن به زوجه

۳۶۶. عبارت: «لا بالتخيير للزوجة بين الطلاق و البقاء بقصد الطلاق و ان اختارت نفسها في الحال» در بیان کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) مخیر کردن زن میان ماندن یا طلاق جایز نمی‌باشد، و لو آنکه مرد اختیار کند که زن را طلاق بدهد
- (۲) مخیر کردن زن میان ماندن یا طلاق اگر به قصد طلاق باشد جایز نمی‌باشد، و لو آنکه زن طلاق را اختیار کند
- (۳) مخیر کردن زن میان طلاق و یا ماندن جایز نمی‌باشد، و لو آنکه مرد نیت طلاق کند و حتی اگر زن طلاق را اختیار کند
- (۴) اختیار به زن در طلاق یا ماندن اگر به قصد طلاق باشد و زن سریع طلاق را انتخاب کند، جایز است

۳۶۷. دو عبارت: «ما للناس والخیار إنما هذا شیء خصَّ الله به رسول الله (ص)» و «المخیرة تبیین من ساعتها» در باب مخیر بودن زن در طلاق یا ابقاء چگونه قابل جمع هستند؟

- (۱) هر دو عبارت دال بر عدم اختیار زن در بقاء یا طلاق دارند.
- (۲) عبارت اول دال بر عدم اختیار زن و عبارت دوم دال بر اختیار زن در ابقاء یا طلاق است.
- (۳) عبارت اول دال بر عدم اختیار زن و عبارت دوم اشاره به مخیر بودن زن در غیر از طلاق مانند عیوب و... دارد
- (۴) هر دو عبارت دال بر اختیار زن در بقاء یا طلاق دارند.

مجموعه تست‌های تألیفی طبقه بندی شده متون فقه مرکز وکلا

شرط تنجیز در طلاق

۳۶۸. آیا طلاق را می‌توان معلق بر شرط یا صفت کرد؟

- (۱) لا معلقاً علی شرط أو صفة إلا أن یكون الشرط معلوم الوقوع له حال الصیغة
- (۲) یصح معلقاً علی شرط أو صفة
- (۳) یصح معلقاً علی شرط لا الصفة
- (۴) لا یصح معلقاً علی شرط و یصح معلقاً علی الصفة

۳۶۹. کدام یک از طلاق‌های زیر صحیح است؟

- (۱) انت طالق إن كان قدوم المسافر
(۲) انت طالق إن طلعت الشمس
(۳) انت طالق إن شاء الله
(۴) انت طالق إن كان الطلاق يَقَعُ بِكَ

سه طلاقه کردن زن در یک مجلس

۳۷۰. لو فَسَّرَ الطَّلَاقَ بِأَزِيدَ مِنَ الْوَاحِدَةِ.....

- (۱) صح التفسير و وقع الثلاثة
(۲) لغا التفسير و وقع واحدة
(۳) لغا التفسير و يبطل الجميع
(۴) صح التفسير و وقع واحدة

شرایط طلاق دهنده

۳۷۱. در باب طلاق «صبي» کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) فلا يصح طلاق الصبي إلا إن أذن له الولي
(۲) فلا يصح طلاق الصبي إلا إن بلغ عشرين
(۳) فلا يصح طلاق الصبي وإن أذن له الولي أو بلغ عشرين
(۴) يصح طلاق الصبي مطلقاً

ولایت بر طلاق

۳۷۲. لَا يُطْلَقُ الْوَلِيُّ..... (عَيْنُ الْخَطَأِ)؟

- (۱) السكران
(۲) الصبي
(۳) الْمُغْمَى عَلَيْهِ
(۴) المجنون المطبق

احکام کلی مطلق

۳۷۳. در باب «طلاق» کدام یک از گزینه‌های زیر غلط است؟

- (۱) لا يصح طلاق المجنون المطبق مطلقاً
 (۲) لو بلغ الصبي فاسد العقل طلق عنه الولي
 (۳) لا يطلق الولي عن السكران و شارب المُرقد
 (۴) يطلق الولي مع عدم اتصال جنونه بصغره و مع عدم المصلحة

فهم معنای «مکره»؛ «مکره»

۳۷۴. در عبارت‌های: «لا يقع طلاق المکره» و «لو خيره المکره بين الطلاق و...» حرکت صحیح الفاظ (مکره) چه می‌باشد؟

- (۱) فتحه به معنی اکراه کننده؛ کسره به معنی اکراه شده
 (۲) فتحه به معنی اکراه شده؛ کسره به معنی اکراه کننده
 (۳) کسره به معنی اکراه کننده؛ کسره به معنی اکراه کننده
 (۴) فتحه به معنی اکراه شده؛ فتحه به معنی اکراه شده

مفهوم اکراه

۳۷۵. عبارت: «يتحقق.....بتوعده بما يكون مضرا به في نفسه او من يجري مجراه بحسب حاله مع قدرة المتوعد على فعل ما توعد به والمرجع في ذلك الى.....» با کدامیک از گزینه‌های زیر تکمیل می‌شود؟

- (۱) اکراه؛ شرع
 (۲) اکراه؛ عرف
 (۳) اختیار؛ عرف
 (۴) قصد؛ عرف

شرط قصد در مطلق

۳۷۶. کدامیک از طلاق‌های زیر به دلیل فقدان «قصد» باطل نمی‌باشد؟

- (۱) النائم (۲) الساهي (۳) الغالط (۴) المکره

۳۷۷. در عبارت: «فلا عبرة بعبرة الساهی و النائم و الغالط و الفرق بین الاول و الاخير» مراد از اول و اخير به ترتيب چه می باشد؟

(۲) الساهی؛ الغالط

(۱) الساهی؛ النائم

(۴) الغالط؛ الساهی

(۳) النائم؛ الغالط

توكيل در طلاق

۳۷۸. حكم توكيل زن در طلاق در کداميك از گزینه‌های زیر به درستی بیان شده است؟

(۱) لايجوز توكيل الزوجة في طلاق نفسها و لا غيرها

(۲) يجوز توكيل الزوجة في طلاق نفسها و لا يجوز في غيرها

(۳) يجوز توكيل الزوجة في طلاق نفسها و غيرها كما يجوز توليها غيره من العقود

(۴) يجوز توكيل الزوجة في طلاق نفسها و لايجوز توليها غيره من العقود

فهم حديث

۳۷۹. قول پیامبر اکرم (ص) که می فرمایند: «الطلاق بيد من اخذ الساق» مراد چه کسی است؟

(۴) زن و شوهر

(۳) حاکم

(۲) شوهر

(۱) زن

شروط مطلقة

۳۸۰. و يعتبر في المطلقة الزوجية با قيد «الزوجية» کداميك از گزینه‌های زیر خارج می شود؟

(۴) موارد ۱ و ۳

(۳) الامة

(۲) تَمَتَّعَ

(۱) اجنبية

مصحح طلاق دادن زن در ايام حيض و نفاس

۳۸۱. کداميك از گزینه‌های زیر مصحح طلاق دادن زن در ايام حيض و نفاس نمی باشد؟

(۱) غیرمدخول بها

(۳) زوجها غائب عنها

(۲) حاملاً

(۴) فی طهر جامعها فيه

احکام کلی مطلقه

۳۸۲. در مورد شروط مطلقه کدامیک از گزینه‌های زیر غلط است؟

(۱) تعیین المطلقه لفظاً لا نية

(۲) ان الغائب الذي يمكنه معرفة حالها في حكم الحاضر

(۳) في حكم الغائب من لا يمكنه معرفة حالها لحبس

(۴) لا يقع بالمتمتع بها

اقسام طلاق

۳۸۳. کدامیک از گزینه‌های زیر از اقسام طلاق نمی‌باشد؟

(۱) حرام

(۲) مباح

(۳) مکروه

(۴) مستحب

اقسام طلاق حرام

۳۸۴. کدامیک از طلاق‌های زیر از اقسام طلاق حرام نمی‌باشد؟

(۱) هو طلاق الحائض و كذا النفساء

(۲) هو الطلاق مع التَّيَمُّمِ الْأَخْلَاقِ

(۳) هو الطلاق في طهر جامعها فيه

(۴) و الثلاث من غير رَجْعَةٍ

مراد از مصحح در طلاق حائض و نفساء

۳۸۵. در عبارت: «إما حرام و هو طلاق الحائض، لامع المصحح له» مراد از مصحح چه می‌باشد؟

(۱) عدم الدخول؛ الحمل؛ الغيبة

(۲) دخول؛ الحائض؛ الحضور

(۳) عدم الدخول؛ الحائض؛ الغيبة

(۴) دخول؛ الحمل؛ الحضور

۳۸۶. در عبارت: «إما حرام و في طهر جامعها فيه و هي و و» جاهای خالی را کدام گزینه کامل می‌کند؟

- (۱) غیر صغیره؛ یائسه؛ حامل
(۲) غیر صغیره؛ لایائسه؛ حامل
(۳) غیر صغیره؛ لایائسه؛ لاحامل
(۴) صغیره؛ یائسه؛ حامل

طلاق مکروه

۳۸۷. کدام یک از طلاق‌های زیر مکروه است؟

- (۱) هو الطلاق مع التئام الأخلاق
(۲) هو الطلاق المولي
(۳) هو الطلاق المظاهر
(۴) هو الطلاق مع الشقاق بينهما

افضل طلاق ها

۳۸۸. عبارت: «هو أن يَطلِّقَ على الشرائط؛ ثم يتركها حتى تَخْرُجَ من العدة و يَعْقِدَ عليها ثانياً» بیانگر کدام یک از طلاق‌های زیر است؟

- (۱) طلاق بائن
(۲) طلاق رجعی
(۳) طلاق عدی
(۴) طلاق السنی علی معنی اخص

انواع طلاق سنی بالمعنی الاعم

۳۸۹. و هو الطلاق السني بالمعنی الاعم ثلاثة أقسام، عَيِّن الخطأ؟

- (۱) بائن
(۲) غیر المدخول بها
(۳) رجعی
(۴) عدی

اقسام طلاق بائن

۳۹۰. کدام یک از گزینه‌های زیر از اقسام طلاق بائن نمی‌باشد؟

(۱) اليائسه

(۳) الصغيرة

(۲) المطلقة ثالثة من غير رجعة

(۴) غير المدخول بها

۹۵

(۱)

(۳)

احكام كلى انواع طلاق

۳۹۱. کدام یک از طلاق‌های زیر عده ندارد؟

(۱) بائن

(۳) صغيرة

(۲) يائسه

(۴) گزینه (۲ و ۳)

۶

۱

۳۹۲. والافضل في الطلاق

(۱) بائن

(۳) عدی

(۲) رجعی

(۴) سنت بالمعنى الاخص

۳۹۳. کدام یک از گزینه‌های زیر به ترتیب بیانگر طلاق رجعی و عدی است؟

(۱) هو ما للمطلق فيه الرجعة و يطأ؛ هو أن يطلق على الشرائط ثم يرجع في العدة و يطأ، ثم يطلق في طهر آخر

(۲) هو أن يطلق على الشرائط ثم يرجع في العدة و يطأ، ثم يطلق في طهر آخر؛ هو ما للمطلق فيه الرجعة و يطأ

(۳) هو ما للمطلق فيه الرجعة سواء رجع أو لا؛ هو أن يطلق على الشرائط ثم يرجع في العدة و يطأ، ثم يطلق في طهر آخر

(۴) هو ما للمطلق فيه الرجعة سواء رجع أو لا؛ هو أن يطلق على الشرائط ثم يرجع في العدة ولا يطأ، ثم يطلق في طهر آخر

مجموعه تست‌های تألیفی طبقه بندی شده متون فقه مرکز وکلا

۳۹۴. عبارت: «لا تحرم المطلقة به مؤبداً أبداً» بیانگر کدام یک از طلاق زیر نمی‌باشد؟

(۱) بائن

(۳) عدی

(۲) رجعی

(۴) سنی بالمعنى الاخص

۳۹۵. کدام یک از طلاق‌های زیر نیاز به محلل دارد؟

- (۱) رجعی
(۲) عدی
(۳) سنی بالمعنی الاخص
(۴) همه موارد

طلاق زن حامله

۳۹۶. و يجوز طلاق الحامل أزيد من مرة و يكون

- (۱) طلاق عدة إن وطئ بعد الرجعة ثم طلق؛ و إلا يطأ بعدها فسنة بمعناه الاخص
(۲) طلاق عدة إن وطئ أو لا بعد الرجعة ثم طلق؛ و إن وطئ فسنة بمعناه الاعم
(۳) طلاق عدة إن وطئ بعد الرجعة ثم طلق؛ و لا يطأ بعدها فسنة بمعناه الاعم
(۴) طلاق بالمعنى الاعم إن وطئ و بالمعنى الاخص إن لم يطأ.

احکام طلاق فرد مريض

۳۹۷. و يكره للمريض الطلاق

- (۱) فإن فَعَلَ لم توارثا في العدة الرجعية و البائن
(۲) فإن فَعَلَ توارثا في العدة الرجعية و ترثه هي في البائن إلى سنة مع التهمة أو لا.
(۳) فإن فَعَلَ توارثا في العدة الرجعية ولا ترثه في البائن
(۴) فإن فَعَلَ توارثا في العدة الرجعية و ترثه هي في البائن ما لم تتزوج بغيره و لم يبرأ من مرضه

رجوع از طلاق

۳۹۸. الرجعة تكون

- (۱) بالقول خاصة
(۲) بالفعل خاصة
(۳) بالقول و لا ينبغي تقييده بقصد الرجوع به
(۴) بالقول و بالفعل

عده کسی که به او دخول نشده است

۳۹۹. عده «مَنْ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا» چه مقدار است؟

- (۱) أربعة أشهر و عشرة أيام
(۲) ثلاثة أطهار
(۳) ثلاثة أشهر
(۴) هیچ کدام

عده وفات

۴۰۰. «عده وفات» چه مقدار است؟

- (۱) أربعة أشهر و عشرة أيام
(۲) ثلاثة أطهار
(۳) خمسة و اربعون
(۴) ثلاثة أشهر

عده ذات الاقراء

۴۰۱. «عده ذات الاقراء المستقيمة الحيض مع الدخول» چه مقدار است؟

- (۱) ثلاثة أطهار
(۲) ثلاثة أشهر
(۳) خمسة و اربعون
(۴) أربعة أشهر و عشرة أيام

عده ذات الشهور

۴۰۲. «عده ذات الشهور» چه مقدار است؟

- (۱) ثلاثة أشهر
(۲) ثلاثة أطهار
(۳) خمسة و اربعون
(۴) أربعة أشهر و عشرة أيام

عده زن حامله

۴۰۳. عده الحامل

(۱) وضع الحمل فی غیر الوفاة أو الوفاة

(۲) وضع الحمل فی غیر الوفاة و مع الوفاة بأبعد الأجلین من وضعه

(۳) الاربعة و العشرة الايام

(۴) ثلاثة أطهار

احکام حداد در زنی که شوهرش فوت کرده است

۴۰۴. در باب: «حداد» گزینه صحیح کدام است؟

(۱) یحرم الحداد علی الزوجة المتوفی عنها زوجها

(۲) الحداد هو ترک الزینة من الثیاب و...

(۳) یحرم علیها التنظیف و دخول الحمام

(۴) لاحداد علی غیر الزوج إلا الاب

حکم طلاق زنی که شوهرش مفقود شده است

۴۰۵. در باب شوهری که مفقود شده است، گزینه غلط کدام است؟

(۱) المفقود اذا جهل خبره و كان لزوجته من ینفق علیها تخیر بین الصبر و الطلاق

(۲) المفقود اذا جهل خبره و إن لم یکن له ولی ینفق علیها تخیر بین الصبر و إن رفعت أمرها الی الحاکم

(۳) تعدد بعد الطلاق تعدد عدة الوفاة

(۴) تباح بعد العدة للازدواج فإن جاء المفقود فی العدة فهو أملك بها

نفقه زن در طول مدتی که باید صبر کند

۴۰۶. در باب نفقه زن در طول مدتی که باید برای آمدن شوهرش صبر کند، کدام گزینه

صحیح است؟

(۱) علی الامام ان ینفق علیها من بیت المال طول مدة الغیبة و لو یکن له مال

(۲) علی الامام ان ینفق علیها من یکن له مال و لا من بیت المال مطلقا

(۳) علی الامام ان ینفق علیها من یکن له مال و مقدما علی بیت المال

(۴) لا نفقة لها مطلقا

احکام طلاق

۴۰۷. کدامیک از احکام زیر در باب طلاق غلط است؟

- (۱) يجب الاتفاق على الزوجة في العدة الرجعية مع عدم نشوزها قبل الطلاق و في زمن العدة
- (۲) يحرم عليها الخروج من منزل الطلاق و كما يحرم عليها الخروج يحرم عليه الاخراج الا ان تاتي بفاحشة يجب بها الحد و...
- (۳) لا نفقة للبائن طلاقها مطلقاً
- (۴) تَعْتَدُ زوجة الحاضر من حين السبب و زوجة الغائب في الوفاة من حين بلوغ الخبر بموته و في الطلاق من حين السبب

ترجمه صحیح

۴۰۸. عبارت: «يحرم عليها الخروج من منزل الطلاق و ان كان دون حقها فلهما طلب المناسب»

در کدامیک از گزینه‌های زیر به درستی معنا شده است؟

- (۱) حرام است بر مرد که زن طلاق داده شده را از منزل خارج کند و هر چند حق او باشد.
- (۲) حرام است بر زن که از منزل طلاق داده شده خارج شود و اگر آن منزل مناسب شان او نیست او حق دارد که طلب منزل بهتر کند
- (۳) حرام است بر زن که از منزل طلاق داده شده خارج شود، هر چند طلاق حق او نباشد.
- (۴) حرام است که زن را از منزل خارج کند، و اگر خارج کرد باید منزلی که مطابق شان او است را برای او اختیار کند

سؤالات تآلفى

باب القصاص

شرایط تحقق قصاص نفس

۴۰۹. کدامیک از گزینه‌های زیر از شرایط تحقق قصاص نفس نمی‌باشد؟

- (۱) ازهاق النفس المعصومة
(۲) المكافئة
(۳) خطا
(۴) عدوانا

۴۱۰. عبارت: «فلا قود بقتل المرتد و نحوه من الكفار» به دلیل عدم کدامیک از شرایط قصاص، حکم قصاص نفس را ندارد؟

- (۱) المعصومة
(۲) المكافئة
(۳) عدوانا
(۴) عمد

۴۱۱. در عبارت: «و خرج بقيد العمد القتل خطا و شبهه، فانه لا قصاص فيهما» مراد از ضمیر «هما» در «فيهما» کدامیک از گزینه‌های زیر است؟

- (۱) عمد؛ خطا
(۲) عمد؛ شبه العمد
(۳) خطا؛ شبه العمد
(۴) قتل؛ خطا

شرط تحقق قتل عمد

۴۱۲. نظر شهید اول و شهید ثانی من باب شرط تحقق قتل عمد به ترتیب کدام یک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

- (۱) بقصد البالغ العاقل الى القتل بما يقتل غالبا؛ بقصد البالغ العاقل الى القتل بما يقتل غالبا
(۲) بقصد البالغ العاقل الى القتل بما يقتل غالبا؛ بقصد البالغ العاقل الى القتل و لو يقتل نادرا
(۳) بقصد البالغ العاقل الى القتل و لو يقتل نادرا؛ بقصد البالغ العاقل الى القتل بما يقتل غالبا
(۴) البالغ العاقل و لو لم يقصد القتل بالنادر؛ بقصد البالغ العاقل الى القتل و لو يقتل نادرا

۴۱۳. عین الصحيح؟

- (۱) اذا يقصد القتل بالنادر فلا قود و ان اتفق الموت كالضرب بالعود الخفيف
- (۲) اذا لم يقصد القتل بالنادر فلا قود الا ان اتفق الموت
- (۳) اذا لم يقصد القتل بالنادر فلا قود و ان اتفق الموت
- (۴) اذا يقصد القتل بالنادر قود و ان لم يتفق الموت

مصادیق قتل عمد: «زدن شخص»

۴۱۴. کدامیک از نحوه های زدن در ذیل حکم عمدی بودن به خود نمی گیرد؟

- (۱) لو کرر ضربه بما لا یحتمل مثله بالنسبة الى بدنه و زمانه
- (۲) الضرب بالعود الخفيف و لم يقصد القتل بالنادر
- (۳) لو ضربه دون ذلك من غير ان يقصد قتله فاعقبه مرضا فمات
- (۴) لو ضربه يقصد قتله فاعقبه مرضا فمات

۴۱۵. در عبارت: «لو ضربه دون ذلك من غير ان يقصد قتله فاعقبه مرضا فمات و یشکل بتخلف الامرین معا» مراد از لفظ «الامرین» کدامیک از گزینه های زیر می باشد؟

- (۱) القصد الى القتل؛ ضربه دون ذلك
- (۲) القصد الى القتل؛ فاعقبه مرضا فمات
- (۳) القصد الى القتل؛ كون الفعل مما يقتل غالبا
- (۴) كون الفعل مما يقتل غالبا؛ ضربه دون ذلك

مصادیق قتل عمد: «رماه بسهم، حجر غامز، خنقه بحبل»

۴۱۶. کدامیک از موارد زیر حکمش قتل عمد نمی باشد؟

- (۱) رماه بسهم حتی مات
- (۲) خنقه بحبل و یرخ عنه و لو مات
- (۳) بقی المخنوق ضمنا و مات
- (۴) بحجر غامز حتی مات

مصادیق قتل عمد: « طرحه فی النار، طرحه فی اللجة »

۴۱۷. طرحه فی النار او فی اللجة..... « عین الصحیح »؟

(۱) فمات فهو عمد الا ان يعلم قدرته على الخروج لقلتها او كونه في طرفها يمكنه الخروج بادننى حركة فيترك

(۲) فمات فهو عمد مطلقا

(۳) فمات فهو غير عمد الا ان يعلم قدرته على الخروج لقلتها

(۴) فمات فهو غير عمد الا كونه في طرفها يمكنه الخروج بادننى حركة فيترك

مصادیق قتل عمد: « جرحه عمدا، القى نفسه من علو على انسان، القاه من مكان شاهق، حفر بئرا بعيدة القعر »

۴۱۸. کدامیک از گزینه‌های زیر از مصادیق قتل عمد نمی باشد؟

(۱) لو القى نفسه من علو على انسان يقتل غالبا

(۲) القاه من مكان شاهق مع قصد قتله

(۳) جرحه عمدا فسرى و مات و ان امكنه المداواة

(۴) حفر بئرا بعيدة القعر فى طريق و دعا غيره الى المرور عليها مع علمه بها فوقع فمات

مصادیق قتل عمد: « جعل الطعام المسموم »

۴۱۹. در باب طعام مسموم کدامیک از گزینه‌های زیر از مصادیق قتل عمد نمی باشد؟

(۱) جعل الطعام المسموم فى منزله و لم يعلمه به

(۲) قدم اليه طعاما مسموما يقتل مثله و لم يعلمه بحاله

(۳) لو وضعه فى طعام نفسه او فى ملكه فاكله غيره باذنه

(۴) لو وضعه فى طعام نفسه و لا يعلم دخول الغير داره

مصادیق قتل عمد: « القاه فى البحر، نصل منصوب فى عمق البئر، لو دفعه فى بئر حفرها الغير »

۴۲۰. کدامیک از گزینه‌های زیر از مصادیق قتل عمد می باشد؟

- (۱) لو دفعه فی بئر حفرها الغير ان كان متعديا بحفرها فی حالة كون الدافع عالما بالبئر
 (۲) لو دفعه فی بئر حفرها الغير ان كان غير متعد و جهل الدافع بالبئر
 (۳) نصل منصوب فی عمق البئر الذی یقتل غالبا
 (۴) القاه فی البحر فالتقمه الحوت و ان لم يقصد القامه و لا كان غالبا

شهادت به زور

۴۲۱. «لو شهد علیه زورا بموجب القصاص فاقتص منه و ان يعلم الولی التزوير و یباشر القتل فالقصاص.....» کدامیک از گزینه‌های زیر عبارت را تکمیل می‌کند؟

- (۱) فهو عمد؛ علی الشهود
 (۲) فهو عمد؛ علی الولی
 (۳) فهو غیر عمد؛ علی الشهود
 (۴) فهو غیر عمد؛ علی الولی

اکراه در قتل

۴۲۲. «لو اکره البالغ العاقل علی القتل فالقصاص..... و لو وجبت الدية فالدية علی دون» کدامیک از گزینه‌های زیر عبارت را کامل می‌کند؟

- (۱) الأمر؛ الأمر؛ المباشر
 (۲) الأمر؛ المباشر؛ الأمر
 (۳) المباشر؛ الأمر؛ الأمر
 (۴) المباشر؛ المباشر؛ الأمر

۴۲۳. در بحث اکراه در قتل کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) لو اکره البالغ العاقل علی القتل فالقصاص علی الأمر
 (۲) یحبس المباشر حتی یموت
 (۳) لو اکره الصبی غیر الممیز او المجنون فالقصاص علی مکرهما
 (۴) لو کان المقتول غیر مکافی فالدية علی الأمر دون المباشر

اشتراک در قتل

۴۲۴. لو اشترک فی قتله جماعة..... «عين الخطاء»؟

- (١) مع اتحاد ولي المقتول قتلوا به جميعا ان شاء الولي بعد ان يرد عليهم ما فضل عن ديته
 (٢) مع اختلفوا ولي المقتول فطلب بعضهم القصاص و بعض الدية قدم مختار القصاص بعد رد نصيب طالب الدية منه
 (٣) مع اتحاد ولي المقتول او اتفاق المتعدد على الفعل الواحد له قتل البعض فيرد الولي ما فضل عن ديته
 (٤) لو طلب الدية كانت عليهم بالسوية ان اتفقوا على ادائها و الا فالواجب تسليم نفس القاتل

مثال قتل همه قاتلين

٤٢٥. لو اشترك ثلاثة في قتل واحد.....«عين الصحيح»؟

- (١) اختار وليه قتلهم قتلوا بلا رد عليهم شيء
 (٢) لو طلب الدية كانت عليهم بالسوية ان اتفقوا على ادائها و الا فالواجب القصاص
 (٣) قتلوا ان شاء الولي بعد رد نصيب كل واحد منهم ثلثا دية
 (٤) قتلوا ان شاء الولي بعد رد نصيب كل واحد منهم ثلث دية

تعدد ولي مقتول

٤٢٦. لو اختلفوا فطلب بعضهم القصاص و بعض الدية قدم..... و كذا لو عفا البعض الا ان الرد هنا.....

- (١) قدم مختار الدية؛ على البعض
 (٢) قدم مختار الدية؛ على القاتل
 (٣) قدم مختار القصاص؛ على القاتل
 (٤) قدم مختار القصاص؛ على البعض

شروط قصاص: « تساوي در حریت »

٤٢٧. عين الخطأ؟

- (١) يقتل الحر بالحر و بالحررة بلا رد
 (٢) يقتل الحررة بالحررة و الحر بلا رد
 (٣) لو قتل حر حرين فصاعدا فليس لاوليائهم الا قتله
 (٤) لو عفا بعضهم فللباقى القصاص

حد قصاص عضو مرد در برابر زن

۴۲۸. در عبارت داریم که: «يقتص للمراة من الرجل في الطرف من غير رد حتى تبلغ دية الطرف ثلث دية الحر فصاعدا فتصير على» لذا عبارت را کدامیک از گزینه‌های زیر تکمیل می‌کند؟

- (۱) الثلث (۲) الربع (۳) النصف (۴) الثمن

۴۲۹. اگر مردی چهار انگشت زنی را یک جا قطع کند، با فرض اینکه دیه هر انگشت ده شتر می‌باشد، مرد چند شتر باید به زن به عنوان دیه بدهد؟

- (۱) چهل شتر (۲) ده شتر (۳) بیست شتر (۴) سی شتر

شرائط قصاص: «تساوی در دین»

۴۳۰. عین الصحيح؟

(۱) لا يقتل الذمی بالذمی ان اختلف ملتھما

(۲) يقتل الذمی بالذمیة بلا رد

(۳) يقتل الذمی بالمسلم

(۴) لا تقتل الذمیة بالذمی و لیس علیھا غرم

۴۳۱. حکم کشتن کافر توسط مسلمان در کدام گزینه درست بیان شده است؟

(۱) لا يقتل مسلم بکافر ان کان حربیا لا الذمی

(۲) لا يقتل مسلم بکافر ان کان حربیا الا معاهدا

(۳) يقتل مسلم بکافر ان کان ذمیاً او معاهدا

(۴) لا يقتل مسلم بکافر مطلقاً ولكن يعزر القاتل بقتل الذمی و المعاهد و یغرم دية الذمی

۴۳۲. لو قتل الکافر مثله ثم اسلم القاتل.....

(۱) فالدية عليه لا غیر ان کان المقتول الحربی

(۲) فالدية عليه لا غير مطلقا

(۳) فالدية عليه لا غير ان كان المقتول ذميا

(۴) فلا دية و لا قصاص مطلقا

شرائط قصاص: «انتفاء الابوه»

۴۳۳. اگر پدری، فرزند خود را بکشد حکم او کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

(۱) فلا یقتل الوالد بابنه و لا یعزر و لا یکفر و لا تجب الدية لغيره من الورثة

(۲) فلا یقتل الوالد بابنه و یعزر و لا یکفر و تجب الدية لغيره من الورثة

(۳) یقتل الوالد بابنه و یعزر و یکفر و تجب الدية لغيره من الورثة

(۴) فلا یقتل بابنه و یعزر و یکفر و تجب الدية لغيره من الورثة

۴۳۴. در کدامیک از گزینه‌های زیر حکم قصاص نمی‌باشد؟

(۱) الام بابنها (۲) ولد بوالده (۳) الوالد بابنه (۴) الاخوة بالام

شرائط قصاص: «کمال العقل»

۴۳۵. با توجه به شرط عقل و بلوغ، حکم کدامیک از گزینه‌های زیر قصاص می‌باشد؟

(۱) قتل المجنون بعقل و المجنون (۲) قتل العاقل مجنونا

(۳) قتل الصبی ببالغ و صبی (۴) قتل البالغ بالصبی

۴۳۶. لا یقتل المجنون بعقل و الدية ثابتة علی..... و لا یقتل الصبی ببالغ بل تثبت

الدية علی.....

(۱) عاقلته؛ عاقلته (۲) عاقلته؛ من ماله

(۳) من ماله؛ عاقلته (۴) من ماله؛ من ماله

۴۳۷. عبارت: «لو قتل العاقل ثم جن اقتص منه و لو حالة الجنون» به چه معنا می‌باشد؟

(۱) اگر عاقلی را بکشد و بعد مجنون شود او را قصاص می‌کنند و لو آنکه مجنون باشد.

(۲) اگر وقتی عاقل است کسی را بکشد و بعد مجنون شود او را قصاص می کنند و لو آنکه در حالت جنون باشد

(۳) اگر عاقل و مجنونی را بکشد، به خاطر عاقل قصاص می شود نه به خاطر مجنون.

(۴) اگر در هنگامی که عاقل و مجنون است کسی را بکشد، قصاص می شود.

شرائط قصاص: «ان يكون المقتول محقون الدم»

۴۳۸. حکم هریک از عبارات: «قتل من اباح الشرع قتله» و «قتل من وجب عليه القصاص غیر الولی» کدامیک از گزینه های زیر می باشد؟

(۱) لم یقتل به ؛ لم یقتل به

(۲) فیائم بدون اذن الحاکم خاصة ؛ قتل به

(۳) قتل به ؛ لم یقتل به

(۴) قتل به ؛ قتل به

اولین طریق اثبات قتل: اقرار

۴۳۹. در مورد اقرار سفیه و مفلس گزینه صحیح کدامیک می باشد؟

(۱) لا یقبل اقرار السفیه و المفلس بالعمد

(۲) لا یقبل اقرار السفیه بالخطا و یقبل اقرار المفلس بالخطا

(۳) یقبل اقرار السفیه بالخطا

(۴) یقبل اقرار المفلس بالعمد لا الخطا

۴۴۰. در مورد احکام اقراری که ثابت کننده قتل است، کدام گزینه غلط است؟

(۱) الاقرار یکفی فیہ المرة

(۲) یشترط فی المقر اهلیة المقر بالبلوغ و العقل و اختیاره

(۳) لا عبرة باقرار الصبی و المجنون و المکره

(۴) لو اقر واحد بقتله عمدا و آخر بقتله خطا ینتفی الاقرار و لم یمکن الجمع

اقرار سفيه و مفلس

۴۴۱. «.....اقرار السفيه و المفلس بالعمد، و لو اقرار بالخطا الموجب للمال على الجاني

..... من السفيه مطلقا و..... من المفلس» عبارت زیر را کدام گزینه کامل می کند؟

- (۱) يقبل؛ لم يقبل؛ لم يقبل
(۲) لم يقبل؛ لم يقبل؛ لم يقبل
(۳) يقبل؛ لم يقبل؛ يقبل
(۴) لم يقبل؛ يقبل؛ يقبل

اقرار یک فرد به قتل عمد و دیگری به بری بودن او

۴۴۲. «لو اقر بقتله عمدا فافر آخر ببراءة المقر و انه هو القاتل و رجع الاول عن اقراره.....»

عين الصحيح؟

- (۱) ودى المقتول من اقر بقتله عمدا و درى عنهما القصاص
(۲) ودى المقتول من بيت المال و درى عنهما القصاص
(۳) ودى المقتول من بيت المال و القصاص على من بقتله عمدا
(۴) ودى المقتول من براءة المقر و درى عنهما القصاص

دومین طریق اثبات قتل: البينة

۴۴۳. قتل با کدامیک از بینه های زیر ثابت می شود؟

- (۱) بالواحد مع اليمين
(۲) شهادة النساء منفردات
(۳) فعدلان ذکران
(۴) شهادة النساء منضومات

۴۴۴. کدامیک از گزینه های زیر از شرایط شهادت شهود بر اثبات قتل، غلط می باشد؟

- (۱) لابد من توافقهما على الوصف الواحد
(۲) لو اختلفا زمانا او مكانا او آلة لا يبطل الشهادة
(۳) ولتكن الشهادة صافية عن الاحتمال
(۴) لو اختلفا زمانا او مكانا و.....لا يثبت بذلك لوث على الاقوى

سومین راه اثبات قتل: قسامه

۴۴۵. در باب قسامه کدامیک از گزینه‌های زیر غلط می‌باشد؟

- (۱) القسامة فتثبت مع اللوث و مع عدمه يحلف المنكر
- (۲) قدر القسامة خمسون يمينا في العمد لا الخطا
- (۳) تثبت القسامة في الاعضاء بالنسبة
- (۴) ان كان للمدعى قوم حلف كل واحد منهم يمينا ان كانوا خمسين

مثال های لوث

۴۴۶. کدامیک از گزینه‌های زیر مثالی برای لوث نمی‌باشد و غلط است؟

- (۱) شهادة العدل الواحد
- (۲) وجود ذی سلاح ملطخ بالدم عند قتيل في دمه
- (۳) وجد القتيل في دار قوم حيث لا يطرقها غيرهم
- (۴) شهادة الكافر و الفاسق و ان كان مامونا في مذهبه

حکم ديه شخصی که در محل پرجمعیت پیدا شده است

۴۴۷. من وجد قتيلاً في جامع عظيم او شارع او في فلاة او في زحام على قنطرة و غير فديته

- | | |
|-------------------|-------------------------|
| (۱) على بيت المال | (۲) هدر |
| (۳) على جاني | (۴) على العموم المسلمين |

قصاص عضو؛ «تساوي العضوين»

۴۴۸. با توجه به عبارت: «تساوي العضوين المقتص به و منه في السلامة او عدمها او كون المقتص منه اخفض» کدامیک از گزینه‌های زیر غلط می‌باشد؟

(۱) تقطع اليد الصحيحة بالشلاء ان بذلها الجاني

(۲) تقطع اليد الشلاء بالصحيحة

(۳) تقطع اليمين باليمين لا باليسرى

(۴) تقطع اليسرى باليسرى لا باليمين

حكم کسی که دست راست ندارد ولی دست راست دیگری را قطع کرده است

۴۴۹. « تقطع اليمين باليمين لا باليسرى فان لم تكن له يمين..... »

(۱) فتثبت الدية

(۲) فاليسرى؛ فان لم تكن له اليسرى فتثبت الدية

(۳) فان لم تكن له يسرى فالرجل اليمنى فان فقدت فتثبت الدية

(۴) فان لم تكن له يسرى فالرجل اليمنى فان فقدت فاليسرى

قصاص در زخم های « الشجة »

۴۵۰. لا يثبت القصاص..... « عين الصحيح »؟

(۱) الحارصة

(۲) الباضعة

(۳) السمحاق

(۴) هاشمة

۴۵۱. يثبت القصاص..... « عين الخطأ »؟

(۱) منقلة

(۲) موضحة

(۳) سمحاق

(۴) باضعة

قصاص في العين و الشعر

۴۵۲. در مورد قصاص در چشم و مو کدامیک از گزینه های زیر غلط است؟

(۱) لو كان الجاني بعين واحدة و المجنى عليه باثنين قلعت عين الجاني و ان استلزم عماء

(۲) ان قلع عينه صحيح العينين اقتص له بعين واحدة

(۳) يثبت القصاص في الشعر ان امكن الاستيفاء

(۴) يثبت القصاص في العين و الرد النصف الدية العين

قصاص فی الاذن و الانف و السن

۴۵۳. در مورد قصاص در گوش و بینی و دندان کدامیک از گزینه‌های زیر غلط است؟

- (۱) لا تقطع الاذن الصحيحة بالصماء
- (۲) تقطع الانف الشام بالاشم
- (۳) تقطع السن بالسن المماثلة و لو عادت فلا قصاص
- (۴) فان عادت متغيرة فالحكومة

حكم قطع انگشتان يك فرد و دست فرد ديگر

۴۵۴. لو قطع اصبع رجل و يد آخر «عين الصحيح»؟

- (۱) اقتص لصاحب الاصبع ان سبق او لا في الجنایة
- (۲) اقتص لصاحب اليد ان سبق او لا في الجنایة
- (۳) لو بدا الجاني بقطع اليد قطعت يده للجنایة الاولى و الزمه دية اصبع
- (۴) اقتص لصاحب اليد مطلقا و يوخذ دية الاصبع

احكام كلي قصاص عضو

۴۵۵. عين الخطأ؟

- (۱) كل عضو وجب القصاص فيه لو فقد انتقل الى الدية
- (۲) لا قصاص الا بالجل
- (۳) يجوز القصاص قبل الاندمال و ان كان الصبر اولى
- (۴) موجبه اتلاف العضو بالمتلف غالبا او بغيره مع القصد الى الاتلاف

احكام قصاص؛ واجب در قتل عمد

۴۵۶. با توجه به عبارت: «الواجب في قتل العمد القصاص» کدامیک از گزینه‌های زیر

صحيح نمی‌باشد؟

- (۱) لو اصطالحا على الدية جاز

- (۲) لا يجوز الزيادة عن الدية و يجوز النقيصة مع التراضي
 (۳) الواجب القصاص لا احد الامرين من الدية و القصاص
 (۴) قال ابن الجنيدي: وجوب الدية على الجاني بطلب الولي من حفظ نفسه الموقوف على بذل الدية

فوت بعد از جنایت و شک در عامل بودن جنایت

۴۵۷. فرض کنید علی بر عضوی از حسن جنایتی وارد می کند، فردا حسن فوت می کند، حال اگر شک داشته باشیم که علت فوت حسن چه می باشد، حکم علی کدام گزینه است؟

- (۱) فلا قصاص فی النفس و لا دية
 (۲) فلا قصاص فی النفس بل فی الطرف خاصة
 (۳) قصاص فی النفس لا الدية
 (۴) القصاص فی النفس بعد القصاص فی العضو

احکام اجرای قصاص

۴۵۸. در باب قصاص کدامیک از گزینه های زیر غلط می باشد؟

- (۱) لا يقتص بالآلة الکالة التي لا تقطع او لا تقتل
 (۲) لو يقتص بالآلة الکالة فیاثم و التعزیر
 (۳) لا یضمن المقتص سراية القصاص
 (۴) یضمن المقتص الزائد قصاصا او دية

اجرت قصاص کننده

۴۵۹. اجرة المقتص.....

- (۱) من بیت المال فان فقد علی المجنی علیه
 (۲) من بیت المال خاصة
 (۳) من بیت المال فان فقد او کان هناك ما هو اهم منه فعلى الجانی
 (۴) علی الجانی خاصة

حکم ارث بری قصاص

۴۶۰. حکم ارث بری در قصاص کدامیک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

- (۱) وارث المال مطلقا و لو الزوجین
- (۲) لایرث القصاص مطلقا
- (۳) لایرث القصاص الزوجین
- (۴) یرث القصاص الزوجین خاصة

مبادرت به قصاص (ولی واحد باشد یا متعدد)

۴۶۱. کدامیک از گزینه‌های زیر من باب مبادرت به قصاص از سوی ولی، صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) يجوز للولی الواحد المبادرة الى الاقتصاص من غیر اذن الامام
- (۲) ان كانوا جماعة توقف الاستیفاء علی اذنهم اجمع ان كانوا حاضرین و الا لا يتوقف
- (۳) یضمن المستوفی حصص الباقین من الدية
- (۴) ذهب جماعة الى وجوب استیذانه مطلقا، فیعزر لو استقل به

حکم قصاص در جایی که ولی صغیر است

۴۶۲. نظر شهید ثانی و شهید اول به ترتیب من باب قصاص توسط ولی صغیر چه می‌باشد؟

- (۱) له اب او جد یکن له الاستیفاء؛ تراعی المصلحة
- (۲) بالعکس گزینه «۱»
- (۳) تراعی المصلحة؛ لم یکن له استیفاء الى بلوغه
- (۴) تراعی المصلحة؛ تراعی المصلحة

صلح برخی از اولیای مقتول

۴۶۳. در عبارت: «لو صالحه بعض الاولیاء علی الدية لم یسقط القود عنه للباقيین و یردون من یرید القود علیه نصیب المصالح من الدية» مراد از ضمیر «ه» در لفظ «علیه» کدام گزینه می‌باشد؟

- (۱) علی المقتول
- (۲) علی المصالح
- (۳) من یرید القود
- (۴) علی الحاکم

اشتراک پدر و اجنبی در قتل فرزند؛ مسلمان و کافر در قتل ذمی؛ عامد و خاطی

۴۶۴. عین الصحيح؟

- (۱) لو اشترک المسلم و الکافر فی قتل الذمی فیقتل المسلم و الکافر ان شاء الولی
- (۲) لو اشترک الاب و الاجنبی فی قتل الولد اقتص الاب و الاجنبی ان شاء الولی الولد
- (۳) لو اشترک العامد و الخاطی، يجوز قتل العامد بعد ان یرد علیه نصف دیتة و الراد هنا العاقلة
- (۴) لو اشترک الاب و الاجنبی فی قتل الولد اقتص الاب لا الاجنبی

حقوق محجور علیه للسفة او فلس

۴۶۵. عین الصحيح؟

- (۱) يجوز للمحجور علیه للسفة و الفلس استیفاء القصاص و العفو و الصلح
- (۲) لا يجوز للمحجور علیه للسفة و الفلس استیفاء القصاص و العفو و الصلح
- (۳) يجوز للمحجور علیه للسفة و الفلس استیفاء القصاص و لا يجوز العفو و الصلح
- (۴) لا يجوز للمحجور علیه للسفة و الفلس استیفاء القصاص و يجوز العفو و الصلح

توکیل در قصاص

۴۶۶. در مورد حق توکیل در قصاص کدام گزینه صحیح نمی باشد؟

- (۱) يجوز التوکیل فی استیفاءه
- (۲) لو عزل الموکل و اقتص الوکیل و لما یعلم بالعزل فلا شیء علیه من قصاص و لا دية ولكن التعزیر
- (۳) لو عفا الموکل فاستوفی الوکیل بعده قبل العلم فلا قصاص لكن علیه الدية
- (۴) لو اتفق الاستیفاء بعد موت الموکل او خروجه عن اهلیة الوكالة فلا قصاص لكن علیه الدية

۴۶۷. در کدامیک از فرض های زیر حکم وکیل به تریب: «فلا شیء علیه»؛ «فلا قصاص و علیه

الدية»؛ «فلا قصاص و علیه الدية» می باشد؟

- (۱) الاستیفاء بعد موت الموکل؛ الاستیفاء بعد خروجه عن اهلیة الوكالة؛ الاستیفاء بعد عفا الموکل

(۲) الاستيفاء بعد خروجه عن اهلية الوكالة؛ الاستيفاء بعد عفا الموكل؛ الاستيفاء بعد عزل الموكل و لما يعلم بالعزل

(۳) الاستيفاء بعد عزل الموكل و لما يعلم بالعزل؛ الاستيفاء بعد عفا الموكل؛ الاستيفاء بعد خروجه عن اهلية الوكالة

(۴) الاستيفاء بعد خروجه عن اهلية الوكالة، الاستيفاء بعد عزل الموكل و لما يعلم بالعزل، الاستيفاء بعد عفا الموكل

قصاص زن حامله

۴۶۸. کدامیک از گزینه‌های زیر به طور صحیح حکم قصاص زن حامله را بیان کرده است؟

- (۱) يقتص من الحامل و لا يقبل قولها في الحمل
- (۲) لا يقتص من الحامل حتى تضع و لا يقبل قولها في الحمل الا تشهد القوابل به
- (۳) لا يقتص من الحامل حتى تضع و يقبل قولها في الحمل و ان لم تشهد القوابل به
- (۴) يقتص من الحامل و يقبل قولها في الحمل

پاسخنامه

باب القضاء